ایران

• دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵
• ۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• ۱۷ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۹
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پایداری

پاسداران امنیت غذایی

صفحات ویژه هفته دولت را در «ایران» بخوانید

همراه با گفت‌وگو با غلامرضا نوری وزیر جهاد کشاورزی
و یادداشت‌هایی از
قاسم نوده فراهانی، علیرضا تهیدست، حمیدرضا رستگار و تورج ایمانی

۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

پزشکیان و قالیباف یادداشت تفاهم پایان جنگ را مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت می‌دانند

غبارزدایی از تفاهمنامه

محسن هاشمی‌رفسنجانی:
حفظ دستاوردهای مقاومت، نیازمند آن است که از ظرفیت دیپلماسی برای کاهش هزینه‌های فرسایشی استفاده کنیم.

محمدرضا باهنر:
تفاهمنامه اسلام‌آباد سند قابل دفاعی است که تأمین کننده منافع ایران و محصول مجاهدت‌ها و هماهنگی‌های میان میدان و دیپلماسی است.

عبدالله رمضانزاده:
تفاهمنامه یکی از مهم‌ترین اسناد ایران در چند قرن اخیر است که با یک قدرت بزرگ جهانی به امضا رسیده است. بهترین اقدام در شرایط فعلی بازگشت به اجرای آن است.

پرویز سروری:
تفاهمنامه میان ایران و آمریکا اگر اجرا شود، حتماً می‌تواند به‌عنوان یک پیروزی بزرگ برای ملت ما محسوب شود. نتوانسته‌ایم روایت‌سازی مناسبی انجام دهیم.

جهانبخش ایزدی:
راه کاهش تنش از تفاهمنامه ۱۴ بندی می‌گذرد. رفع محاصره، خروج نیروهای آمریکایی، رفع تحریم‌ها، بازگرداندن اموال بلوکه شده و رفع تهدید، از جمله امتیازات ایران است.

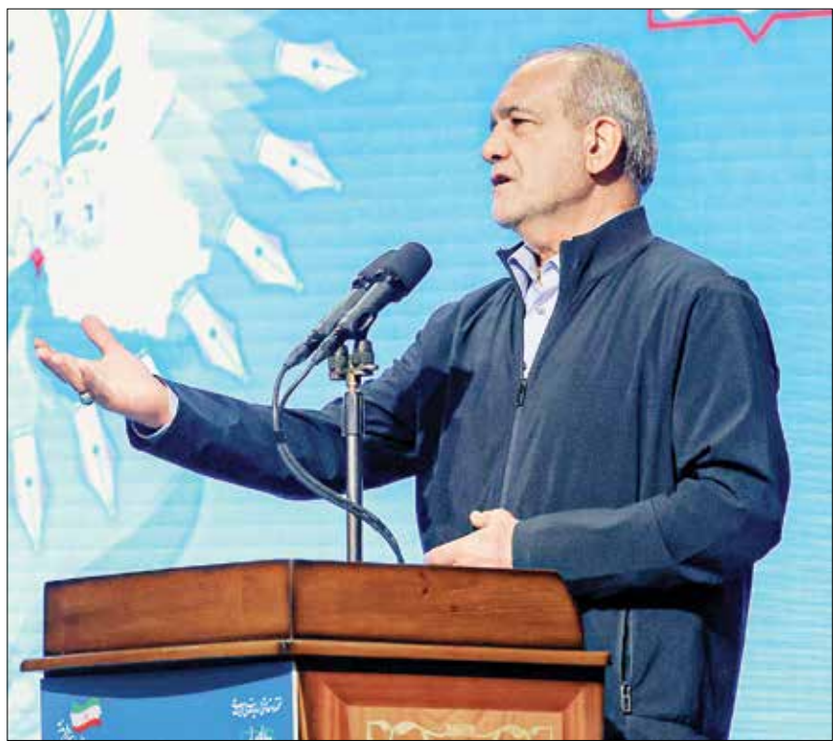

۳ ۴

حقوقدان‌ها در پی رأی موافق نمایندگان به کلیات طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه مطرح کردند

ضرورت اصلاح در جزئیات طرح نفوذ

عثمان سالاری عضو هیأت رئیسه کمیسیون حقوقی و قضایی:
قرار است جزئیات طرح در جلسات آتی مجلس و به‌صورت ماده‌به‌ماده بررسی شود

همراه با یادداشت‌هایی از **علی نجفی توانا و فرشید فرحناکیان**

۲

پیشنهاد عارف در دیدار وزیر انرژی تاجیکستان

اتحادیه کشورها و مناطق فارسی‌زبان تشکیل شود

۱

صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون علمی رئیس‌جمهور رونمایی شد

ابتکاری برای جان گرفتن اقتصاد خلاق در فرهنگ

۱۶

«ایران» هشدار وزیر ورزش درباره غفلت از خصوصی‌سازی فوتبال باشگاهی را بررسی می‌کند

مستطیل سبز در محاصره خصولتی‌ها

۸

گفت‌وگو با امیرمازیار درباره «مجموعه اقلیم هنر»

عبور از نگاه‌های کلیشه‌ای

نگاهی به کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» و تاریخ شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی

۱۵

پزشکیان خطاب به معلمان و مدیران آموزش و پرورش:

مسئولیت پذیری، همیاری و کارآمدی را به فرزندان ایران بیاموزید

صبح روز گذشته سی‌ونهمین اجلاس رؤسای آموزش‌وپرورش سراسر کشور با حضور رئیس‌جمهور پزشکیان، وزیر آموزش‌وپرورش و جمعی از معاونان و مدیران، با رویکرد ارتقای کیفیت و توسعه عدالت در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد.

مسعود پزشکیان در این اجلاسیه با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دانش‌آموز میناب و رهبر شهید، اظهار کرد:« رهبر شهید همواره‌هادی و راهنمای دولت بودند، اما متأسفانه ایشان و دانش‌آموزان‌مان به دست سفاکان عالم و مدعیان دروغین دموکراسی به شهادت رسیدند.»

رئیس‌جمهوری با اشاره به خاطره‌ای از دوره جوانی و حضور در جلسات قرائت قرآن، تصریح کرد: «پس از اینکه نسبت به مفاهیم آیات قرآن آگاهی عمیقی پیدا کردم به این درک رسیدم که ابتدا باید در ذهن فرزندان و انسان داده و اطلاعاتی شکل بگیرد تا بتواند مبتنی بر آن مسیر موفقیت را بپیماید. تمامی آیات قرآن مسیر زندگی را به ما می‌آموزد؛ چنانچه مبتنی بر این آموزه‌ها گام برداریم و زندگی کنیم، می‌توانیم به بی‌نهایت دست یابیم.»

رئیس دولت با تأکید بر اینکه‌پذیرش وضع موجود باعث ایستایی و توقف می‌شود، عقب‌ماندگی در ابعاد گوناگون را نقد کرد و یادآورشد:« ما در کشور سرمایه‌های فراوانی داریم که باید به آنها توجه کنیم. نباید در دنیا از کسی عقب بمانیم. طبیعتاً برای بهترین شدن باید تلاش و کوشش کرد. ضرورت دارد فضای آموزش‌وپرورش به گونه‌ای باشد تا مفاهیمی همچون عدالت‌ورزی، کارآمدی، همیاری، تقویت روحیه مشارکت جمعی، کار گروهی و بهترین بودن را به دانش‌آموزان بیاموزد.»

رئیس‌جمهوری دستاوردهای موجود در فضای تعلیم و تربیت را شایسته نامید و کیفیت بخشی جامع آموزش‌وپرورش را خواستار شد و گفت: «شما مدیران و معاونان در نظام تعلیم و تربیت جایگاه مؤثری دارید؛ بنابراین تمرکز بر توانمندی حل مسأله، کار تیمی، برقراری ارتباط آسان، ایجاد ساختار آموزشی مبتنی بر کار گروهی را به دانش‌آموزان آموزش دهید. هر دانش‌آموز استعدادی دارد و چنانچه این استعدادها در قالب یک گروه اقدام کنند در زمینه حل مسائل پیروز خواهیم شد. همه با یکدیگر می‌توانیم مملکت خود را آباد کنیم. نباید در کل کشور کسی را ناامید کنیم. نگاه خود را به سمت بهتر شدن و تغییر شرایط تغییر دهیم تا ایرانی سربلند، الهام‌بخش و باعزت داشته باشیم.»

پزشکیان با انتقاد از متکی بودن به نفت، وجود افراد توانمند در مدارس را مهم‌ترین ثروت و سرمایه اجتماعی نامید و اظهار کرد:« افتخار اصلی ما نیروی انسانی و فرزندان‌مان به شمار می‌آید؛ پس در کنار سایر مؤلفه‌هایی که نام برده شد به دانش‌آموزان خدمت به کشور، زندگی کردن، مسئولیت‌پذیری و باور به اینکه تمام گره‌ها را می‌توان با اتحاد و انسجام گشود، بیاموزید.»

به گفته رئیس‌جمهوری، مسیرهای متعددی برای حصول موفقیت وجود دارد. تغییر روش‌های آموزشی و مدیریتی، ارتقای کارآمدی و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین، سبب‌ساز ایجاد مسیرهای متنوع برای بهترین شدن در مسیر عزت و سربلندی خواهد بود. وضعیت موجود را نپذیرید؛ قالب‌های ذهنی موجود خود را بشکنید؛ آن وقت است می‌توانید مدیران و معلمانی توانمند باشید که استعدادها را کشف می‌کنند.

پزشکیان فاصله گرفتن از روزمرگی‌ها را ناگزیر دانست و ادامه داد:« نظام تعلیم و تربیت و روش‌های آموزشی به سمت و سویی برود تا دانش‌آموزان در ابعاد گوناگون توانمند باشند. مدیران و معلمان بهترین الگو برای فرزندان ایران هستند. یکی از مسائل جاری کشور توجه به صرفه‌جویی است. با ایجاد تغییر در نگرش‌ها می‌توانیم مشکلات و کاستی‌ها را به درستی مدیریت و از این شرایط به خوبی عبور کنیم.»

رئیس دولت چهاردهم، افزایش هم‌افزایی و توجه به استعدادهای متنوع را اقدامی مهم برای تغییر نگرش‌ها در حل مسائل عنوان کرد و گفت: «به مدیران و معلمان خود در استان‌ها یا شهرستان‌ها این اجازه را بدهید تا بتوانند خلاقیت در امورشان داشته باشند و از امر و نهی بپرهیزید؛ چه بسا معلمانی در استان‌ها حضور داشته باشند که اقدامات‌شان باعث تغییر نگرش مثبت و مؤثر در حوزه تعلیم و تربیت بشود. مشورت با یکدیگر را در نظر داشته باشید.»

آموزش‌وپرورش در دوران جنگ تعطیل نشد

در ادامه علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و بویژه شهدای دولت، از حضور رئیس‌جمهوری دراین اجلاسیه قدردانی کرد و گفت: «پیام این اجلاس باید این باشد که با وجود تلاش دشمن برای ایجاد اختلال در روند خدمت‌رسانی کشور، آموزش‌وپرورش با قدرت در میدان حضور دارد و همه ارکان نظام تعلیم و تربیت در کنار یکدیگر برای آغاز سال تحصیلی جدید آماده هستند. آموزش‌وپرورش در دوران جنگ تعطیل نشد و استمرار جریان تعلیم و تربیت، اولین سیاست ما بود.»

کاظمی با اشاره به نهضت توسعه عدالت آموزشی افزود: «دراین چارچوب، ساخت ۲ هزار و ۴۰۰ پروژه و ۱۱ هزار کلاس درس تا مهرماه ۱۴۰۴ و برنامه ساخت ۱۳ هزار کلاس درس تا مهر ۱۴۰۵ نیز دنبال می‌شود. ساخت و تکمیل حدود ۶ هزار فضای آموزشی و استانداردسازی حدود ۵۰ هزار کلاس درس، مشارکت بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد تومانی خیرین، بخشی از این اقدامات بوده است. بازسازی حدود هزار و ۵۰۰ واحد آموزشی آسیب‌دیده نیز در دستور کار قرار گرفته است.»

به مناسبت چهلمین روز تشییع و تدفین رهبر شهید برگزار می‌شود

مراسم بزرگداشت «آقای شهید ایران» در تهران، قم و مشهد

دفتر رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز تشییع و تدفین پیکر رهبر شهید ایران، با صدور اطلاعیه‌ای از برگزاری مراسم بزرگداشت رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای در تهران، قم و مشهد خبر داد. متن اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب بدین شرح است:

همزمان با ایام چهلمین روز تشییع تاریخی و تدفین پیکر مطهر آقای شهید ایران، مراسم بزرگداشت آن رهبر عظیم‌الشأن و خانواده ایشان از سوی حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در تهران، قم و مشهد برگزار می‌شود.

مراسم‌های بزرگداشت قائد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای به این شرح برگزار خواهد شد:

تهران؛
سه‌شنبه ۲۷ مرداد، از ساعت ۱۷ تا ۱۹، در شبستان مصلای امام خمینی(ره).

قم؛
چهارشنبه ۲۸ مرداد، بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها.

مشهد مقدس؛
پنجشنبه ۲۹ مرداد، همزمان با شب شهادت امام حسن عسکری(ع)، بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر رضوی.

از مردم قدرشناس ایران برای حضور در مراسم بزرگداشت رهبر شهید دعوت به‌عمل می‌آید. حضور پرشور و گسترده عموم ایرانیان و دلدادگان امامین انقلاب در مراسم بزرگداشت چهلم قائد شهید، بیعتی دوباره با رهبری معظم انقلاب اسلامی و تأکیدی مجدد بر ادامه راه آقای شهید ایران خواهد بود.»

همچنین حجت‌الاسلام سیدمظاهر حسینی، نماینده دفتر مقام معظم رهبری در نشست خبری با اشاره به روند برنامه‌ریزی مراسم اربعین قائد شهید امت گفت: «براساس اعلامی که به ما شده، روز پنجشنبه ۲۹ مرداد ماه به‌عنوان روز برگزاری این مراسم به‌صورت عمومی در سراسر کشور تعیین شده است. همچنین معاونت بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری نیز همین روز را برای برگزاری مراسم در کشورهای دیگر در نظر گرفته است.»

حجت‌الاسلام حسینی ادامه داد: «در کشورهای مختلف جهان نیز مراسم‌های مرتبط در حال برنامه‌ریزی و برگزاری است و ان‌شاءالله اطلاع‌رسانی لازم درباره این مراسم‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده انجام خواهد شد.»

پیشنهاد عارف در دیدار وزیر انرژی تاجیکستان

اتحادیه کشورها و مناطق فارسی‌زبان تشکیل شود

معاون اول رئیس‌جمهوری در دیدار با دلیر جمعه، وزیر انرژی و ذخایر آب تاجیکستان، با تبریک سالروز استقلال این کشور از مواضع همراه و همسوی تاجیکستان با جمهوری اسلامی ایران، بویژه در دو جنگ تحمیلی اخیر و در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی قدردانی کرد و گفت حمایت‌های تاجیکستان در این مقطع برای ایران ارزشمند بوده است. محمدرضا عارف با بیان اینکه راهبرد دو کشور توسعه روابط در همه سطوح است، افزود: مانع جدی در مسیر گسترش همکاری‌ها وجود ندارد و مهم‌ترین مشکل، بوروکراسی است که باید با افزایش تعاملات دوطرفه برطرف شود. برگزاری کمیسیون مشترک نیز نشان‌دهنده عزم دو کشور برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری، علمی، فنی، انرژی و فرهنگی است. معاون اول رئیس‌جمهوری در ادامه پیشنهاد تأسیس «اتحادیه کشورها و مناطق فارسی‌زبان» را مطرح کرد و گفت: چنین اتحادیه‌ای می‌تواند سطح همکاری‌های فرهنگی و تمدنی حوزه پارسی را ارتقا دهد و لازم است ایجاد آن در سفرها و دیدارهای مقامات دو کشور به‌طور جدی دنبال شود. دلیر جمعه، وزیر انرژی و ذخایر آب تاجیکستان با اشاره به دیدارهای خود با وزرای نیرو، نفت، امور خارجه و راه و شهرسازی در تهران، افزود: این مذاکرات می‌تواند به گسترش همکاری‌های تجاری، اقتصادی، انرژی، حمل‌ونقل، فرهنگی و گردشگری ایران و تاجیکستان کمک کند.

مزایده املاک مازاد بانک سرمایه (باشرایط نقدی واقساطی)

بانک سرمایه قصد دارد نسبت به فروش املاک مازاد خود از طریق برگزاری مزایده اقدام نماید. لطفاً جهت مشاهده فهرست این املاک به وبسایت بانک سرمایه به نشانی www.sbank.ir، صفحات این بانک در شبکه‌های اجتماعی به نشانی @sarmayebankofficial همچنین سامانه اموال مازاد بانک‌ها به نشانی www.sam-ba.ir و وبسایت www.parsnamaddata.com (پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات کشور ـ پارس نماد داده‌ها) مراجعه نموده و برای کسب اطلاعات بیش‌تر با شماره تلفن‌های ۸۴۲۴۵۲۶۷-۸۴۲۴۵۱۱۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

بانک سرمایه

آگهی مزایده فروش سهام
شرکت صنایع غذایی پیچک

شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا در نظر دارد براساس وکالت‌نامه شماره ۴۷۳۹۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری صبا جهاد نسبت به‌فروش تعداد ۱۴،۲۳۴،۵۷۴سهم معادل حدود ۹۴/۹ درصد سهام شرکت صنایع غذایی پیچک به‌شرح زیر اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان خرید سهام شرکت مذکور دعوت به‌عمل می‌آید تا با مراجعه به دفتر شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام فرمایند.

۱- آدرس مزایده‌گزار (شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا): تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید حجت سوری، نبش رام، پلاک۵، طبقه ۲ شرقی، دبیرخانه شورای عالی واگذاری، شماره تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۵۲۳۶۷

۲- هزینه خرید اسناد مزایده: مبلغ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که متقاضیان باید مبلغ فوق را به‌حساب شماره IR۱۲۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۳۰۰۱۴۵۴۷۰ بانک رفاه کارگران به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا واریز و فیش آن را هنگام دریافت اسناد مزایده ارائه نمایند.

۳- میزان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۳۵۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

۴- آخرین مهلت فروش اسناد مزایده: تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ به آدرس مذکور.

۵- آخرین مهلت ارائه پیشنهاد: تا آخر وقت اداری روز شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ به آدرس مذکور.

۶- زمان بازگشایی پیشنهادها: روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ ساعت۱۰:۳۰ صبح به آدرس تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید حجت سوری، نبش رام، پلاک ۵، طبقه ۸ غربی

۷- ارائه آخرین صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده برای متقاضیان حقوقی شرکت در مزایده الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده متقاضی شرکت در مزایده از فرآیند مزایده حذف خواهد شد.)

شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا

شرکت توسعه بازاریابی و فروش ماد
بانک ملت bank mellat

مزایده عمومی
شماره ۱۴۰۵/۱۰ املاک مازاد بانک ملت
شرکت توسعه بازاریابی و فروش ماد
با وکالت از بانک ملت
جهت مشاهده جزئیات
مزایده اسکن نمائید
www.maadmellat.ir

مجلس

حقوقدانان در پی رأی موافق نمایندگان به کلیات طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه مطرح کردند

ضرورت اصلاح در جزئیات طرح نفوذ

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همزمان با نهایی کردن تصویب مواد طرح «مقابله با جنایات بین‌المللی» با کلیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» نیز موافقت کردند. در موادی از این طرح که کلیات آن با ۱۸۳ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۸ نماینده حاضر در جلسه به تصویب رسید، اقداماتی همچون مصاحبه یا هرگونه ارتباط با رسانه‌های معاند و ارتباط با سفارتخانه‌های خارجی و نیز هرگونه پیشنهاد سیاستی یا تقنینی مضر به امنیت و استقلال کشور و تحت اشراف سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، جرم انگاری شده است. طراحان این طرح در ماده ۱ پیشنهادی آن هرگونه پیشنهاد سیاستی یا تقنینی تحت اشراف سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه را که به امنیت یا استقلال کشور لطمه بزند مستحق حبس درجه ۱ تا ۳۰ سال دانسته‌اند. در ماده ۶ این طرح نیز آمده است: «مصاحبه یا شرکت در گفت‌وگو یا هرگونه ارتباط با رسانه‌های معاند از جمله رسانه‌های آمریکایی یا صهیونیستی یا رسانه‌هایی را که آمریکا یا رژیم صهیونیستی تأمین مالی می‌کنند، ممنوع و موجب محکومیت به حبس درجه شش (۶ ماه تا ۲ سال) است. مصاحبه با سایر رسانه‌های خارجی منوط به اطلاع‌رسانی به سامانه وزارت اطلاعات است.» همچنین پیشنهاد شده، ارتباط اشخاص با سفارتخانه‌ها، دفاتر سازمان‌ها یا نهادهای غیرایرانی در داخل یا خارج از کشور بدون اطلاع‌رسانی و اخذ مجوز کتبی از وزارت خارجه، موجب محکومیت به جزای نقدی درجه چهار و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش باشد.

انتشار این مواد از طرح و جزئیات دیگری نظیر اینکه گفته شد طراحان این طرح «همکاری علمی با نهادهای خارجی خارج از فهرست مجاز» را ممنوع دانسته و حتی «تولید یا کارگردانی فیلم، مستند، تئاتر، موسیقی و کتابی که مروج فرهنگ ضد اسلامی باشد یا چهره سیاه از کشور نشان دهد را مستحق محرومیت مادام العمر از فعالیت دانسته‌اند» سبب شد که طرح با انتقادات گسترده‌ای از سوی برخی کارشناسان حقوقی و فعالان رسانه‌ای و اجتماعی مواجه شود. علاوه بر انتقادات مطرح شده به مواد طرح در مورد کلیات نیز این انتقاد جدی از سوی کارشناسان و حتی نمایندگان مخالف طرح در مجلس مطرح شد که طرحی که دارای ابعاد حقوقی و قضایی است و قاعدتاً باید در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و در روند همکاری و مشورت با قوه قضائیه تدوین و ارائه می‌شد از سوی کمیسیون غیرتخصصی و غیر مرتبط با خود یعنی امنیت ملی و سیاست خارجی تدوین و ارائه شده است.

گستردگی انتقادات تا به آنجا بود که سبب شد عثمان سالاری، عضو هیأت‌رئیسه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در مقام واکنش و توضیح با اعلام اینکه «جزئیات طرح مقابله با نفوذ بیگانگان هنوز بررسی نشده است» اعلام کند که «قرار است جزئیات طرح در جلسات آتی مجلس و به‌صورت ماده‌به‌ماده بررسی شود و نمایندگان موافق و مخالف دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را مطرح کنند؛ بنابراین مطالبی که درباره جزئیات این طرح منتشر شده، فعلاً نباید به‌عنوان مصوبه نهایی تلقی شود.» وی همچنین درباره طرح مقابله با جنایات بین‌المللی که روز گذشته در مجلس نهایی شد، گفت که این موضوع ارتباطی با طرح مقابله با نفوذ بیگانگان ندارد و نباید این دو طرح با یکدیگر خلط شوند.

ایمان شمسایی رئیس مرکز رسانه مجلس هم انتشار این توضیح درباره طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه را ضروری دانست که «مجلس هنوز وارد بررسی جزئیات این طرح نشده است و بنابر این انتشار اخباری با عنوان تصویب جزئیات و تصویب مواد آن نادرست است» و «هنوز معلوم نیست که این طرح به صورت یک شوری و یا دو شوری بررسی می‌شود.»

> عثمان سالاری: مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان، هر طرح یا لایحه‌ای که ماهیت قضایی و حقوقی داشته باشد، باید نظر قوه قضائیه درباره آن اخذ شود. در فرآیند بررسی این طرح نظر قوه قضائیه اخذ نشده است

نمایندگان خواستار اصلاح طرح در روند بررسی جزئیات

طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه در مرحله تصویب کلیات با این دفاع ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی همراه بود که «باید از دوشوری شدن و اطاله روند بررسی این طرح جلوگیری کنیم تا نیاز دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور هرچه سریع‌تر به قانون تبدیل شود.»

همچنین منوچهر متکی نماینده موافق و مدافع طرح معتقد بود «در موضوع جاسوسی قانون داریم، اما در حوزه نفوذ، با توجه به اهمیت این موضوع و تأکید رهبر شهید بر مقابله با نفوذ، خلأ قانونی وجود داشت که این طرح برای رفع همین خلأ تدوین شده است.» با این توضیحات اگر چه اکثریت نمایندگان حاضر به کلیات رأی دادند؛ اما در مقام جزئیات بر خلاف موضع حسن قشقاوی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که ادعا داشت «موضوع در کمیته تخصصی با دقت بسیار بالا و به‌صورت کلمه‌به‌کلمه بررسی شده است» طیف قابل توجهی از نمایندگان معتقد بودند که این طرح برای تبدیل شدن به قانون به اصلاحات جدی نیازمند است.

از جمله، محسن زنگنه نماینده مردم تربت حیدریه که در انتقاد نسبت به طرح گفت: «طرح مقابله با جاسوسی و نفوذ بر خلاف انتظار دست افراد مشمول نفوذ و جاسوسی را بازتر می‌کند.» او در تبیین ایراد خود به طرح توضیح داد: «در این طرح به همه حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی تعرض شده و بر اساس ماده ۳ آن از این به بعد انجام تمامی فعالیت‌های دستگاه‌های مشمول این قانون باید در سامانه ثبت شود و دریافت مجوز پیش‌بینی شده است و در واقع با این ماده از تمامی فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری خواهد شد و در ماده دیگری در عمل محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های مجازی در نظر گرفته شده است؛ چنین احکامی می‌تواند موجب هرج‌ومرج شود و با ساختار قانونگذاری و سیاست‌های رهبر شهید در حوزه قانونگذاری مغایرت دارد و این ایرادات نشان می‌دهد عزیزانی که در حوزه‌های حقوقی و امنیتی روی این طرح کار کرده‌اند، باید ایرادات جدی آن را مورد توجه قرار دهند.»

عثمان سالاری نیز که خود در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس عضویت دارد، در مقام مخالفت با جزئیات طرح و تأکید بر ضرورت اصلاح مواد آن اگر چه اصل مقابله با نفوذ را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، معقول و مقبول دانست، اما گفت: «ماهیت این طرح عمدتاً قضایی است و از ماده ۱۲ به بعد، به‌طور گسترده برای برخی اقدامات جرم‌انگاری و مجازات تعیین شده است؛ بنابراین باید الزامات قانونی مربوط به طرح‌های دارای ماهیت قضایی در آن رعایت شود.» سالاری در این باره افزود: «مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان، هر طرح یا لایحه‌ای که ماهیت قضایی و حقوقی داشته باشد، باید نظر قوه قضائیه درباره آن اخذ شود. تا آنجا که اطلاع دارم، در فرآیند بررسی این طرح نظر قوه قضائیه اخذ نشده و این قوه مورد مشورت قرار نگرفته است.»

محمدرضا صباغیان هم در مخالفت با کلیات طرح یادآوری کرد که قوانین زیادی در کشور وجود دارد و نیازی نیست با عجله قانون جدید تصویب کنیم.

برش

رسانه رهبر انقلاب: مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم نسبت مستقیم داشته باشد

روز گذشته کانال رسانه رهبر انقلاب در فضای مجازی بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت سالروز افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی و آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم در ۷ خرداد ۱۴۰۵ را بازنشر داد با این عنوان که مصوبات مجلس براساس نیازهای مردم و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد؛ «لازم است مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد. جامعه پیش از هر چیز نیازمند مشاهده نشانه‌های واقعی امید، مسیر باثبات و چشم‌انداز روشن از آینده است تا بتواند بر اساس آن برنامه‌ریزی و حرکت کند و نمایندگان مجلس با مواضع، مصوبات و نطق‌های خود می‌توانند مجلس شورای اسلامی را نهاد پیشران امیدآفرینی نمایند.»

یادداشت

فراتر از منطق تقنین

فرشید فرحناکیان
حقوقدان

تصویب کلیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه» را نمی‌توان صرفاً یک اقدام تقنینی برای مقابله با جاسوسی و نفوذ دانست. مسأله اصلی آنجاست که مرز میان «تهدید امنیتی» و «تعامل مشروع» تا چه اندازه در متن طرح روشن‌شده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دامنه طرح فراتر از جاسوسی کلاسیک رفته و حوزه‌هایی مانند ارتباط علمی، رسانه‌ای و برخی تعاملات خارجی را نیز دربر می‌گیرد.

نخستین هشدار، ابهام در تعریف جرم است. واژه‌هایی مانند «نفوذ»، «ارتباط»، «همکاری»، «هدایت» و «راهبری» اگر بدون معیارهای دقیق حقوقی به کار روند، ظرفیت تفسیر گسترده پیدا می‌کنند. در حقوق کیفری، شهروند باید پیش از انجام رفتار بداند دقیقاً چه عملی جرم است. قانونی که مرز جرم و رفتار مشروع را مبهم بگذارد، در عمل بخشی از تشخیص جرم را از قانونگذار به مرحله اجرا منتقل می‌کند.

مسأله دوم، تناسب جرم و مجازات است. آیا مصاحبه با یک رسانه خارجی، همکاری علمی با یک دانشگاه خارجی و همکاری سازمان‌یافته با یک سرویس اطلاعاتی، از حیث میزان خطر امنیتی در یک سطح قرار دارند؟ گزارش‌های منتشرشده از پیش‌بینی مجازات حبس برای برخی تعاملات علمی و رسانه‌ای حکایت دارد. اگر چنین تفکیکی در متن قانون وجود نداشته باشد، اصل تناسب به چالش کشیده می‌شود.

مسأله سوم، هزینه اجتماعی قانون است. دانشگاه برای پیشرفت به ارتباط بین‌المللی نیاز دارد؛ رسانه برای ایفای نقش خود به امکان گفت‌وگو و دسترسی به منابع مختلف؛ و دیپلماسی عمومی نیز اساساً بر ارتباط بناشده است. اگر هر ارتباط خارجی بالقوه در معرض عنوان مجرمانه قرار گیرد، نتیجه الزاماً افزایش امنیت نیست؛ ممکن است افزایش خودسانسوری و کاهش تعامل باشد.

از سوی دیگر، حتی اگر هدف طرح، مقابله با خلأهای قانونی و تمرکز مقررات پراکنده باشد، یک پرسش اساسی باقی می‌ماند: آیا مشکل کشور کمبود قانون است یا ضعف در اجرای دقیق قوانین موجود؟ تورم قوانین امنیتی لزوماً به معنای افزایش امنیت نیست.

امنیت ملی ضرورت است؛ اما امنیت پایدار با قانون مبهم ساخته نمی‌شود. قانون امنیتی زمانی قدرتمند است که دقیق باشد، مرز رفتار مجرمانه و مشروع را روشن کند، مجازات متناسب داشته باشد و امکان دفاع مؤثر را تضمین کند.

بنابراین نقد اصلی به چنین طرحی، مخالفت با مقابله با نفوذ نیست؛ نقد متوجه شیوه جرم‌انگاری نفوذ است. اگر قانون نتواند میان جاسوس، واسطه، پژوهشگر، روزنامه‌نگار و شهروندی که صرفاً با جهان خارج ارتباط دارد تفاوت بگذارد، ممکن است در تلاش برای مقابله با تهدید، هزینه‌ای ناخواسته به آزادی‌های قانونی و سرمایه اجتماعی تحمیل کند.

مسأله درنهایت یک انتخاب ساده میان امنیت یا آزادی نیست؛ مسأله، طراحی قانونی است که بتواند هر دو را همزمان حفظ کند. مسأله و ایراد به این طرح مخالفت با مقابله با نفوذ نیست؛ مسأله، غلبه منطق امنیتی بر منطق تقنین دقیق است. قانون زمانی می‌تواند امنیت‌آفرین باشد که دقیقاً مشخص کند «نفوذ» چیست، چه رفتاری جرم محسوب می‌شود و مجازات آن تا کجا باید امتداد یابد. اگر دامنه جرم‌انگاری گسترده، تعریف‌ها مبهم و ضمانت اجرا سنگین باشد، مرز میان «تهدید امنیتی» و «تعامل مشروع» مخدوش می‌شود. متن نهایی، اگر قرار است از منظر حقوقی و سیاسی قابل دفاع باشد، باید جرم‌انگاری محدودتر، تعاریف روشن‌تر، مجازات متناسب‌تر و مرز شفاف‌تری میان امنیت ملی و آزادی‌های قانونی ترسیم کند. در غیر این صورت، قانون به‌جای آنکه صرفاً با نفوذ مقابله کند، ممکن است به تولید «هزینه تعامل» و گسترش خودسانسوری در جامعه منجر شود.

امنیت ملی و اهمیت قانونگذاری سنجیده

علی نجفی توانا
حقوقدان

طرحی با عنوان «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» پس از تصویب کلیات در حالی برای بررسی جزئیات در دستور کار قرار گرفته است که به‌دلیل ارتباط مستقیم با حوزه‌های امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و اقتصادی، نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. مقابله با جاسوسی، خیانت و نفوذ بیگانگان از وظایف مسلم حاکمیت است، اما این هدف باید در چارچوب قانون، با رعایت حقوق شهروندی و بدون ایجاد محدودیت‌های غیرضروری برای فعالیت‌های مشروع مردم دنبال شود.

نخستین نگرانی درباره این طرح، احتمال تعارض آن با اصول قانون اساسی است. اصل ۹ قانون اساسی تصریح می‌کند که هیچ مقامی نمی‌تواند به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع مردم را سلب کند و همینطور به نام آزادی استقلال و امنیت کشور را. از سوی دیگر، اصل ۲۴ نیز آزادی نشریات و مطبوعات را در حدود مقرر قانونی به رسمیت شناخته است. بنابراین هر مصوبه‌ای که ارتباطات رسانه‌ای، نقد، ارزیابی، گفت‌وگو و تبادل نظر با مخاطبان خارجی را به‌صورت گسترده محدود کند، باید با حساسیت و دقت فراوان بررسی شود.

در شرایط امروز، خبرنگار یا پژوهشگر ممکن است برای انجام وظیفه حرفه‌ای خود با سفیر، کاردار، سرمایه‌گذار یا نماینده یک شرکت خارجی گفت‌وگو کند. چنین ارتباطی لزوماً ماهیت امنیتی یا مجرمانه ندارد. تعمیم جرم‌انگاری در این قانون می‌تواند مصاحبه با ورزشکاران و هنرمندان خارجی و بسیاری از فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری را نیز دربر گیرد؛ فعالیت‌هایی که بخش مهمی از ارتباطات طبیعی جامعه با جهان خارج را تشکیل می‌دهند. اگر معیارهای طرح به‌گونه‌ای تنظیم شود که مصاحبه، معامله یا رابطه فرهنگی و اقتصادی با یک رسانه یا نهاد خارجی، بدون تعریف دقیق، در معرض تعقیب قرار گیرد، فعالیت‌های حرفه‌ای و اقتصادی با نااطمینانی جدی مواجه خواهد شد.

در حوزه انتخابات نیز باید میان موضوعات تفکیک قائل شد. جرم‌انگاری دریافت کمک مالی خارجی در انتخابات، اساساً به قانون انتخابات مربوط است و اگر قوانین موجود در این زمینه نیازمند اصلاح یا تکمیل هستند، می‌توان با افزودن یک یا دو ماده به قوانین مرتبط یا قانون مجازات اسلامی، مشکل را به‌صورت مشخص و هدفمند برطرف کرد. نیازی نیست برای حل یک موضوع خاص، دامنه مقررات کیفری به مجموعه گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای تسری یابد.

ایران هم‌اکنون نیز در قوانین کیفری و قانون مطبوعات، مقررات متعددی برای مقابله با جاسوسی، همکاری با دشمن، جرایم علیه امنیت و تخلفات رسانه‌ای دارد. افزودن جرم‌انگاری‌های مبهم و گسترده، نه‌تنها ضرورتاً امنیت بیشتری ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش بوروکراسی، سلیقه‌ای شدن نظارت و گسترش خودسانسوری بینجامد. شهروند عادی چگونه باید از ماهیت واقعی یک سرمایه‌گذار، رسانه یا شرکت خارجی آگاه باشد و مسئولیت تشخیص «معاند» یا «وابسته» را بر عهده بگیرد؟

ابهام در تعریف مفاهیم، کار را برای مراجع قضایی نیز دشوار می‌کند و تشخیص مصادیق را با چالش روبه‌رو می‌سازد. همچنین واگذاری امور تخصصی قضایی و امنیتی به نهادهای متعدد، ممکن است موجب تداخل وظایف و سرگردانی مردم شود؛ آن‌هم در شرایطی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، قوه قضائیه، نیروی انتظامی و نهادهای نظارتی، هرکدام مسئولیت‌های مشخصی دارند.

مبارزه با نفوذ بیگانگان باید پیشگیرانه، دقیق و هدفمند باشد، نه واکنشی و مبتنی بر جرم‌انگاری گسترده. در شرایط فشار اقتصادی و افزایش التهاب افکار عمومی، تصویب قانونی مبهم می‌تواند هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی تازه‌ای ایجاد کند. امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که در کنار صیانت از امنیت ملی، آزادی‌های مشروع، فعالیت رسانه‌ای و اعتماد عمومی نیز حفظ شود.

شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)
IRAN ALLOY STEEL COMPANY (IASCO)
شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره ۰۲۲/م/م/۱۴۰۵

شرکت فولاد آلیاژی ایران (با شماره ثبت ۲۲۲۰) در نظر دارد مقدار ۱۴۰۰ تن پودر کربن (CPC) را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجد شرایط که توانایی تأمین کالای مذکور را دارند، دعوت به‌عمل می‌آید.

- موضوع مناقصه: خرید ۱۴۰۰ تن پودر کربن (CPC).
- مدت اعتبار پیشنهاد: ۱ ماه.
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (یکصد میلیارد) ریال به‌صورت چک صیادی ثبت شده در سامانه برای جهت شرکتهای داخلی و ارائه Corporate Guarantee برای شرکتهای خارجی.
- مهلت تحویل اسناد: ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴.
- نحوه دریافت اسناد: متقاضیان برای دریافت اسناد مناقصه می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد و شرایط مناقصه به سایت شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌نشانی www.iasco.ir - خرید و تامین کنندگان - مناقصات مراجعه نمایند.
- شایان ذکر است، دریافت اسناد نیازمند هیچ‌گونه مراجعه حضوری نمی‌باشد.
- محل تحویل اسناد:
دبیرخانه محرمانه حراست شرکت فولاد آلیاژی ایران واقع در یزد، جاده کنارگذر یزد کرمان، نرسیده به پایانه باربری، کیلومتر ۲۴ جاده فولاد، شرکت فولاد آلیاژی ایران، کد پستی : ۸۹۴۵۱۵۱۶۹۴.
- سایر جزئیات مربوطه: در اسناد مناقصه درج شده است.
- متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز؛ همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۶ به‌منظور دریافت اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۳۵۳۱۲۲۲۵۴۷ تماس حاصل نمایند.
- مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

شرکت فولاد آلیاژی ایران

شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)
IRAN ALLOY STEEL COMPANY (IASCO)
شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره ۰۲۵/ت/م/۱۴۰۵

شرکت فولاد آلیاژی ایران (با شماره ثبت ۲۲۲۰) در نظر دارد برای خرید، نصب و راه‌اندازی ۷ دستگاه چیلر تراکمی و ۲ دستگاه سیستم تبرید صنعتی مناقصه عمومی برگزار نماید. لذا از کلیه واجدین شرایط، دعوت به‌عمل می‌آید.

- موضوع مناقصه: خرید، نصب و راه‌اندازی ۷ دستگاه چیلر تراکمی و ۲ دستگاه سیستم تبرید صنعتی.
- مدت اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۸/۳۰.
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (یکصد میلیارد) ریال به‌صورت چک صیادی ثبت شده در سامانه.
- مهلت تحویل اسناد: ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵.
- نحوه دریافت اسناد: متقاضیان برای دریافت اسناد مناقصه می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد و شرایط مناقصه به سایت شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌نشانی www.iasco.ir - خرید و تامین کنندگان - مناقصات مراجعه نمایند.
- شایان ذکر است، دریافت اسناد نیازمند هیچ‌گونه مراجعه حضوری نمی‌باشد.
- محل تحویل اسناد:
دبیرخانه محرمانه حراست شرکت فولاد آلیاژی ایران واقع در یزد، جاده کنارگذر یزد کرمان، نرسیده به پایانه باربری، کیلومتر ۲۴ جاده فولاد، شرکت فولاد آلیاژی ایران، کد پستی : ۸۹۴۵۱۵۱۶۹۴.
- سایر جزئیات مربوطه: در اسناد مناقصه درج شده است.
- متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز؛ همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۵ به‌منظور دریافت اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۳۵۳۱۲۲۲۵۳۰ تماس حاصل نمایند.
- مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

شرکت فولاد آلیاژی ایران

پزشکیان و قالیباف یادداشت تفاهم پایان جنگ را مبتنی بر «عزت، حکمت و مصلحت» می‌دانند

غبارزدایی از تفاهمنامه

گزارش

مرتضی گل‌پور
معاون سردبیر

به این دو جمله دقت کنید. جمله اول: «تفاهمنامه اسلام‌آباد تجاوز صهیونیست‌ها را مهار و علی‌رغم تمام اقداماتی که اشغالگران تاکنون انجام دادند، آنها را به کاهش تنش‌ها وادار کرد. چیزی که باعث شد مردم به زندگی خود بازگردند توافق اسلام‌آباد بود.» جمله دوم: «تفاهمنامه بین ایران و آمریکا سند افتخار و پیروزی در راستای تثبیت پیروزی در میدان دیپلماسی است.» هر دو جمله درباره یک واقعیت مشترک، یعنی تفاهمنامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا هستند، اما برخی نیروها و جریان‌های سیاسی جمله دوم را مورد هجمه و انتقادهای ناروا قرار می‌دهند، اما جمله اول که آن هم درباره دستاوردهای همین تفاهمنامه اسلام‌آباد است، هیچ واکنش مخالفی را برنمی‌انگیزد. دلیل این تفاوت بزرگ، خیلی ساده است: جمله اول از سوی شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان بیان شد که در خط مقدم جنگ منطقه‌ای رمضان ایستادند و رزمیدند و جمله دوم که درباره دستاورد این تفاهمنامه قائل است از سوی محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی بیان شده است. قالیباف هم مانند شیخ نعیم قاسم، نه تنها در خط مقدم جنگ‌های تحمیلی ۱۲روزه و ۴۰روزه بود، بلکه در خط مقدم نبرد دیپلماسی هم بود، جایی که توان نظامی و دستاوردهای میدان نبرد می‌بایست روی کاغذ بیایند تا به کلمه و جمله سیاسی تبدیل شوند. سؤال دیگری ایجاد می‌شود: وقتی این دو شخصیت، از یک واقعیت مشترک به نام تفاهمنامه اسلام‌آباد سخن می‌گویند و یک دستاورد مشترک را به این واقعیت نسبت می‌دهند، چرا تفاوت واکنش‌ها به این دو شخصیت از زمین تا آسمان است؟ چرا هیچ جریان یا گروه سیاسی داخلی از دبیرکل حزب‌الله لبنان بابت نسبت دادن این دستاوردها به تفاهمنامه اسلام‌آباد خرده نمی‌گیرد، اما قالیباف، مسعود پزشکیان یا هر شخصیت دیگری که همین جمله را بیان می‌کنند، مورد انتقاد و هجمه واقع می‌شوند؟ پاسخ این تفاوت عظیم، در یک واقعیت دو کلمه‌ای قرار دارد: رقابت‌های جناحی یا چشم و هم‌چشمی‌های سیاسی. گویا جنگ تحمیلی و نابرابر رمضان که به‌مثابه زلزله ژئوپلتیک واقعیت‌های غرب آسیا و نیز همچون زلزله‌ای معرفت‌شناختی، اذهان ایرانیان و جهانیان را دگرگون کرد، نتوانست برخی جریان‌ها و گروه‌ها را به سوی کاستن از نقاط اختلافات و برجسته کردن نقاط اشتراک رهنمون شود تا از این طریق حوزه سیاست داخلی ایران به نوعی وحدت حداکثری نائل شود. به دیگر سخن، بخش عمده چرایی واکنش متفاوت برخی جریان‌ها در داخل به سخنان مشترک شیخ نعیم قاسم و محمدباقر قالیباف درباره تفاهمنامه اسلام‌آباد، نتیجه عمل نکردن این جریان‌ها به رهنمودی است که رهبر انقلاب بر آن تأکید کردند: «اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنید.» اما نه‌تنها تفاهمنامه، بلکه اصل مذاکرات سیاسی، که ادامه نبرد نظامی است، بویژه در شرایط تداوم تهدید نظامی دشمن غیرقابل اعتماد، از سوی برخی جریان‌ها به عامل تنازع و تفرقه تبدیل شد.

> پزشکیان: توافقنامه اخیر با عزت، قدرت و با در نظر گرفتن اصولی که مقام معظم رهبری شهید در نظر داشتند پیش رفت و ما با قدرت آن را پیگیری کردیم؛ در برابر دشمنان وا ندادیم، اما برخی حرف‌هایی می‌زنند که به نظر من بی‌انصافی است

دفاع چندباره قالیباف و پزشکیان از تفاهمنامه

هجمه‌ها به تفاهمنامه و بالاتر از آن، به نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات با آمریکا، به‌گونه‌ای است که مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران باید بخشی از وقت و توان خود را صرف توضیح و دفاع از این تفاهمنامه کنند؛ آن هم در شرایطی که دشمن غدار برای لحظه‌ای دست از شرارت‌های نظامی و اقتصادی از قبیل محاصره و تحریم بر نمی‌دارد. یعنی همان‌طور که چهارچشمی مراقبند تا دشمن به تمامیت سرزمینی، تمامیت سیاسی و تمامیت اقتصادی ایران اسلامی ضربه نزند و اقدامات او را خنثی کنند، باید نگاه نگران خود را به داخل هم بدوزند که تفسیرهای ناصواب از مسأله‌های غامض مرتبط با جنگ هنوز تمام نشده، جبهه داخلی را دچار تشتت نکند. از جمله، رئیس مجلس یکشنبه گذشته در جمع خبرنگاران، با تصریح چندباره بر این واقعیت که «ملت ما شجاعانه، مردانه و خالصانه ایستاد و جنگید و ما در این جنگ هم در بعد نظامی و هم بعد سیاسی به معنای واقعی پیروز شدیم»، تفاهمنامه بین ایران و آمریکا را سند افتخار و پیروزی در راستای تثبیت پیروزی در میدان دیپلماسی عنوان کرد و گفت: «این پیروزی افتخارآمیز در میدان نظامی و دیپلماسی به همت مردم مبعوث‌شده اتفاق افتاد.» وی البته در جمله‌ای که ناظر بر برخی روایت‌ها و تفسیرهای سیاسی و جناحی از این موضوع ملی است، اظهار کرد: «البته معتقدم مردم ما این پیروزی را به‌گونه‌ای که اتفاق افتاده، حس نکردند و در برخی موارد نتوانستیم این حقی را که مردم داشتند به‌درستی ادا کنیم، وقتی مردم سؤال می‌کنند که الان چه شد؟! یعنی نتوانسته‌ایم این پیروزی بزرگ را به نحوی که باید روایت کنیم تا این حس افتخار در ذهن و وجود همه مردم، جبهه مقاومت و آزادی‌خواهان دنیا شکل بگیرد.» البته برخلاف گفته قالیباف که ناظر بر جریان‌سازی‌های داخلی است، روایت شیخ نعیم قاسم نشان می‌دهد که دست‌کم جبهه مقاومت و آزادی‌خواهان دنیا، تفاهمنامه اسلام‌آباد را یک پیروزی می‌دانند.

گذشته از این، دقت در اظهارات رئیس مجلس بیانگر یک واقعیت راهبردی نیز هست؛ اینکه پیروزی جمهوری اسلامی ایران در تفاهمنامه اسلام‌آباد، از پیروزی نظامی در میدان نبرد جدا نیست و البته که تفاهمنامه، بیان سیاسی و دیپلماتیک پیروزی نظامی است. این تلقی از تفاهمنامه، در اظهارات رئیس جمهوری نیز دیده می‌شود. مسعود پزشکیان دیروز در اجلاس سازمان آموزش و پرورش سراسر کشور، با انتقاد از افرادی که با بی‌انصافی نسبت به توافق صورت گرفته اظهارنظر می‌کنند، تصریح کرد: «توافقنامه اخیر با عزت، قدرت و با در نظر گرفتن اصولی که مقام معظم رهبری شهید در نظر داشتند پیش رفت و ما با قدرت آن را پیگیری کردیم؛ در برابر دشمنان وا ندادیم، اما برخی حرف‌هایی می‌زنند که به نظر من بی‌انصافی است. آنان کنار گود نشسته‌اند و می‌گویند لنگش کن.»

دفاع سیدمحمد خاتمی از تفاهم‌نامه

سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری اسبق کشورمان نیز بر دستاوردهای دیگری از تفاهمنامه اسلام‌آباد دست گذاشت. به گزارش «جماران»، وی دیروز در دیدار برخی از اصحاب رسانه، با بیان اینکه «بعد از جنگ فرصتی فوق‌العاده برای کشور و مردم پدید آمد که جلوه آن را در تفاهمنامه اسلام‌آباد که به امضای دو رئیس جمهوری رسید، می‌بینیم»، از رهبری، رئیس جمهوری، شورای عالی امنیت ملی و فرماندهان بابت تأیید آن قدردانی کرد و در بیان چند امتیاز این تفاهمنامه، گفت: «انعقاد آن در موقع عزت ایران و ناکامی دشمن از رسیدن به اهدافش صورت گرفت و اینکه بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا در هیچ تفاهم و توافقی چنین نکرد و صریح تعهد نداده است. اما در این تفاهمنامه ۹ بار تعهد کرده که ۳ بار آن با ایران شریک است.» سیدمحمد خاتمی در همین سخنرانی تأکید کرد: «هرچند اعتماد به آمریکا نیست و اسرائیل هم از هیچ کاری برای ادامه تنش و درگیری فروگذار نمی‌کند، ولی باید با این مانع هم با تدبیر و دیپلماسی سنجیده روبه‌رو شد.» بی‌اعتمادی به آمریکا، اصلی ریشه‌دار، تجربه‌شده و باسابقه در جمهوری اسلامی ایران است و هیچ مسئولی را نمی‌توان یافت که به آمریکا اعتماد داشته باشد. مع‌الوصف منتقدان تفاهمنامه، به جای نقد بندها و متن آن تفاهم، این ادعا را پایه نقد خود قرار می‌دهند که تفاهمنامه بر مبنای اعتماد به آمریکا تنظیم شده است! البته که این، اتهامی ناروا است، اما منتقدان برای اثبات این ادعای خود، بدعهدی‌های آمریکا را ملاک قرار می‌دهند و مدعی می‌شوند این بدعهدی نتیجه اعتماد به آمریکا و محصول این تفاهمنامه است. چنین تعمیم‌هایی ناشی از ندانستن واقعیت نیست، بلکه ناشی از رویکردهای جناحی و چشم و هم‌چشمی‌های سیاسی و تغافل‌های عامدانه برای ندانستن است تا از این طریق بتوانند امری غیرواقعی را به مسئولان نسبت دهند. کما اینکه همین افراد و جریان‌ها در رسانه‌های خود اعلام می‌کنند که جنگ باعث گرانی بنزین یا گرانی محصولات غذایی در آمریکا شده است. اما همین جریان‌ها، سخنان مسئولان عالی رتبه درباره تأثیر جنگ، تحریم و محاصره دریایی بر اقتصاد و معیشت ایرانیان را به طور کامل رد می‌کنند. بنابراین چه درباره تفاهمنامه باشد، چه درباره بدعهدی آمریکا و نقض عهدهای دشمنی که هنوز به صلح تن نداده، یا چه گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم و جنگ، در همه این موارد، با یک اتفاق مشترک روبه‌رو هستیم: درحالی که واقعیت‌ها مشترک هستند، برای خارج از ایران یک نسخه تحلیلی پیچیده می‌شود و برای درون ایران یک نسخه تحلیلی و تفسیری کاملاً متفاوت درباره همان واقعیت. این «دو هوایی برای یک بام» بیش از آنکه ناشی از تحلیل‌های مبتنی بر راهبردهای عینی باشد، ناشی از تغافل‌های عامدانه است. زیرا جنگ تحمیلی و مسأله‌های مرتبط با آن هم به موضوعات مورد مناقشه سیاسی جناح‌ها کشیده شده است.

سند قابل دفاع و تأمین کننده منافع ایران

محمدرضا باهنر
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

جامعه ایران در یک سال گذشته دو جنگ بزرگ را با ایستادگی پشت سر گذاشته است. جنگ فی نفسه پدیده میمونی نیست ولی وقتی پای تجاوز به خاک کشور در میان باشد، گریزی از دفاع نیست. نیروهای مسلح کشور به پشتوانه حضور مردمی و پشتیبانی دولت کاری کردند کارستان و در دفاع از سرزمین تاریخی ایران کوتاهی نکردند و دشمن متجاوز را به استیصال کشیدند. از طرفی جنگ همراه با پیروزی‌ها و برانگیختن غرور ملی، قاعدتاً خساراتی هم به همراه دارد.

چنانکه رهبر عزیز آیت‌الله خامنه‌ای به همراه تعدادی از فرماندهان نظامی و شخصیت‌های سیاسی در کنار تعداد زیادی از مردم بیگناه ایران شهید شدند. مضاف بر این حملات دشمن به برخی زیرساخت‌ها و محدودیت‌هایی که زیر سایه جنگ بر اعمال فشارهای خارجی سابق یعنی تحریم‌ها، افزوده شد، تبعات اقتصادی را به دنبال آورد که تأثیرات آن را در زندگی‌های مردم می‌توان مشاهده کرد. بر همین اساس حالا بازسازی به عنوان یک اولویت اصلی خود را به دولت و دیگر نهادهای کشور تحمیل کرده است.

همزمان با مقاومت مردم و دفاع جانانه نیروهای مسلح، ضلع سومی به نام دیپلماسی هم عهده‌دار بخشی از این دفاع ملی بود. در حقیقت تجلی همکاری و هماهنگی میدان و دیپلماسی در نهایت منجربه امضای تفاهمنامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا شد. تفاهمنامه‌ای که در شورای‌عالی امنیت ملی و با رأی قاطع اکثریت قریب به اتفاق به جمع‌بندی رسید.

همانگونه که آقای قالیباف، رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکره کننده کشورمان گفته است، روایت‌سازی دقیق و مناسبی از این تفاهمنامه در داخل ایران انجام نشد. تفاهمنامه به اذعان بسیاری از کارشناسان خبره، مزایای قابل توجهی برای ایران دارد و به نوعی تأمین کننده منافع ملی ما در شرایط فعلی است.

رهبر شهید بعد از جنگ ۱۲ روزه تأکید داشتند که وضعیت نه جنگ و نه صلح باید پایان داده شود. این تأکید رهبر شهید در حال حاضر هم به نظر می‌رسد به قوت خود باقی است. بازسازی خسارات جنگ، تقویت و ثبات‌بخشی به اقتصاد کشور، اجرای سیاست‌های حمایتی از مردم و تقویت بیشتر توان دفاعی مستلزم عبور از این شرایط است. به هر حال همه جنگ‌ها در نهایت به مذاکره و صلح رسیده است. جنگ اخیر میان ایران و آمریکا هم از این قاعده مستثنی نیست. البته اینکه صلح در چه شرایطی بدست آید و اینکه توازنی میان امتیازات طرفین برقرار باشد یا نه، مؤلفه مهمی است. رئیس جمهوری آمریکا در چارچوب ارزیابی‌های غلطی که از جامعه و توان دفاعی ما داشت، تسلیم ایران را در سر می‌پروراند. اما ایستادگی نیروهای مسلح و توانمندی دیپلمات‌های ایران، این خواست را تبدیل به سرابی برای دونالد ترامپ کرد.

حالا توضیحاتی که اعضای تیم مذاکره کننده ایران از جمله آقای قالیباف و عراقچی در برنامه‌های مختلف ارائه می‌کنند، نشان از آن دارد که اتفاقاً این طرف ایرانی بوده است که در مذاکرات حتی دست برتر را داشته و همزمان با وادار کردن طرف مقابل به کوتاه آمدن از زیاده خواهی‌های خود، امتیازات مد نظر ما را نیز پذیرفته است چنانکه موضع آتش‌بس در لبنان به عنوان یکی از خواسته‌های ایران مورد موافقت قرار گرفت. بنابراین تفاهمنامه امضا شده میان ایران و آمریکا برخلاف برخی تحلیل‌های داخلی از سوی یک جریان سیاسی پر سر و صدا، سند قابل دفاعی است که تأمین کننده منافع ایران و محصول مجاهدت‌ها و هماهنگی‌های میان میدان و دیپلماسی است.

تفاهمنامه‌ای که درست روایت نشد

عبدالله رمضانزاده
سخنگوی دولت اصلاحات

تفاهمنامه میان ایران و آمریکا را -اگر فارغ از دعواهای سیاسی و تبلیغاتی نگاه کنیم- می‌توان یکی از مهم‌ترین اسنادی دانست که ایران در چند قرن اخیر با یک قدرت بزرگ جهانی به آن رسیده است. دلیل این اهمیت هم فقط یک توافق سیاسی نیست؛ مفادآن در چند مورد، برای ایران دستاوردهایی داشته که نمی‌توان به سادگی از کنارشان گذشت. یکی از مهم‌ترین این موارد، کنار رفتن تهدید حمله به ایران و تعهد آمریکا به عدم حمله بود. جمع شدن بخشی از نیروهای آمریکایی از اطراف ایران هم در همین چارچوب اهمیت داشت. در کنار آن، موضوع تنگه هرمز و تأکید بر حاکمیت ایران بر این منطقه، موضوع صندوق سرمایه گذاری و پذیرش این مسأله که به کشورمان تجاوز شده بود، از نکات مهم تفاهمنامه بود.

موضوع دیگری که شاید کمتر درباره آن صحبت شد، پذیرفته شدن نقش منطقه‌ای ایران بود. وقتی در چنین سندی درباره لبنان صحبت می‌شود، به این معناست که نمی‌توان نقش ایران را در تحولات منطقه نادیده گرفت. این نگاه با تصویری که سال‌ها پیش از ایران با تعابیری مانند «محور شرارت» ارائه می‌شد، تفاوت زیادی دارد. در کنار این مسائل، کاهش برخی محدودیت‌های دریایی، امکان فروش نفت، آزادسازی بخشی از دارایی‌های ایران و رفع برخی تحریم‌ها نیز مطرح بود. مجموع این موارد می‌توانست فشار اقتصادی و امنیتی بر کشور را کاهش دهد و بعد از یک دوره جنگ، زمینه را برای بازگشت آرامش فراهم کند.

طبیعی است که وقتی دو طرف با هم به تفاهم می‌رسند، قرار نیست همه خواسته‌های یک طرف در آن پذیرفته شود. بخشی از خواسته‌های طرف مقابل هم باید در نظر گرفته شود. اما نکته اینجاست که در این تفاهمنامه، سهم مطالبات طرف مقابل بسیار محدودتر از چیزی بود که معمولاً در یک توافق دوجانبه انتظار می‌رود. بنابراین اگر با معیار منافع ایران به آن نگاه کنیم، موارد قابل توجهی در آن وجود داشت که به نفع کشور بود. سؤال اصلی اما این است که چرا چنین تصویری از تفاهمنامه در جامعه شکل نگرفت؟ به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم، ضعف در اطلاع‌رسانی بود. صداوسیما به عنوان رسانه‌ای که طبیعتاً انتظار می‌رود در موضوعات مهم ملی، تصویری جامع و روشن از ماجرا به مردم ارائه کند، نتوانست آن‌طور که باید این نقش را ایفا کند. در چنین موضوعاتی، طبیعی است که دیدگاه‌های مختلف مطرح شوند، اما انتظار این است که در نهایت، اطلاعات دقیق و قابل فهم درباره متن توافق و آثار آن در اختیار مردم قرار بگیرد. در مورد این تفاهمنامه، این اتفاق به اندازه کافی رخ نداد و در نتیجه، روایت‌های سیاسی و بعضاً احساسی فضای بیشتری برای شکل گرفتن پیدا کردند.

معیار ارزیابی‌ها باید منافع مردم باشد. اگر یک تفاهم بتواند خطر جنگ را کمتر کند، امنیت کشور را بیشتر کند، بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش دهد و امکان بازگشت آرامش را فراهم کند، باید درباره آن با همین معیار حرف زد، نه با معیار منافع یک جریان سیاسی. شاید یکی از مشکلات اصلی در ماجرای این تفاهمنامه این بود که خود تفاهمنامه یک طرف ماجرا بود و روایت آن طرف دیگر. در حالی که درباره متن و نتایج آن باید با مردم صریح و ساده صحبت می‌شد، میدان روایت بیشتر در اختیار کسانی قرار گرفت که با اصل تفاهم مخالف بودند.

حالا اگر قرار است دوباره به سمت اجرای این تفاهمنامه برویم که بهترین اقدام در شرایط فعلی همین است، بهتر است اشتباه گذشته تکرار نشود. مردم باید بدانند چه چیزی قرار است به دست بیاورند، چه تعهدی داده می‌شود و نتیجه آن برای زندگی و آینده کشور چیست. وقتی اطلاعات درست و روشن در اختیار مردم قرار بگیرد، قضاوت را هم می‌توان به خود مردم سپرد. آنچه اهمیت دارد، دیدگاه اکثریت مردم است؛ مردمی که بیش از هر چیز خواهان صلح، آرامش و ثبات هستند. کمااینکه نتایج نظرسنجی‌های معتبر نیز همین واقعیت را نشان می‌دهد.

حفظ دستاوردهای مقاومت نیازمند استفاده از ظرفیت دیپلماسی است

محسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی

در هر مناقشه‌ای، مقاومت زمانی می‌تواند به یک دستاورد راهبردی تبدیل شود که در نهایت قدرت ملی کشور را افزایش دهد، نه اینکه بخشی از این قدرت را در فرآیند یک جنگ فرسایشی کاهش دهد. ممکن است تصور کنیم با ادامه مقاومت و افزایش هزینه‌های طرف مقابل، سرانجام به نقطه‌ای از بازدارندگی مطلوب خواهیم رسید؛ اما در این میان یک سؤال اساسی وجود دارد: هزینه رسیدن به این نقطه برای ایران چقدر خواهد بود؟

این پرسش را نمی‌توان نادیده گرفت. باید ببینیم کشور در مسیر استمرار یک جنگ فرسایشی چه میزان از ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای خود را از دست می‌دهد. اگر ادامه این وضعیت به گسترش فقر، عقب‌افتادن توسعه، آسیب‌دیدن زیرساخت‌ها و تضعیف ظرفیت اقتصادی کشور منجر شود، دیگر نمی‌توان صرفاً با استناد به افزایش هزینه‌های طرف مقابل، از یک موفقیت راهبردی سخن گفت.

مسأله این است که قدرت ملی فقط در توانایی مقاومت در یک میدان خاص خلاصه نمی‌شود. اقتصاد، زیرساخت، سرمایه اجتماعی و توان توسعه کشور نیز بخشی از قدرت ملی هستند. بنابراین ممکن است در یک میدان مشخص احساس کنیم مقاومت کرده‌ایم و حتی هزینه قابل توجهی نیز به طرف مقابل تحمیل کرده باشیم، اما همزمان، بخشی از توان و ظرفیت ملی خود را از دست داده باشیم.

از این منظر، بازگشت به مسیر تفاهم را نباید الزاماً در تقابل با مقاومت تعریف کرد. گاهی حفظ دستاوردهای مقاومت، نیازمند آن است که از ظرفیت دیپلماسی برای کاهش هزینه‌های فرسایشی استفاده کنیم. تفاهم، اگر بر مبنای حفظ منافع ملی و تأمین امنیت کشور شکل بگیرد، می‌تواند به جای آنکه به معنای کنار گذاشتن مقاومت تلقی شود، ابزاری برای حفظ قدرت ملی و جلوگیری از فرسایش آن باشد.

در نهایت، آنچه باید مورد محاسبه قرار گیرد صرفاً هزینه‌ای نیست که به طرف مقابل تحمیل می‌کنیم؛ باید دید در مقابل آن چه چیزی از دست می‌دهیم. اگر برای رسیدن به یک نقطه مطلوب از بازدارندگی، اقتصاد، توسعه، زیرساخت و سرمایه اجتماعی کشور را فرسوده کنیم، ممکن است در یک میدان خاص پیروز شده باشیم، اما در محاسبه کلان قدرت ملی، هزینه‌ای سنگین‌تر پرداخته باشیم. راهبرد درست، راهبردی است که هم بازدارندگی را حفظ کند و هم اجازه ندهد هزینه مقاومت، خود به عامل تضعیف قدرت ملی تبدیل شود.

اگر به سمت اجرای تفاهمنامه‌ای که آقای پزشکیان امضا کرده‌اند حرکت کنیم، می‌توان با کاهش بخشی از فشارهای موجود، زمینه اصلاحات اقتصادی را نیز با هزینه کمتری برای مردم فراهم کرد. به نظر می‌رسد دولت و بخشی از عقلای مجلس و دیگر دست‌اندرکاران نظام، با وجود فشارهای سیاسی و رسانه‌ای جریان‌های تندرو، در حال حرکت بر مبنای واقعیت‌ها و ملاحظات راهبردی هستند. با این حال، ما در یک وضعیت تاریخی قرار داریم و نمی‌توانیم درباره آینده کشور صرفاً بر اساس فشارهای روزمره و هیجانات سیاسی تصمیم بگیریم؛ آنچه اهمیت دارد، انتخاب مسیری واقع‌بینانه برای حفظ منافع ملی و ساختن افقی روشن‌تر برای آینده کشور است.

تفاهمنامه اگر اجرا شود، مفید است

پرویز سروری
دبیر کل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی

روایت‌سازی درست از تفاهمنامه ایران و آمریکا یکی از نقاط شکاف ماست؛ نقطه‌ای که هم می‌تواند در انسجام و وحدت ملی آثار مثبت و منفی داشته باشد و هم در پیشبرد شرایط جنگ از منظر ایران تأثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارد. این موضوع از جهات مختلف نقشی بسیار حساس دارد.

ما در میدان نظامی، با تولید بازدارندگی نامتقارن، توانستیم طرح‌های قوی‌ترین ارتش دنیا را به هم بریزیم و دست برتر را داشته باشیم. در عرصه مردم نیز فکر می‌کنم این مدل واقعاً منحصربه‌فرد است؛ اینکه مردم نقشی پیش‌برنده در جنگ ایفا کنند و به‌طور مستمر در همه زوایای جنگ حضوری پرمعنا و اثرگذار داشته باشند. این افتخاری است که ما داریم و می‌توانیم این مدل را امروز در دنیا عرضه کنیم؛ مدلی که در کنار میدان و خیابان با قدرت حضور دارد، طراحی می‌کند، حمایت می‌کند و به‌اصطلاح میدان‌داری می‌کند. اما در موضع رسانه و روایت‌سازی، متأسفانه نسبت به دشمن فاصله داریم. نتوانسته‌ایم قدرت برترمان را در مردم و در خیابان، از این منظر که حس برتری و امید به پیروزی در مردم باقی بماند، نشان دهیم. طبیعتاً دشمن با روایت‌های مختلف، که عموماً نیز روایت‌هایی غلط، دروغ و دستکاری شده است، تلاش می‌کند مردم را از درک پیروزی‌های بزرگی که به دست آورده‌ایم محروم کند. به شکلی می‌توان گفت برخی افراد، رفته‌رفته بر اساس القائات دشمن، در انسجام دچار واگرایی می‌شوند و به جای تمرکز بر دشمن، متأسفانه وارد جدل‌های داخلی می‌شوند؛ مسأله‌ای که سم مهلک است. رهبر معظم انقلاب بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند و حتی لفظ «اتحاد مقدس» را شاید برای اولین‌بار در جنگ به کار بردند که نشان می‌دهد اتحاد ملی امروز نه فقط یک ابزار، بلکه یک راهبرد بسیار تعیین‌کننده است. همه اینها نشان می‌دهد دستگاه رسانه و دستگاه روایت‌آفرین ما هنوز نتوانسته خود را با حجم این جنگ مطابقت دهد و متأسفانه نتوانسته روایت‌سازی مناسبی انجام دهد. به‌عبارتی، ما نسبت به دشمن عقب هستیم. افراد عموماً در جایی که اطلاع ندارند، دچار اعوجاج، اختلاف و دوگانگی می‌شوند. وقتی اطلاعات داده نمی‌شود، به‌روز داده نمی‌شود یا با سرعت منتقل نمی‌شود، افراد خودشان تحلیل می‌کنند؛ یا بهتر است بگوییم، دیگران برای آنها تحلیل می‌کنند. همان‌طور که در اوایل جنگ گاهی به دلیل محاسبه غلط، توپخانه خودی آتش را روی سر خودمان می‌ریخت، امروز نیز در عرصه روایت با چنین مشکلی مواجهیم. ما هنوز نتوانسته‌ایم هماهنگی، حرکت بهنگام و حرکت تأثیرگذار را در روایت‌آفرینی، روایت‌سازی و تبیین ایجاد کنیم. مهم‌ترین علت اختلاف میان مردم نیز همین ضعف در اطلاع‌رسانی و تبیین درست، معنادار و دشمن‌شکن است. این وضعیت باعث می‌شود انرژی میدان، خیابان و دستگاه دیپلماسی به جای آنکه به‌صورت متمرکز روی دشمن قرار گیرد، پراکنده شود. ما نیز باید برای افرادی که در این حوزه مسئولیت دارند، مانند آقای قالیباف و آقای عراقچی، حجم مناسبی از نیروهای خبره رسانه‌ای داشته باشیم تا دقیق، حساب‌شده و جهت‌دار، روایت صحیح را تولید کنند. به این ترتیب، میدان و خیابان همواره در جریان خواهند بود و ظرفیت آنها برای مقابله با موج رسانه‌ای دشمن تجمیع خواهد شد. من بر این باورم که تفاهمنامه میان ایران و آمریکا اگر اجرا شود، حتماً می‌تواند به‌عنوان یک پیروزی بزرگ برای ملت ما محسوب شود؛ اگرچه امیدی به اجرای آن از سوی آمریکا ندارم. با این حال، اگر شروط و امتیازات مد نظر ایران که در تفاهمنامه قید شده، واقعاً اجرا شوند، از نظر من می‌توانند سند مفیدی باشند و اجرای آن یک پیروزی محسوب شود.

جهانبخش ایزدی، استاد روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران»:

راه کاهش تنش از تفاهمنامه ۱۴ بندی می‌گذرد

گفت‌وگو

فاطمه غریبی
گروه دیپلماسی

تداوم تنش در تنگه هرمز و قرار گرفتن مناسبات ایران و آمریکا در وضعیت «نه جنگ و نه صلح»، بار دیگر ضرورت یافتن مسیری دیپلماتیک برای عبور از بن‌بست موجود را برجسته کرده است. در همین حال، محدودیت‌های ژئوپلتیکی تنگه هرمز و ضرورت بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های آن، چشم‌انداز تحولات پیش‌رو را پیچیده‌تر کرده است. جهانبخش ایزدی، استاد روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران»، «تفاهمنامه ۱۴بندی» را تفاهمنامه‌ای مناسب و به نفع ایران می‌داند. به گفته او، مدیریت هوشمندانه موازنه‌های قدرت و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی می‌تواند مسیر خروج از وضعیت کنونی و حرکت به سوی ثبات و توسعه را هموار کند.

تفاهمنامه ایران و آمریکا چه دستاوردهایی برای تأمین منافع ایران داشته و با توجه به شروط تهران برای بازگشایی تنگه هرمز از جمله پایان جنگ، خروج نیروهای آمریکایی، رفع محاصره و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده، تداوم آن چه اهمیتی دارد و واکنش واشنگتن به این شروط چه خواهد بود؟

شروطی که درباره بازگشایی تنگه هرمز مطرح شده، عمدتاً در همان تفاهم‌نامه ۱۴ بندی پیش‌بینی شده بود؛ از جمله رفع محاصره، خروج نیروهای آمریکایی، رفع تحریم‌ها، بازگرداندن اموال بلوکه‌شده و رفع تهدید. بنابراین تکرار این شروط، در واقع «تحصیل حاصل» است. به اعتقاد من تفاهمنامه ۱۴بندی در مجموع تفاهمنامه‌ای مناسب و در راستای منافع ایران است و می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملی برای کاهش تنش، مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید رویارویی مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت آن دقیقاً در این است که به جای حرکت در مسیر تقابل و تصمیم‌های پرهزینه، امکان گفت‌وگو، تنظیم متقابل رفتارها و ایجاد یک مسیر مرحله‌ای برای عبور از وضعیت بحرانی را فراهم می‌کند. در همین راستا شروط مطرح شده از سوی ایران موضوع جدیدی نیستند بلکه ترجمان همان تفاهمنامه‌اند. بنابراین به جای طرح شروط جدید، باید بر اجرای همان تفاهمنامه و رفع موانعی که مانع تحقق آن شده است، تمرکز کرد؛ در غیر این صورت، وارد یک دور باطل خواهیم شد.

اگر توافقاتی با عمان انجام شود، تنگه هرمز بازگشایی شود و بتوانیم به تفاهمنامه بازگردیم، عملاً همه آن شروط برآورده و محقق خواهد شد؟

از منظر حقوقی، تنگه هرمز یک تنگه طبیعی است و مبنای عبور از آن، «عبور بی‌ضرر» است؛ بنابراین نمی‌توان برای اصل عبور کشتی‌ها عوارض تعیین کرد. ارائه برخی خدمات مانند یدک‌کش، راهنمایی و فانوس دریایی موضوعی جداگانه است و می‌تواند در چارچوب مقررات مربوط انجام شود. عمان نیز با پیوستن به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، این چارچوب را پذیرفته و نمی‌تواند برخلاف تعهدات بین‌المللی خود عمل کند.

> تکرار شروط بازگشایی تنگه هرمز «تحصیل حاصل» است. به اعتقاد من تفاهمنامه ۱۴بندی در مجموع تفاهمنامه‌ای مناسب و در راستای منافع ایران است و می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملی برای کاهش تنش، مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید رویارویی مورد استفاده قرار گیرد

در عین حال، ایران در تنگه هرمز و دریای سرزمینی خود حقوقی دارد که تاکنون با تسامح از کنار آنها گذشته است؛ از جمله در زمینه حفاری، استخراج، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع آبزی. تحقق این حقوق نیازمند پیگیری‌های حقوقی و بین‌المللی در شرایط صلح است.

با توجه به اهمیت راهبردی تنگه هرمز، ایران چگونه می‌تواند از این ظرفیت ژئوپلتیک به‌گونه‌ای هوشمندانه و هدفمند استفاده کند که ضمن حفظ قدرت بازدارندگی و تأمین منافع ملی، جایگاه راهبردی تنگه در معادلات منطقه‌ای و جهانی نیز تقویت شود؟

تنگه هرمز ابزاری است که اگر به‌صورت بهینه استفاده شود، می‌تواند نقش بازدارنده داشته باشد، اما استفاده بیش از حد یا غیربهینه از آن ممکن است این ابزار را به ضد خود تبدیل کند. وزیر انرژی آمریکا، کریس رایت، نیز جمله‌ای مبنی بر اینکه «از تنگه هرمز فقط یک بار می‌توان استفاده کرد» مطرح کرده و آقای قالیباف نیز در مقطعی مضمون مشابهی را بیان کرده است. اصولاً هر ابزار و اهرمی در صورت استفاده نامناسب یا طولانی‌مدت، ممکن است کارایی خود را از دست بدهد. تداوم وضعیت کنونی تنگه هرمز می‌تواند به کاهش ظرفیت ژئوپلتیک آن برای ایران منجر شود؛ به‌ویژه آنکه خطوط لوله جایگزین در حال توسعه‌اند، مسیرهای انتقال کالا و انرژی متنوع‌تر شده، ذخایر استراتژیک کشورهای مصرف‌کننده افزایش یافته و برخی کشورها نیز با مدیریت مصرف، وابستگی خود را کاهش داده‌اند. در مقابل، کشورهایی مانند روسیه از شرایط موجود برای افزایش فروش نفت استفاده می‌کنند. بنابراین، ظرفیت تنگه هرمز به‌عنوان یک اهرم ژئوپلتیک، نامحدود و همیشگی نیست.

یک دیدگاه غالب در کشور ما این است که ایران بر پایه فشار افکار عمومی بر ترامپ تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا درصدد است حداکثر امتیاز ممکن را کسب و تضمین عدم شروع مجدد جنگ از سوی آمریکا را دریافت کند. در مقابل، ترامپ نیز با حفظ فشارها و تلاش برای بازسازی ذخایر تسلیحاتی آمریکا، استراتژی «دیپلماسی فشار» را دنبال می‌کند. نظر شما در این خصوص چیست؟

اینکه آمریکا با دولت ترامپ ممکن است تا انتخابات نوامبر با سیاستی کج‌دار و مریز وضعیت موجود را مدیریت کند، منطقی و قابل تصور است؛ اما نمی‌توان این تاریخ را قطعی دانست. همان‌طور که رابرت جرویس نیز مطرح می‌کند، جنگ‌ها و تشدید آنها معمولاً معلول سوء محاسبه‌اند تا محاسبه. ممکن است یک حادثه غیرمترقبه یا ضرورت مضاعفی، طرفین را حتی پیش از انتخابات به سمت تشدید تنش سوق دهد. با این حال، منطقی است که آمریکا تا مشخص شدن نتایج انتخابات کنگره و فرمانداری‌ها، از افزایش بیشتر تنش پرهیز کند. از سوی دیگر، طبیعی است ترامپ با استفاده از فشار حداکثری، از جمله فشارهای اقتصادی، سیاسی، محاصره دریایی و حتی حملات محدود نظامی، به دنبال وادار کردن ایران به پذیرش امتیازات موردنظر خود باشد. بنابراین تمرکز بر دیپلماسی و تلاش برای پیشبرد آن، امری قابل تصور است. نکته مهم این است که آمریکا تاکنون به پیروزی راهبردی در برابر ایران دست نیافته است. موضوع هسته‌ای، توان موشکی، جبهه مقاومت، نقش منطقه‌ای ایران و اکنون تنگه هرمز، از جمله مسائلی هستند که حل آنها می‌تواند برای واشنگتن دستاورد استراتژیک محسوب شود. اگرچه آمریکا از نظر تاکتیکی وارد کرده، اما قدرت‌های بزرگ معمولاً جنگ را بدون دستیابی، ولو نسبی، به اهداف راهبردی خود پایان نمی‌دهند. در نتیجه، نمی‌توان انتظار داشت این وضعیت بدون نوعی دستاورد استراتژیک برای آمریکا پایان یابد؛ اگر این هدف از مسیر دیپلماسی محقق شود، هزینه کمتری خواهد داشت و اگر از مسیر جنگ دنبال شود، هزینه‌های بیشتری به طرفین تحمیل خواهد کرد. به تعبیر سان‌تزو، اگر جنگ منافع سیاسی داشته باشد، هزینه‌های آن نیز پرداخت خواهد شد. با این حال، تداوم وضعیت کج‌دار و مریز برای هیچ‌یک از طرفین مناسب نیست و در نهایت باید به نقطه پایانی برسد؛ هرچند ممکن است این روند تا پس از انتخابات نوامبر ادامه پیدا کند.

به نظر شما اسرائیل در این مرحله از تنش میان ایران و آمریکا چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ آیا می‌توان بدون در نظر گرفتن مواضع تل‌آویو چشم‌اندازی برای کاهش تنش از مسیرهای دیپلماتیک ترسیم کرد؟

اسرائیل یکی از اضلاع اصلی تحولات جاری است، اما به نظر من بازیگر راهبردی نیست؛ چراکه در چارچوب استراتژی کلان آمریکا تعریف می‌شود و در بسیاری از موارد، رفتار آن در راستای منافع و اهداف واشنگتن مدیریت می‌شود.

از این منظر، نمی‌توان نقش اسرائیل را مستقل از جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل تحلیل کرد. چرچیل پس از جنگ جهانی دوم، زمانی که آمریکا در حال قدرت‌گیری بود، در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌تواند رهبر موفق نظام بین‌الملل باشد، توصیه کرده بود: «مسئولیت‌پذیر باشید.» منظور از مسئولیت‌پذیری در اینجا نگاهی اخلاقی نیست، بلکه مفهومی راهبردی است؛ در همین چارچوب، در موضوعاتی مانند رژیم‌های حقوقی و آبراه‌های استراتژیک، این آمریکاست که در سطح بین‌المللی نقش مدیریت و اعمال نفوذ دارد. بنابراین، اگرچه نمی‌توان نقش اسرائیل را نادیده گرفت، اما در ترسیم چشم‌انداز کاهش تنش باید جایگاه آن را در چارچوب استراتژی کلان آمریکا دید؛ چراکه اسرائیل در جایگاهی نیست که به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک در سطح نظام بین‌الملل عمل کند.

در نهایت می‌خواستم پیش‌بینی شما را بدانم؛ آیا در حال حاضر به سمت یک رویارویی طولانی‌تر حرکت می‌کنیم یا همچنان می‌توان تصور کرد که برای این بحران راه‌حلی دیپلماتیک پیدا شود و بتوانیم از طریق دیپلماسی تا حدودی فضای موجود را آرام کنیم؟

پایان این جنگ را اراده طرفین تعیین می‌کند و جنگ و تنش نمی‌تواند برای همیشه ادامه داشته باشد. کشور نیازمند ثبات و خروج از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» و حرکت در مسیر توسعه است؛ چراکه توسعه بدون آرامش و امنیت و چشم‌انداز روشن امکان‌پذیر نیست. تداوم وضعیت کنونی نیز منطقاً به نفع جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.

در دیپلماسی، گاهی برای دستیابی به منافع بیشتر، ناگزیر از دادن امتیازاتی هستیم و امتیازی که امروز داده می‌شود، ممکن است در آینده منافع بیشتری ایجاد کند. نظام بین‌الملل امروز نیز بر وابستگی متقابل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و استراتژیک استوار است و سود و زیان کشورها تا حد زیادی به یکدیگر پیوند خورده است. بنابراین باید با مدیریت موازنه‌ها و معادلات قدرت، زمینه خروج کشور از وضعیت کنونی و حرکت به سمت ثبات و توسعه را فراهم کرد.

آگهی مناقصه عمومی

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در نظر دارد نسبت به تهیه ساندویچ پنل سقفی یک رو فویل به ضخامت ۲ سانتیمتر و ورق فلاشینگ آلوزینک به ضخامت ۰/۵ میلیمتر طبق دستورالعمل فنی اجرایی پیوست در اسناد مناقصه را ازطریق برگزاری مناقصه به شرکت‌های واجدشرایط ودارای تأییدیه صلاحیت واگذارنماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید حداکثر ظرف مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی در روزنامه با مراجعه به سامانه الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir یا سایت سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران www.corc.ir مراجعه و با توجه به‌شماره آگهی مناقصه درج شده در سامانه ستاد ایران به‌شماره ۲۰۰۵۰۰۱۱۵۱۰۰۰۰۰۳ نسبت به برداشت اسناد مناقصه و تا تاریخ ۱۴۰۵/۶/۱۰ نسبت به ارائه پیشنهادات اقدام نمایند. پاکت (الف) حاوی ضمانت‌نامه بانکی و یا فیش واریزی را در مهلت مقرر به سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران واقع در تهران - خیابان ولیعصر- بالاتر ازمیدان ولیعصر- روبه‌روی سینمای آفریقا- پلاک ۱۸۱۳- طبقه پنجم(دبیرخانه حراست) تحویل و رسید دریافت نمایند. شایان ذکر است براساس ابلاغیه شماره۱/۱۴۰۹۳۶ مورخ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ وزارت صنعت، معدن و تجارت پاکت‌های "ب" و "ج" صرفاً می‌بایست به‌صورت الکترونیکی در سامانه ستاد بارگذاری شده و لذا از تحویل فیزیکی پاکات مذکور خودداری گردد.

روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران

نوبت‌دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی

بانک توسعه صادرات ایران

بانک توسعه صادرات ایران در نظر دارد نسبت به خرید ۱۲ دستگاه سرور با مشخصات و شرایط کلی زیراز روش ارزیابی کیفی مناقصه‌گران و برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید:

الف - شرح مختصر موضوع مناقصه:
خرید ۱۲ دستگاه سرور.

ب- مدارک و شرایط اولیه متقاضی:
۱- توانایی تهیه و ارائه تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۰۵/۳۸۰/۰۰۰/۰۰۰/- ریال (یکصد و پنج میلیارد و سیصد و هشتاد میلیون ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا سپرده نقدی.
۲- توانایی و ارائه تضمین انجام تعهدات قرارداد درصورت برنده شدن معادل ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد به‌صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا سپرده نقدی.
۳- دارا بودن شخصیت حقوقی، حسن سابقه کار و تجربه مرتبط و معتبر.
۴- دارا بودن گواهی‌نامه و توانایی کافی مالی و نیروی انسانی با تجربه.
۵- سوابق کاری و قراردادهای مرتبط با موضوع مناقصه منعقده با سازمان‌های دیگر.
• متقاضیانی که دارای شرایط مذکور می‌باشند و آمادگی اجرای خدمات را دارند می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ الی ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه مناقصات) به آدرس: http://setadiran.ir مراجعه و نسبت به دریافت، تکمیل و بارگذاری اسناد اقدام نمایند. اسناد در پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات به آدرس: http://iets.mporg.ir موجود می‌باشد. از مراجعه حضوری جداً خودداری نمایید. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه مناقصات دولت (تدارکات الکترونیکی دولت) انجام می‌گردد. ضمناً درصورت داشتن هرگونه سؤال درخصوص سامانه مناقصات و ثبت‌نام در سامانه مذکور با شماره تلفن ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایید.
• **آخرین مهلت عودت و بارگذاری اسناد در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (بخش مناقصات):** ساعت ۱۳ عصر روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ می‌باشد.
• **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** میدان آرژانتین - ابتدای خیابان احمد قصیر - نبش خیابان پانزدهم - ساختمان بانک توسعه صادرات ایران - طبقه یازدهم - اداره کل تدارکات - آقای مجیدی تلفن: ۸۱۹۲۱۲۲۲ و۰۹۱۲۲۸۸۱۴۰۴
• **تاریخ بازگشایی پیشنهادها:** ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
• **مبلغ برآوردی مناقصه:** ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (چهار هزار میلیارد ریال)
شناسه: ۲۲۴۹۳۹۳ میم الف: ۱۵۷۸

ایران سازمان آگهی‌های بازرگانی
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

۶۶ سال
همراه مردم، از گذشته تا همیشه
شصت و ششمین سالگرد تاسیس بانک رفاه کارگران را گرامی می‌داریم.

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK
روابط عمومی بانک رفاه کارگران
مرکز پاسخگویی (فراد): ۸۵۲۵-۰۲۱ refah-bank.ir
bankrefahkargaran

چشم‌انداز توافق سه‌جانبه

اسلام‌آباد، ریاض و آنکارا هم مسیرند؟

یادداشت

حسین آجورلو
تحلیلگر امنیت بین‌الملل
و عضو هیأت علمی دانشگاه
بین‌المللی علامه عسکری

ائتلاف‌سازی بویژه در حوزه دفاع مشترک یکی از ابزارهای اصلی بازیگران منطقه‌ای برای تقویت بازدارندگی و افزایش وزن ژئوپلتیکی خود در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. بر اساس مفاهیم نظری در موازنه تهدید استیون والت به عنوان ستون فقرات تحلیلی این یادداشت، دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات مشترک به سمت ائتلاف‌سازی حرکت می‌کنند. اهمیت ائتلاف‌ها در تقویت بازدارندگی و موازنه‌سازی ازآن جهت است که بازیگران منطقه‌ای به‌تنهایی قادر به مقابله با تهدیدات پیش رو نیستند و با تجمیع توانمندی‌های خود، هزینه‌های تهاجم را برای رقبا افزایش می‌دهند و از بروز جنگ جلوگیری می‌کنند.

توافقنامه دفاع مشترک پاکستان، عربستان و ترکیه که در ۷ اوت ۲۰۲۶ با امضای میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان شکل گرفته، در نگاه اول اقدامی راهبردی برای ایجاد یک ائتلاف در برابر تهدیدات منطقه‌ای به نظر می‌رسد. هر یک از این سه کشور، ظرفیت‌هایی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک دارند که می‌تواند به تقویت بازدارندگی جمعی کمک کند. ناظران و تحلیلگران بین‌المللی فراتر از بحث‌های حقوقی، قرائت‌های متفاوت و گاه متناقضی از این پیمان ارائه داده‌اند. برخی آن را بستر ایجاد ناتوی اسلامی می‌دانند که ممکن است با پیوستن ایران و مصر نیز گسترش یابد. برخی دیگر آن را یک ائتلاف سنی در برابر ائتلاف شیعی تحت رهبری ایران تلقی می‌کنند. عده‌ای آن را ائتلافی تحت حمایت مستقیم آمریکا و عده‌ای دیگر، ائتلافی موازی با آمریکا به‌دلیل عدم اطمینان کامل به حمایت واشنگتن از متحدانش ارزیابی می‌کنند. برخی تحلیلگران نیز این پیمان را ائتلافی موقت برای از بین بردن تهدیدات در تنگه هرمز و باب‌المندب می‌دانند. در سوی دیگر، برخی این پیمان را تلاش ترکیه و پاکستان برای کاهش تنش‌ها و جلوگیری از ادغام اسرائیل در اقدام علیه ایران تفسیر می‌کنند و برخی نیز با خوش‌بینی آن را ائتلافی علیه اسرائیل می‌دانند.

با این حال، تجارب تاریخی بخصوص در خاورمیانه نشان می‌دهند که موفقیت ائتلاف‌ها در تحقق اهدافی همچون بازدارندگی، منوط به رعایت الزامات مشخصی است. در غیاب این الزامات، ائتلاف‌ها به جای ابزاری کارآمد برای تأمین امنیت جمعی به نهادهایی ناقص، کوتاه‌مدت و نمادین بدل می‌شوند که توانایی ایجاد بازدارندگی مؤثر را از دست می‌دهند. برخی از تحلیلگران با تکیه بر همین الزامات با خوش‌بینی، این ائتلاف را موفقیتی برای عربستان در برابر رقبا ارزیابی می‌کنند و معتقدند که عربستان را به یک قدرت معادله‌ساز در آینده تبدیل خواهد کرد. در مقابل، گروهی دیگر با توجه به سابقه ائتلاف‌سازی‌های پرهزینه و بی‌نتیجه، این ائتلاف را از پیش شکست‌خورده می‌دانند. این یادداشت تلاش دارد با بررسی الزامات موفقیت ائتلاف‌ها و واکاوی کارآمدی این توافقنامه سه‌جانبه به‌عنوان مطالعه موردی به تحلیل این تفاهم بپردازد.

هم‌سطحی در اولویت‌بندی تهدیدات، اهداف و هزینه

درک تهدید مشترک با وزن هم‌سطح، یکی از الزامات موفقیت هر ائتلافی است. بر اساس مفهوم موازنه قوا، دولت‌ها بر اساس تهدیدات ائتلاف‌سازی می‌کنند و این تهدیدات تابع عواملی چون قدرت، مجاورت جغرافیایی و نیات تهاجمی هستند. ناتو در دوران جنگ سرد نمونه‌ای از این هم‌سطحی بود که اعضای آن اتحاد جماهیر شوروی را تهدید مشترک خود می‌دانستند. اما در توافقنامه همکاری سه‌جانبه، این هم‌سطحی با تردید روبه‌روست. عربستان، ایران را تهدیدی وجودی می‌بیند، در حالی که ترکیه آن را رقیبی قابل مدیریت می‌داند و پاکستان با توجه به همسایگی و اشتراکات فرهنگی به دنبال کاهش تنش است. گفتنی است، ترکیه و پاکستان به‌عنوان همسایه ایران، هزینه‌های سنگین‌تری را برای مشارکت در یک اقدام نظامی علیه ایران متقبل می‌شوند به همین خاطر به دلیل احتیاط ژئوپلتیکی و هزینه‌های مجاورت کمتر به سمت گسترش تنش با ایران می‌روند. با توجه به بحران‌های امنیتی داخلی و تنش با خارجی‌ها، این کشورها نمی‌توانند به این راحتی جبهه جدیدی را در مرزهای خود باز کنند. به همین دلیل، این تفاوت اولویت‌ها مانعی برای اقدام جمعی و هماهنگ علیه ایران یا اسرائیل ایجاد کرده است. از سوی دیگر همسویی اهداف راهبردی و هم‌سطحی در هزینه‌کرد مالی، نظامی و دیپلماتیک الزامی است. در توافقنامه سه‌جانبه، نابرابری میان تعهدات و توانمندی‌های اعضا یک ضعف است. عربستان با هزینه‌های تسلیحاتی و جنگ یمن و باب‌المندب، انتظار مشارکت متقابل از ترکیه و پاکستان دارد، درحالی که این دو کشور به‌ترتیب با بحران‌های داخلی، تنش با هند و تعهدات ناتو مواجه‌اند و توانایی هم‌ترازی با ریاض را در این هدف ندارند. پاکستان با نقش‌آفرینی به‌عنوان یک میانجیگر مؤثر و ترکیه با تأکید بر دیپلماسی نشان داده‌اند که به‌جای مشارکت در یک ائتلاف نظامی ضدایرانی به دنبال مدیریت تنش‌ها و کاهش درگیری‌ها در منطقه هستند. این تعارض، ریشه در تفاوت‌های ساختاری و اولویت‌های ملی دارد و می‌تواند منجر به نارضایتی و تضعیف ائتلاف شود.

سلسله‌مراتب رهبری و فرماندهی

یکی از الزامات موفقیت هر ائتلافی، وجود ساختار رهبری شفاف و موردپذیرش همه اعضاست. چنین رهبری باید در سطوح سیاسی، نظامی و عملیاتی دارای سلسله‌مراتب مشخصی باشد تا هماهنگی میدانی را ممکن سازد. فرماندهی ستاد مشترک نیز به‌عنوان بازوی اجرایی، نقش کلیدی در عملیاتی‌سازی تصمیمات دارد. با این حال در توافقنامه سه‌جانبه، دو ضعف اساسی این حوزه را تضعیف کرده است. اول، رقابت هویتی میان عربستان و ترکیه بر سر رهبری جهان اسلام که ریشه در تفاوت‌های تاریخی و مذهبی دارد و پاکستان نیز با وجود روابط نزدیک با ریاض، از وابستگی کامل به آن پرهیز کرده است. دوم، فقدان ساختار سازمانی منسجم بویژه در حوزه فرماندهی نظامی قابل مشاهده است. اگر رهبری و فرماندهی این ائتلاف با عربستان سعودی باشد، این کشور با توجه به تجربیات گذشته به دلیل ضعف در ستاد مشترک با سلسله‌مراتب نهادینه شده، مانورهای هماهنگ و مکانیسم‌های تصمیم‌گیری سریع از کیفیت و تجربه لازم برای پیشبرد اهداف نظامی برخوردار نبوده و همین امر ممکن است در آینده این پیمان را تحت تأثیر قرار دهد.

> تجربه تاریخی نشان می‌دهد ائتلاف‌هایی که در دوره‌های گذار نظم شکل گرفته‌اند، به‌دلیل تغییر محاسبات قدرت و منافع، با ضعف تطبیق روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد، توافقنامه سه‌جانبه نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و تزلزل نظم بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین موانع برای تداوم و کارآمدی آن محسوب می‌شود

چتر حمایتی قدرت بزرگ قابل اطمینان

تداوم و کارآمدی ائتلاف‌های منطقه‌ای به چتر حمایتی قدرت‌های بزرگ برای تأمین منابع مالی، اطلاعات راهبردی و پشتیبانی لجستیکی وابسته است. توافقنامه سه‌جانبه با ضعف‌هایی روبه‌روست؛ حمایت آمریکا عمدتاً به مهار ایران محدود می‌شود و برای دیگر درگیری‌ها چتر حمایتی مطمئنی ندارد. سیاست تنوع بخشی به روابط خارجی (هجینگ) اعضا و حفظ روابط با رقبای آمریکا نیز مانع همگرایی است. رویکرد مسئولیت‌پذیری محدود واشنگتن و تغییر اهداف آن، اعتماد متحدان را کاهش داده است. آمریکا تنها زمانی حمایت می‌کند که ائتلاف با نظم مطلوبش، ازجمله مهار ایران و تقویت جایگاه اسرائیل، همسو باشد؛ بنابراین حمایت مشروط، توافق را شکننده و کارآمدی آن را تردیدآمیز می‌کند.

انعطاف‌پذیری راهبردی

ائتلاف‌های موفق باید توانایی تطبیق با شرایط جدید و تغییر اولویت‌های راهبردی را داشته باشند و از محافظه‌کاری در تصمیم‌گیری پرهیز کنند. انعطاف‌پذیری به ائتلاف‌ها امکان می‌دهد تا در محیط‌های متغیر بین‌المللی، همچنان کارآمد باقی بمانند. با این حال، به نظر می‌رسد، نظم بین‌الملل در دهه اخیر وارد یک دوره گذار شده است. فروپاشی نظم تک‌قطبی، ظهور قدرت‌های نوظهور بویژه چین، افول نسبی هژمونی آمریکا و تشدید رقابت‌های ژئوپلتیکی میان قدرت‌های بزرگ، فضایی از ابهام و عدم‌قطعیت را در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. این فضا هرگونه ائتلاف‌سازی منطقه‌ای را با ضعف مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی کشورها نسبت به تعهدات ائتلافی خود مردد و به‌طور مداوم در حال بازنگری در اولویت‌های راهبردی خود بر اساس تحولات متغیر بین‌المللی هستند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد ائتلاف‌هایی که در دوره‌های گذار نظم شکل گرفته‌اند، به‌دلیل تغییر محاسبات قدرت و منافع، با ضعف تطبیق روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد، توافقنامه سه‌جانبه نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و تزلزل نظم بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین موانع برای تداوم و کارآمدی آن محسوب می‌شود.

تهدید عوامل فراساختاری بر سر توافقنامه سه‌جانبه

علاوه بر ضعف‌های ساختاری در الزامات، چند عامل فراساختاری نیز این توافقنامه امنیتی را تهدید می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

قدرت دفاعی و امنیتی ایران: ایران با برخورداری از توانمندی‌های موشکی بالستیک، پهپادهای پیشرفته، متحدان در سراسر منطقه شامل حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و گروه‌های مقاومت در عراق و همچنین تجربه جنگ‌های متقارن و نامتقارن به خصوص در دو جنگ اخیر، یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای محسوب می‌شود. ایران توانایی هدف‌گیری تأسیسات حیاتی کشورهای عضو ائتلاف را دارد و با استفاده از متحدان خود می‌تواند میدان نبرد را به خارج از مرزهای خود منتقل کند.

حضور نظامی مستقیم آمریکا در منطقه با راهبردها و تاکتیک‌های متفاوت: آمریکا با بهره‌گیری از پایگاه‌های نظامی خود در منطقه به‌طور مستقیم در معادلات امنیتی حضور دارد. واشنگتن که خود درگیر تقابل فرسایشی با ایران است، ممکن است از هرگونه ائتلاف منطقه‌ای که بتواند به‌طور مستقل عمل کند، استقبال نکند و ترجیح دهد که ائتلاف‌ها تحت نظارت و هدایت مستقیم آمریکا شکل گیرند.

بازیگران کوچک مؤثر منطقه‌ای: کشورهایی مانند عراق، اردن، قطر، عمان، کویت و امارات متحده عربی، هر یک رویکردها و اثرگذاری متفاوتی در قبال ایران و اسرائیل دارند. این تفاوت باعث می‌شود توافقنامه نتواند به یک اجماع و پشتوانه‌سازی منطقه‌ای در اهداف تعیین‌کننده دست یابد.

امور داخلی کشورهای عضو: تغییرپذیری اولویت‌های ملی و تأثیر تحولات داخلی، یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده است. هر یک از اعضای توافقنامه سه‌جانبه ممکن است با تغییر دولت یا بحران‌های داخلی، اولویت‌های خود را تغییر دهند و تعهدات ائتلافی را نادیده بگیرند. افکار عمومی نیز بویژه در ترکیه و پاکستان که روابط اقتصادی و فرهنگی با ایران دارند، می‌تواند مانعی برای مشارکت علیه ایران در زمان احتمالی ایجاد کند.

نقش مخرب اسرائیل در هرگونه ائتلاف‌سازی منطقه‌ای: اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای با حمایت ویژه آمریکا همواره به دنبال جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌هایی است که در آن نقشی نداشته باشد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اسرائیل با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی، دیپلماتیک و حتی نظامی تلاش کرده ائتلاف‌های منطقه‌ای را که با منافع آن همخوانی ندارند، تضعیف کند.

تجربه تاریخی ناموفق عربستان در ائتلاف‌سازی: ریاض با وجود تلاش‌های مکرر برای اجماع‌سازی با محوریت خود، تجربه موفقی در ایجاد ائتلاف‌های بادوام نداشته است. طرح ناتوی عربی که با هدف مقابله با نفوذ ایران مطرح شد، به نتیجه نرسید. ائتلاف‌های متعدد علیه انصارالله در یمن که با رهبری عربستان شکل گرفت، با وجود حمایت نظامی و اطلاعاتی آمریکا، نتوانست به اهداف خود دست یابد.

توافقنامه سه‌جانبه را می‌توان ائتلافی با هدف بازدارندگی روانی و هماهنگی سیاسی ارزیابی کرد که بر اساس شواهد و تجربیات تاریخی به نظر می‌رسد، در عمل به اتحاد نظامی کارآمد تبدیل نخواهد شد. شکاف میان الزامات موفقیت و ضعف‌های این پیمان، خوش‌بینی به آینده آن را دشوار ساخته است. تجربه دهه‌ها ائتلاف‌سازی ناموفق در منطقه نشان می‌دهد که کارآمدی این ائتلاف‌ها به همگرایی منافع و ادراک مشترک از تهدید وابسته است و صرفاً پیمان‌های کتبی یا تبلیغات سیاسی-رسانه‌ای، تضمین‌کننده موفقیت آنها نیست. توصیه این است که اگرچه این توافقنامه باید موردتوجه سیاست‌گذاران سیاسی، امنیتی و دفاعی کشور قرار گیرد و هوشمندی در برابر رویکردهای ضدایرانی آن حفظ شود اما با درک شکنندگی این ائتلاف می‌توان با دیپلماسی فعال، جهت‌گیری آن را به سمت همکاری در موضوعات مشترک منطقه‌ای بویژه مقابله با سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل سوق داد. ایران در کنار تقویت و تمرکز بر روابط دوجانبه با هر یک از این اعضا با ارائه ابتکاراتی چون پیمان عدم تعرض، همکاری اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت میانجی‌های منطقه‌ای، می‌تواند با احیای آرمان وحدت اسلامی، جایگاه خود را به‌عنوان بازیگر ثبات‌زا تثبیت کند و اعضا را به جای تقابل به همکاری با خود ترغیب نماید.

فراخوان شرکت در مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی
(شماره ۱۴۰۵/۱۶)

شرکت مدیریت شبکه برق ایران در نظر دارد موضوع مناقصه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به‌شماره ثبت ستاد ۲۰۰۵۰۰۱۰۷۰۰۰۰۰۱۴ به‌فروشنده ذیصلاح واگذار نماید:

الف- شرح مختصر موضوع مناقصه: خرید تجهیزات یدکی حوزه WAN و CORE شبکه مخابرات اختصاصی دیسپاچینگ ملی

ب- دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت مدیریت شبکه برق ایران به نشانی: تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ونک- خیابان یاسمی- شرکت مدیریت شبکه برق ایران.

ج- مدت تحویل: ۶ ماه تقویمی خورشیدی از زمان مبادله قرارداد

د- متقاضیانی که آمادگی شرکت در مناقصه را دارند و دارای گواهینامه معتبر صلاحیت شورای عالی انفورماتیک کشور در رسته سخت افزار با حداقل رتبه ۴ باشند، می‌توانند اسناد مناقصه را از ساعت ۰۸:۰۰ صبح تاریخ درج آگهی نوبت اول لغایت ساعت ۱۶:۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ از طریق سامانه ستاد به آدرس: WWW.SETADIRAN.IR دریافت و با توجه به مندرجات اسناد مناقصه مدارک لازم را شامل پاکت "ارزیابی کیفی" و همچنین پاکت‌های "الف"، "ب" و "ج" تهیه و به‌صورت فایل‌های PDF تا ساعت ۱۰:۵۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ در سامانه فوق درج نمایند.

ز- پیشنهادهای واصله رأس ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ در کمیسیون مناقصه به نشانی: تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ونک- خیابان رشید یاسمی- جنب بیمارستان خاتم الانبیاء- شرکت مدیریت شبکه برق ایران گشایش خواهد شد.

ح- سپرده تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مطابق اسناد مناقصه معادل مبلغ ۶۰،۳۶۵،۴۹۶،۰۰۰ ریال (شصت میلیارد و سیصد و شصت و پنج میلیون و چهارصد و نود و شش هزار) ریال می‌باشد و پیشنهاددهنده موظف به تحویل اصل سند تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار تا ساعت ۱۰:۵۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ در قالب پاکت لاک و مهر شده به نشانی تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ونک- خیابان رشید یاسمی- جنب بیمارستان خاتم الانبیاء- شرکت مدیریت شبکه برق ایران - ساختمان مدیریت- اتاق ۲۲۷ می باشند. لازم به تاکید است به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی، چک تضمین بانکی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ط- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که خارج از سامانه فوق واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ی- کلیه پیشنهادات ارائه شده می‌بایست دارای ۳ ماه اعتبار باشند.

ک- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه موجود می‌باشد.

ل- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۵۱۶۲۳۷۰ یا ۸۵۱۶۲۳۷۸-۰۲۱ تماس و یا به وب‌سایت‌های (۱- http://igmc.ir، ۲- http://iets.mporg.ir و ۳- WWW.tavanir.org.ir) مراجعه فرمایید. ضمناً تلفکس شماره ۸۸۶۴۴۷۸۶-۰۲۱ جهت ارائه نظرات و پیشنهادات می‌باشد.

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ گونه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شناسه: ۲۲۵۱۷۵۸ میم الف:۱۶۰۱

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

گروه صنعتی بارز

با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۷۹۸۳ و شماره ثبت ۵۲۶۵۳ در نظر دارد جهت پروژه تجهیز و توسعه ناوگان پشتیبانی خط تولید کارخانه بارز کرمان نیازمند تأمین یک دستگاه جرثقیل ۱۵تن برند اطلس برو شاسی کامیون بنز ۲۶۳۰ باری به‌منظور بهره‌برداری در عملیات پشتیبانی و خط تولید کارخانه بارز کرمان دارد. (خودرو کامیون بنز ۲۶۳۰ توسط گروه صنعتی بارز تأمین می‌گردد)

لذا از کلیه تأمین‌کنندگان و سازندگان واجد شرایط تقاضا می‌شود جهت شرکت در مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پاکت‌های "الف" (تضامین)، "ب" (اسناد فنی)، "ج" (پیشنهاد قیمت) را به‌صورت جداگانه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ارائه نمایند.

۱. مدت اعتبار پیشنهادات ۳۰ روز از تاریخ بازگشایی پاکت‌ها می‌باشد.

۲. مبلغ سپرده شرکت در مناقصه به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و به مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

- ضمانت‌نامه بانکی در وجه گروه صنعتی بارز (شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۷۹۸۳)

- شماره حساب واریز مبلغ سپرده شرکت در مناقصه شماره حساب IR۲۲۰۱۲۰۰۲۰۰۰۰۰۰۳۲۰۴۶۶۷۱۴۶

- چک صیادی ثبت شده در وجه گروه صنعتی بارز به‌همراه کپی ثبت چک و گواهی امضای محضری صاحبان امضا

۳. دریافت اسناد (فنی و عمومی) شرکت در مناقصه: از طریق مراجعه به وب‌سایت گروه صنعتی بارز به آدرس: www.barez.org (قسمت مزایده و مناقصات)

۴. دستگاه مناقصه‌گزار در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی شرکت‌کنندگان در مناقصه وارد نمی‌باشد.

۵. آدرس تحویل پاکت‌ها: تهران، سهروردی شمالی خیابان هویزه غربی، شماره ۱۰۱ ساختمان شماره ۲ گروه صنعتی بارز واحد حراست می‌باشد.

۶. درصورت عدم ارائه تضامین و مدارک پاکت پیشنهاد قیمت "ج" بازگشایی نشده و ابطال می‌گردد.

۷. درصورت وجود هرگونه ابهام یا سؤال با شماره تماس ۰۹۱۹۷۵۷۵۹۰۸ آقای مهندس حسین نژاد تماس حاصل بفرمایید.

بارز

مناقصه خرید و تحویل شیشه های دوجداره پروژه پدیدار

رویا ساختمان آریا

گروه توسعه ساختمان تدبیر

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) در نظر دارد خرید و تحویل (در محل کارگاه پروژه پدیدار) شیشه های دوجداره پروژه پدیدار را با شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، به اشخاص حقوقی ذیصلاح (کارخانه ها و واحدهای تولیدی دارای پروانه (مجوز) تولید شیشه و گواهی استاندارد) واگذار نماید، لذا از اشخاص حقوقی واجد شرایط که با در اختیار داشتن امکانات فنی و مالی، توانایی انجام موضوع مناقصه را دارا می باشند، دعوت می نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ (به غیر از پنج شنبه ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ به دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷، طبقه اول، شماره تلفن: ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۱۴) مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

- محل تحویل شیشه ها با ابعاد نهایی: محل طبقه همکف پروژه واقع در تهران، بلوار نلسون ماندلا، نبش خیابان پدیدار می باشد.
- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده که بصورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب شرکت رویا ساختمان آریا میسر می باشد.
- پیش پرداخت ۷۰ درصد مبلغ پیشنهادی می باشد.
- سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج شده است.
- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی، ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ می باشد.
- این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۰۲۱۸۷۷

اخبار

وزیر بهداشت:

افزایش پوشش بیمه‌ای قیمت دارو ضروری است

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به ۳ دستاورد مهم وزارت بهداشت در دولت چهاردهم گفت:«خدمات‌رسانی بی‌سابقه در ایام جنگ، ساماندهی ساختار حوزه سلامت در قالب برنامه پزشکی خانواده و تأمین دارو و تجهیزات پزشکی به‌رغم مشکلات تحریم و شرایط ناشی از تهاجم دشمن متجاوز، از دستاوردهای مهم دولت چهاردهم در حوزه بهداشت به شمار می‌رود.»
ظفرقندی گفت:«دارو و تجهیزات پزشکی در شرایط جنگی به‌رغم همه مشکلات به‌طور کامل و مناسب تأمین شد، به نحوی که حتی یک روز هم فرآیند تأمین و تزریق واکسیناسیون در کشور تعطیل نشد.»
وزیر بهداشت با بیان اینکه بخشی از تأمین دارو با ارز ترجیحی و یارانه‌ای است، توضیح داد:«حمل و نقل دارو به خاطر جنگ تحمیلی اخیر دچار مشکلاتی شد و مجبور شدیم از روش‌های دیگری برای حمل دارو استفاده کنیم که این تغییرات در قیمت دارو هم اثر منفی داشت. همچنین بخش عمده‌ای از تولید دارو به لوازم جانبی وابسته است؛ به‌طور مثال سرم، پوششی دارد که قیمت این لوازم ناگهان پنج برابر شد و تأمین اقلامی مانند کاغذ دارو یا کپسول آلومینیوم، قیمت تمام شده دارو را بالا می‌برد.»
دکتر ظفرقندی تأکید کرد:«در این زمینه لازم است بیمه‌های سلامت و تأمین اجتماع حتی‌المقدور نسبت به پوشش افزایش قیمت داروها اقدام فوری کنند.»
به گزارش ایرنا، وزیر بهداشت روز گذشته در سلسله نشست‌های تخصصی «روایت نصر» بیست‌ویکمین جشنواره شهید رجایی با اشاره به ساختار ساماندهی شده و علمی حوزه بهداشت بر مبنای برنامه پزشکی خانواده بیان کرد:«برنامه پزشکی خانواده در ۱۰۰ کشور دنیا اجرا می‌شود. خدمات حوزه سلامت در قالب برنامه پزشکی خانواده همراه با کرامت و کمترین هزینه است؛ این برنامه در حال حاضر در ۶۴ شهر در حال اجراست.»
وزیر بهداشت همچنین با اشاره به اهمیت سواد سلامت در کشور ادامه داد:«اگر مردم با علائم دیابت، کبد چرب و مشکلات چاقی آشنا شوند، بیماری‌ها زودتر تشخیص داده شده و بموقع درمان می‌شوند. اکنون ۴۰ درصد افراد مبتلا به دیابت از دیابت خود اطلاعی ندارند و شایع‌ترین سرطان در زنان، سرطان پستان و در مردان هم سرطان پروستات است که از طریق آموزش قابل تشخیص و درمان بموقع هستند.»
وی با اشاره به خدمات‌رسانی حوزه سلامت در ایام جنگ نیز گفت:«حجم زیادی از مهاجران در ایام جنگ جابه‌جا شدند، مثلاً ناگهان در استان گیلان با ورودی چند میلیون مسافر روبه‌رو شدیم که تعدادی از آنها بیمار بودند اما تلاش کردیم هیچ کمبود دارویی در این استان احساس نشود.»
ظفرقندی گفت:«در ایام جنگ به ۳۰۰ دستگاه آمبولانس آسیب وارد شد. کارخانه‌های دارویی زیادی در کشور مورد هدف حمله قرار گرفتند که این مسائل باید گفته شود تا مظلومیت مردم و ددمنشی دشمن متجاوز و تروریست آشکار شود. در مورد انتقال خون هم کار بزرگی انجام شد؛ هنگام جنگ و ترومـا دو موضوع «خون و سرم» اهمیت بسیاری پیدا می‌کند که در این ایام هیچ‌وقت دچار کمبود خون نشدیم. ذخیره خون در ایام عادی چهار الی پنج روز است که این مدت در آخر اسفندماه گذشته و در اوج جنگ به ۱۱ روز رسید.»

معاون وزیر بهداشت:

برنامه‌ریزی برای استقرار یک مرکز ناباروری در هر استان

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از توسعه مراکز ناباروری در کشور خبر داد و گفت: «این خدمات با حمایت دولت و بیمه‌ها در حال پشتیبانی است و برنامه‌ریزی شده است که در هر استان کشور یک مرکز ناباروری وجود داشته باشد و این مراکز توسعه یابد.»
علیرضا رئیسی در حاشیه بزرگداشت روز جهانی جمعیت که در هتل قلب برگزار شد درباره اقدامات وزارت بهداشت برای حمایت از فرزندآوری، گفت: «شبکه گسترده بهداشت و درمان کشور ظرفیت مناسبی برای فرهنگسازی، مشاوره‌های ازدواج، آموزش و ارائه مشاوره‌های فرزندآوری دارد و وزارت بهداشت از این ظرفیت استفاده می‌کند.»
به گزارش ایرنا، رئیسی با اشاره به مهم‌ترین مسائل جمعیتی کشور تأکید کرد: «نخست باید زمینه ازدواج جوانان فراهم شود، سپس فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول کاهش یابد چرا که این فاصله در حال حاضر گاهی بیش از چهار سال است و فاصله میان تولد فرزندان نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوانیم نسلی پویا، جوان و آینده‌ساز برای ایران داشته باشیم.»
معاون بهداشت وزارت بهداشت با اشاره به وجود حدود ۱۲ میلیون جوان در سن ازدواج در کشور، گفت: «آمار مجردان قطعی، بویژه در میان زنان، افزایش یافته و این موضوع نشان می‌دهد یکی از مشکلات اصلی کشور، مسأله ازدواج است.»
او با اشاره به نتایج پیمایش‌های انجام‌شده در کشور توضیح داد: «تمایل به فرزندآوری در جامعه همچنان قابل توجه است و به نظر می‌رسد مسأله اصلی، کاهش تمایل به فرزندآوری نیست بلکه موضوع ازدواج است و در میان افراد مجرد، در صورت فراهم بودن مسکن، امنیت شغلی و شرایط اقتصادی مناسب، تمایل به ازدواج بالاست و پس از آن نیز تمایل به داشتن دو فرزند و بیشتر، نسبت به سایر گزینه‌ها همچنان قابل توجه است.»

علیرضا کاظمی در سی‌ونهمین اجلاس رؤسای آموزش و پرورش کشور اعلام کرد

تقویت هویت ایرانی- اسلامی در مدارس

گزارش

گروه اجتماعی

«تعلق به هویت ملی و دینی و تقویت نمادهای ملی مانند پرچم، سرزمین، جغرافیا، ایران و زبان، باید به عنوان محوری‌ترین برنامه‌ها در مدارس مورد توجه قرار بگیرد.»
علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش در سی‌ونهمین اجلاس رؤسای آموزش و پرورش کشور که با حضور رئیس‌جمهوری برگزار شد، با بیان این مطلب گفت: «بعد از شهادت رهبری و اتفاقات عجیبی که بر کشور ما عارض شد، فصل جدیدی از مسئولیت نظام تعلیم و تربیت رقم خورده است.» وزیر آموزش و پرورش ضمن تأکید بر ضرورت توسعه و ترویج ارزش‌های دینی و انقلابی گفت: «ما میراث‌دار خون هزاران شهید هستیم. امروز قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران در این حوزه خلاصه شده است. البته هویت ایرانی- اسلامی ایران، مدیون این نگاه ما، نگاه دینی و ارزش‌های دینی و انقلابی ماست. توجه به نماز، توجه به قرآن، توجه به فرهنگ ایثار و شهادت و زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان، از جمله این موضوعات است. کیفیت را بدون این ارزش‌ها نمی‌خواهیم. کیفیت را با این ارزش‌ها و در کنار آنها می‌خواهیم؛ علم مهم است و علم در شرق نیز وجود دارد اما ما علم عزتمندانه می‌خواهیم.»
کاظمی گفت: «پیام این اجلاس باید این باشد که با وجود تلاش دشمن برای ایجاد اختلال در روند خدمت‌رسانی کشور، آموزش و پرورش با قدرت در میدان حضور دارد و همه ارکان نظام تعلیم و تربیت در کنار یکدیگر برای آغاز سال تحصیلی جدید آماده هستند.»
وزیر آموزش و پرورش افزایش نرخ پوشش تحصیلی و کاهش نرخ بازماندگی از تحصیل را از جمله دستاوردهای آموزش و پرورش معرفی کرد و گفت: «افزایش نرخ پوشش تحصیلی و کاهش نرخ بازماندگی از تحصیل از جمله دستاوردهای آموزش و پرورش است. پوشش دوره پیش‌دبستانی به بیش از ۹۰ درصد رسیده و تلاش شده در دوره‌های متوسطه اول و دوم، دسترسی دانش‌آموزان به فوق برنامه‌های آموزشی در مناطق محروم بیشتر شود.»
کاظمی با اشاره به اینکه در جنگ ۴۰ روزه آموزش تعطیل نشد، توضیح داد: «آموزش و پرورش در دوران جنگ تعطیل نشد و استمرار جریان تعلیم و تربیت، نخستین سیاست ما بود که با استفاده از ظرفیت شبکه شاد، آموزش‌های آنلاین و بسته‌های آموزشی آفلاین، تلاش کردیم همه دانش‌آموزان، حتی در شرایط دشوار، تحت پوشش آموزش قرار داشته باشند. همچنین با وجود تلاش دشمن برای مختل کردن روند آموزشی، امتحانات را با اقتدار برگزار کردیم و سال تحصیلی را به پایان رساندیم.» او درباره برنامه‌های این وزارتخانه برای سال تحصیلی جدید، گفت: «نهضت توسعه عدالت آموزشی با رویکرد کیفیت و هویت در دستور کار قرار گرفته و در این چارچوب، ساخت هزاران کلاس درس و فضای آموزشی دنبال می‌شود.»
او با بیان اینکه ساخت ۲ هزار و ۴۰۰ پروژه و ۱۱ هزار کلاس درس تا مهرماه ۱۴۰۴در دستور کار قرار گرفت و برنامه ساخت ۱۳ هزار کلاس درس تا مهر ۱۴۰۵ نیز دنبال می‌شود، از ساخت و تکمیل حدود ۶ هزار فضای آموزشی و استانداردسازی حدود ۵۰ هزار کلاس درس خبر داد. به گفته وزیرآموزش و پرورش بازسازی حدود ۱۵۰۰ واحد آموزشی آسیب‌دیده در دستور کار قرار گرفته است.

سند تحول بنیادین مهمترین برنامه وزارت آموزش و پرورش

کاظمی با تأکید بر ضرورت تحقق اهداف سند تحول بنیادین، گفت: «این سند تنها برنامه محوری وزارت آموزش و پرورش است و معتقدیم سند تحول، میثاق ملی ما، امام شهید ما، مردم، دولت و مجلس است. تمام تلاش وزارت آموزش و پرورش با همه برنامه‌ها، ذیل سند تحول بنیادین تعریف می‌شود. معتقدیم برنامه هفتم پیشرفت نیز در راستای سند تحول تنظیم شده و سند نیز در راستای فرمایشات رهبر شهید انقلاب تنظیم شده است. روح حاکم بر سند تحول بنیادین، سه سیاست کلیدی «کیفیت، عدالت و هویت» است. این سه موضوع، مأموریت مشترک معاونت‌های آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی است و روح حاکم بر سند تحول نیز همین سه محور است.»
کاظمی با اشاره به اهمیت اجرای سند تحول بنیادین در سطح مدرسه گفت: «وقت زیادی روی این موضوع گذاشته‌ام و می‌دانم چه اتفاق بزرگی در حال رخ دادن است. امروز برش مدرسه‌ای سند تحول بنیادین در سطح مدرسه، در قالب «الگوی مدرسه تراز»، به بهترین شکل در حال اجراست و یک کار ماندگار و بسیار مهم خواهد بود. شاید صدها ساعت برای این موضوع وقت گذاشته شده است. تیم بزرگی در این زمینه فعالیت کرده و این تمام برنامه ما برای اجرای سند تحول بنیادین در مدرسه است.»

> آموزش و پرورش در دوران جنگ تعطیل نشد و استمرار جریان تعلیم و تربیت، نخستین سیاست ما بود که با استفاده از ظرفیت شبکه شاد، آموزش‌های آنلاین و بسته‌های آموزشی آفلاین، تلاش کردیم همه دانش‌آموزان، حتی در شرایط دشوار، تحت پوشش آموزش قرار داشته باشند

او با بیان اینکه در آینده نزدیک به‌طور کامل از سامانه الگوی مدرسه تراز رونمایی خواهیم کرد، توضیح داد: «سامانه جامع نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر سند تحول و اجرای نقشه راه نیز دنبال می‌شود که هفته گذشته در شورای معاونان، برش ملی و ستادی سند در قالب یک سامانه رونمایی شد. برش مدرسه‌ای سند تحول بنیادین مسأله بسیار مهمی است و از طریق آن می‌توانیم به کیفیت دست پیدا کنیم.»
او درباره برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در حوزه عدالت آموزشی توضیح داد: «افزایش پوشش تحصیلی، توجه به مناطق محروم و کم‌برخوردار، توجه به مدارس عشایری، اصل قرار دادن دوره ابتدایی و مدارس شبانه‌روزی، مدارس استثنایی و سمپاد در مناطق محروم از جمله برنامه‌های ماست. توسعه هنرستان‌ها و رشته‌های مهارتی، توجه به هدایت تحصیلی، بازماندگان از تحصیل، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و دسترسی همه دانش‌آموزان به فناوری‌ها و منابع یادگیری برتر و استادان برتر نیز در این مسیر مورد توجه قرار دارد.»
کاظمی با بیان اینکه توزیع عادلانه منابع، امکانات و بودجه با رویکرد تبعیض مثبت و کاهش تنوع مدارس مورد تأکید است گفت: «اینها از مهم‌ترین برنامه‌ها در حوزه عدالت آموزشی است. وقتی از پیش‌دبستانی صحبت می‌کنیم، از عدالت صحبت می‌کنیم؛ وقتی از حذف مدارس کانکسی، مدارس سنگی و حل مشکل مدارس با تراکم ۳۵ نفره صحبت می‌کنیم، از عدالت سخن می‌گوییم. مفاهیمی که امروز مطرح می‌کنم، در قالب نقشه اجرای سند تحول بنیادین تعریف شده است.» وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه تحول در فرآیند یادگیری، اصلاح و بهبود روش‌های یاددهی و یادگیری و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان از برنامه‌های اصلی است گفت: «آموزش و پرورش نمونه‌ای در تاریخ است که بیش از ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار معلم دارد. موضوع اجتماعات یادگیری و آموزش سه میلیون و ۴۰۰ هزار دانش‌آموز جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا دنبال می‌شود.»

در جلسه شورای اجتماعی کشور مطرح شد

راه‌اندازی سکوی خدمات محله‌محور؛ اولویت اصلی وزارت کشور

گزارش

سمیه افشین‌فر

گروه اجتماعی

عکس: ایرنا

ضرورت تدوین نقشه راه برای کارگروه‌های سه‌گانه شورای اجتماعی کشور یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در یکصدوهفتادوچهارمین جلسه شورای اجتماعی کشور بود. روز گذشته در نشست این شورا که با حضور محمد بطحایی، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور، سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی فراجا و جمعی از دبیران کارگروه جمعیت و خانواده برگزار شد، موضوعات مرتبط با حوزه زنان، جمعیت و خانواده مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.
سیدمحمد بطحایی در تشریح مباحث مطرح‌شده در جلسه شورای اجتماعی کشور راه‌اندازی سامانه و سکوی خدمات محله‌محور را از اولویت‌های اصلی وزارت کشور و سازمان امور اجتماعی دانست و از انتشار اطلس آسیب‌های اجتماعی و دسترسی دانشگاه‌ها و مراکز علمی به داده‌های رسمی و معتبر این حوزه خبر داد.
به گفته بطحایی در حوزه محله‌محور اولویت اصلی در راه انداختن سامانه و آن سکویی است که باید جلوی کارهای موازی را بگیرد و محله‌هایی را که از خدمات محله محور بی‌بهره هستند، نشان دهد.
بطحایی با اشاره به اینکه موضوع دوم مطرح شده در گزارش‌ها مربوط به کارگروه‌های وابسته به شورای اجتماعی کشور است، گفت: «ما سه کارگروه در شورای اجتماعی داریم؛ کارگروه کنترل و مدیریت آسیب‌های اجتماعی، کارگروه سرمایه اجتماعی و کارگروه خانواده و زنان. این سه کارگروه فرآیند تصمیم‌سازی را برای شورای اجتماعی کشور فراهم می‌کند. متأسفانه در ماه‌های گذشته به دلیل شرایطی که در کشور پیش آمد، این کارگروه‌ها آن‌گونه که باید نتوانستند تشکیل جلسه بدهند و آسیب‌شناسی کنند و طرح‌هایی را که در دستورشان بود به اجرا دربیاورند. در این جلسه مجدد گزارش‌ها ارائه شد و تأکید همه بر این بود که کارگروه به یک نقشه راه نیاز دارد.» بطحایی گفت: «در این جلسه در حوزه سرمایه اجتماعی که مفهوم غالب گفتمان امروز در حوزه اجتماعی است و به عنوان یک ثروت ارزشمند برای ایران و ایرانیان به شمار می‌رود، بررسی‌های کاملی انجام شد. قرار شد جلسه آینده کارگروه‌ها نقشه راه خودشان را برای موضوعاتی که در وظیفه‌شان است ارائه دهند. ان‌شاءالله با تأیید شورای اجتماعی کشور بتوانیم منسجم‌تر و معطوف به هدف‌های سهل‌الوصول و در دسترس هدفگذاری‌ها را انجام دهیم و فعالیت‌های کارگروه‌ها را هدایت کنیم.»

انتشار اطلس آسیب‌های اجتماعی

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به مصوبات جلسه شورای اجتماعی کشور گفت: «یکی دو مصوبه هم در این شورا به تصویب رسید. یک مصوبه درباره برنامه‌های فوق‌العاده برای مقابله و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است که سال ۱۴۰۴ با همکاری بی‌شائبه سازمان برنامه و بودجه مطرح شد. مثلاً مطرح شد که در حوزه خودکشی چه نوع برنامه‌هایی را باید به اجرا دربیاوریم، برای کنترل و مهار اعتیاد چه برنامه‌هایی باید اجرا شود. متأسفانه با وقوع جنگ رمضان، بخشی از این برنامه‌ها متوقف و اعتبارات برخی از برنامه‌ها ابلاغ نشد و ما نتوانستیم تمهیدات لازم برای اجرای برنامه‌های فوق‌العاده را انجام بدهیم.» به گفته بطحایی، یکی از مصوبات جلسه شورای اجتماعی کشور درباره برنامه‌هایی بود که همچنان موضوعیت دارد و می‌تواند برای سال ۱۴۰۵ نیز استمرار یابد. او گفت: «این اجازه داده شد که از حیث اعتبار و منابع مورد نیاز، اگر نیاز به ترمیم دارد منابع افزایش پیدا کند و اگر در موضوعاتی مثل خودکشی نیاز به این هست که ما حجم کمی برنامه را هم افزایش دهیم، مخاطب را بیشتر تحت پوشش قرار بدهیم. امیدوارم با این مصوبه به سرعت بتوانیم برنامه‌های فوق‌العاده سال ۱۴۰۵ را عملیاتی و اجرایی کنیم و مداخلاتی که برای حوزه اجتماعی امروز جامعه به‌شدت به آن نیاز دارد هم به سرعت عملیاتی و اجرا شود.»
بطحایی با بیان اینکه اطلس آسیب‌های اجتماعی سالانه منتشر می‌شود، گفت: «این اطلس در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار می‌گیرد و امسال قرار است به شکل گسترده در اختیار دانشگاه‌ها و مراکز علمی هم قرار بگیرد.»
بطحایی درباره زنان بدسرپرست یا زنانی که سرپرست خانوار آنها مفقود است، گفت: «در شرایط فعلی یارانه به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود و این موضوع یک خلأ قانونی ایجاد کرده است. قوه قضائیه، مجلس و سایر نهادهای دولتی برای حل این مسأله اعلام آمادگی کرده‌اند و تلاش می‌کنیم با بررسی مصادیق، راهکارهایی برای کاهش مشکلات این گروه از جامعه پیدا کنیم.»

برش

تأثیر حاشیه‌نشینی بر سرمایه اجتماعی

چند روز قبل عبدالرضا چراغعلی، سرپرست مرکز امور اجتماعی استانداری تهران گفته بود حدود ۲۰ درصد از سکونتگاه‌های تهران به حاشیه‌نشینی اختصاص دارد. اما حاشیه‌نشینی بجز آسیب‌های اجتماعی که با خود به همراه دارد در وضعیت سرمایه اجتماعی هم تأثیرگذار است. زینب نصیری مشاور اجتماعی وزیر بهداشت در مورد ضرورت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی به خصوص در حاشیه شهرها به «ایران» گفت: «در حاشیه‌نشینی با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مواجه هستیم یعنی اینطور نیست که در حاشیه‌ها سرمایه اجتماعی نداشته باشیم، اتفاقاً بین هر گروه جمعیتی، سرمایه اجتماعی در همان گروه‌ها را داریم. ممکن است به واسطه شرایطی که حاشیه‌نشینی دارد، دسترسی این افراد به منابع محدود باشد، حتی نهادهای رسمی، حاشیه‌نشین‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند بنابراین حاشیه‌نشین‌ها خدمات دولتی دریافت نمی‌کنند. بنابراین سرمایه اجتماعی برون گروهی یا آن سرمایه اجتماعی کلان کاهش پیدا می‌کند، اما سرمایه اجتماعی خردی که داخل خود این گروه‌ها وجود دارد، افزایش پیدا می‌کند چون اینها شبکه ارتباطی‌شان با هم قوی‌تر می‌شود.»

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور درباره فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی نیز توضیح داد: «در مناطق مرزی شرق کشور مواردی وجود دارد که مادر ایرانی و همسر خارجی بوده و به دلیل ثبت نشدن ازدواج، فرزند فاقد مدارک هویتی است.»
به گفته بطحایی یکی از راهکارهای مورد بررسی، استفاده از استعلام‌ها و شواهدی است که بتواند شرایط فرد را تأیید کند؛ اما باید در کنار حل این مسأله، پیامدهای احتمالی راهکارها نیز مورد توجه قرار گیرد.

پیشرفت سامانه رصد و پایش داده‌ها

آمارهای متفاوت و گاه متناقض در حوزه اجتماعی همواره یکی ازمهم‌ترین آسیب‌های این حوزه بوده است. بطحایی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تعدد آمارهای حوزه آسیب‌های اجتماعی گفت: «یکی از مشکلات کشور، کثرت آمار و اعدادی است که از سوی مراجع مختلف تولید می‌شود و گاهی با یکدیگر تناقض دارند؛ موضوعی که می‌تواند موجب ایجاد اغتشاش ذهنی و ارائه راهکارهای نادرست شود. سامانه مشترک رصد و پایش داده‌ها در این زمینه در حال پیشرفت است و بر اساس تکلیف قانونی، داده‌های این حوزه باید از مسیر وزارت کشور منتشر شود.»

مصوبات کارگروه‌ها باید به مصوبات اجتماعی کشور تبدیل شود

جلسات شورای اجتماعی کشور هرازگاهی برگزار می‌شود، در جلسات شورا دستگاه‌های اجرایی به ارائه گزارش می‌پردازند، اما باز شاهد اقدامات پراکنده دستگاه‌های مختلف اجرایی هستیم. زینب نصیری مشاور اجتماعی وزیر بهداشت در این مورد به «ایران» گفت: «شورای اجتماعی کشور مثل شورای عالی رفاه برای دستگاه‌های اجتماعی ظرفیت بسیار خوبی است. این دو شورا ظرفیت‌های نهادی اجتماعی کشور هستند که می‌توانند در حوزه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری در حوزه رفاه اجتماعی بسیار مؤثر باشند. اما اینکه چطور از این فرصت و این ظرفیت استفاده می‌شود، به اداره کنندگان این جلسات برمی‌گردد. امیدوارم در این دولت و با فرآیندهایی که در حال طی شدن است وضعیت اثرگذاری این شوراها بر سیاست‌های کلان کشور تغییر پیدا کند.» به گفته نصیری کارگروه‌هایی ذیل شورای اجتماعی کشور تشکیل شده است که در حوزه آسیب‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و زنان و خانواده فعالیت می‌کنند. او معتقد است چند اتفاق باید بیفتد؛ «اول اینکه این کارگروه‌ها فعال شوند و به سمت خروجی‌های مشخص و مبتنی بر نیاز کشور بروند. خیلی اوقات می‌بینیم که مثلاً در شوراها مسائلی که مطرح می‌شود فاصله بسیاری با مسائل واقعی جامعه دارد، بنابراین هر چقدر این کارگروه‌ها بتوانند به نیازهای واقعی که در جامعه هست نزدیک شوند و مصوبات درستی در داخل کارگروه‌ها داشته باشند، حتماً خروجی‌های شورا اثرگذارتر خواهند بود.» البته به گفته مشاور اجتماعی وزیر بهداشت باید یک فرآیند سیستماتیک بین این کارگروه‌ها و شورا برقرار باشد، او گفت: «به عنوان عضوی از این کارگروه‌ها انتظار دارم اگر موضوعی در کارگروه‌ها دنبال می‌شود، اعضا گزارشی می‌دهند و به تصمیم‌گیری در کارگروه‌ها می‌رسد، مصوبات آن کارگروه‌ها تبدیل به مصوبات اجتماعی کشور شود. اگر این سازوکار برقرار شود، باعث تقویت این کارگروه‌ها هم خواهد شد. یعنی اعضای کارگروه‌ها حس می‌کنند اگر در جلسات شرکت و زمان صرف می‌کنند، مصوباتشان امکان آمدن در صحن شورای اجتماعی کشور و بعد اجرایی شدن را دارد.»

> در شرایط فعلی یارانه به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود و این موضوع یک خلأ قانونی ایجاد کرده است. قوه قضائیه، مجلس و سایر نهادهای دولتی برای حل این مسأله اعلام آمادگی کرده‌اند و تلاش می‌کنیم با بررسی مصادیق، راهکارهایی برای کاهش مشکلات این گروه از جامعه پیدا کنیم

ضرورت هم‌افزایی دستگاه‌ها در محلات

نصیری در مورد آخرین وضعیت محله محوری در کشور، با بیان اینکه اقدامات خوبی توسط دستگاه‌های مختلف در حوزه محله محوری شروع شده است، گفت: «رئیس‌جمهوری همواره بر محله محوری تأکید می‌کند. با تأکید رئیس‌جمهوری محترم، دستگاه‌ها اهتمام بیشتری دارند که کارهایی را در سطح محله محوری انجام دهند، اما در این حوزه نیاز به هم افزایی داریم. باید یک هم‌افزایی بین دستگاهی اتفاق بیفتد. ما در بعضی محله‌ها حضور چندین دستگاه را به شکل موازی شاهد هستیم، در بعضی محله‌ها هم هیچ کدام از دستگاه‌ها حضور ندارند. بنابراین ضرورت دارد این هم‌افزایی اتفاق بیفتد. کارگروه پیشرفت محلی هم که در وزارت کشور تشکیل شده است، ضرورت دارد بیشتر از اینکه وارد کار اجرایی شود، تولیت این هم‌افزایی را بر عهده بگیرد. یعنی باید تولیت سازماندهی و لکه‌گیری محله‌هایی که در آنها کاری انجام نشده و یا محله‌هایی را که چندین دستگاه در حال انجام کار موازی هستند، بر عهده بگیرد. قطعاً این هم‌افزایی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.» به گفته نصیری اقدام محله محور از دل جامعه بیرون می‌آید نه از دل نظام دولتی. او گفت: «در سیستم محله محوری دولت باید در کنار مردم قرار بگیرد. یعنی باید دستگاه خدماتی خدماتش را در کنار دولت و مردم بیاورد. البته نیاز باید از دل محله ایجاد شود؛ در بسیاری از محلات دغدغه وجود دارد. بسیاری از محلات ngo دارند که به نمایندگی از مردم کار می‌کنند، اما همین سازمان‌های مردم‌نهاد چون حس می‌کنند ارتباطشان با دستگاه دولتی قطع است و در بهترین حالت به عنوان یک مشورت‌دهنده تلقی می‌شوند، خدمت از بین می‌رود و از محله خارج می‌شوند. هرچقدر بتوانیم به شکل نهادینه به مردم اتکا کنیم، تصمیم‌گیری را به مردم بسپاریم، مردم و تشکل‌های مردم‌نهاد را به عنوان نمایندگان مردم در محلات به رسمیت بشناسیم و اجازه بدهیم آنها به تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی اجرا کمک کنند، با تحقق اقداماتی که در سطح محلات اتفاق می‌افتد حتماً به نگاهی که رئیس‌جمهوری دارند نزدیک خواهیم شد.»

وزیر راه و شهرسازی:

قصد نداریم پروژه‌های مسکن را برای دولت‌های بعدی بگذاریم

گزارش

گروه اقتصادی

وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر لزوم پایان دادن به بهانه‌تراشی‌ها در تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام، تصریح کرد همه ابزارهای قانونی برای پیشبرد اهداف در اختیار مدیران استانی قرار گرفته است.

فرزانه صادق در نشست پایش طرح‌های حمایتی مسکن در محل وزارت راه و شهرسازی با بیان اینکه قصد نداریم بار پروژه‌های مسکنی را برای دولت‌های بعدی باقی بگذاریم، افزود: مردم به نظام جمهوری اسلامی اعتماد کرده‌اند و ما موظفیم این اعتماد را با تکمیل پروژه‌ها پاسخ دهیم.

وی گفت: همه پیشنهادهای عملیاتی از جمله تهاتر زمین برای تأمین منابع و افزایش سقف تسهیلات بانکی در شورای عالی مسکن و هیأت عالی بانک‌ها تصویب و ابلاغ شده است. علاوه بر این، بخش عمده‌ای از اختیارات تصمیم‌گیری را به مدیران کل استان‌ها تفویض کرده‌ایم تا گره‌های اجرایی در همان استان باز شود.

صادق گفت: وقتی مشاهده می‌شود سیاست‌ها و اقدامات ما در ۱۵ استان با موفقیت به نتیجه رسیده، بدین معناست که با وجود تفاوت‌های استانی، امکان اجرا در سایر مناطق نیز وجود دارد. بنابراین، مدیران استانی باید با استفاده از اختیارات تام خود، موانع را رفع کنند و مأموریت‌ها را به سرانجام برسانند.

وزیر راه و شهرسازی در خصوص هدفگذاری کمی پروژه‌ها، خاطرنشان کرد: تکمیل ۱۶۰ هزار واحد مسکونی تا پایان سال، یک تعهد قطعی است و به هیچ عنوان از این سقف عددی کاسته نخواهد شد. این موضوع صرفاً یک حرف نیست، بلکه تکلیفی است که باید عملیاتی شود و هر استانی که در این مسیر مانعی دارد، باید به‌سرعت برای رفع آن اقدام کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود نسبت به عملکرد آماری پروژه‌ها هشدار داد و گفت: اگر در پروژه‌ها انحراف ۱۰ تا ۲۰ درصدی وجود داشته باشد، با اقدام سریع قابل‌مدیریت است؛ اما انحراف ۵۰ تا ۶۰ درصدی در برخی پروژه‌ها برای ما یک «هشدار جدی» است. این بدان معناست که مدیر مربوطه باید پاسخگو باشد که چه کاری باید انجام دهد تا به آن عدد تعیین‌شده برسیم.

صادق، ضرب‌الاجلی برای ساماندهی اطلاعات در سامانه «تم» تعیین کرد و افزود: همه استان‌ها مکلفند حداکثر تا یک هفته آینده، وضعیت پروژه‌ها را به دقت در سامانه ثبت و به‌روزرسانی کنند. این هفته، فرصت نهایی برای انطباق آمارها با وضعیت میدانی پروژه‌هاست و همه مدیران باید در این زمینه با جدیت عمل کنند.

بر اساس این گزارش در قانون جهش تولید مسکن و قانون برنامه هفتم توسعه، با تأکید بر تأمین زمین مناسب، بهره‌گیری از ظرفیت دستگاه‌ها و توسعه الگوهای متنوع تأمین مسکن برای گروه‌های هدف مورد تأیید قرار گرفته است. دولت چهاردهم، مسئولیت سنگینی در تحقق این هدف بر عهده داشته و در یک سال گذشته تلاش گسترده‌ای برای تأمین زمین، آغاز عملیات اجرایی، آماده‌سازی، تأمین خدمات زیربنایی و روبنایی و تسهیل ورود مردم و سرمایه‌گذاران به طرح نهضت ملی مسکن انجام داده است.

حمایت ویژه از دهک‌های ۱ تا ۴

حبیب‌الله طاهرخانی، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی نیز در جلسه پایش طرح‌های حمایتی مسکن، اظهار کرد: یکی از اصلی‌ترین دستور کارهای ما در جلسات اخیر، فعال‌سازی دستورالعمل حمایت از دهک‌های کم‌درآمد (دهک‌های ۱ تا ۴) بود. طبق مصوبه شورای عالی مسکن، ما به دنبال آن هستیم که با استفاده از ظرفیت‌های «تهاتر اراضی و املاک با پیمانکاران»، به متقاضیانی که توانایی تأمین آورده کمتری دارند، کمک کنیم.

وی افزود: اصل هدف طرح‌های حمایتی، خانه‌دار کردن دهک‌های پایین است، یکی از اولویت‌های اصلی ما در کنار همراهی خود متقاضیان، ارائه کمک‌های مالی در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه تا سقف ۴۰۰ میلیون تومان برای پروژه‌هایی با پیشرفت فیزیکی بالاست تا این دهک‌ها بتوانند صاحب‌خانه شوند.

معاون وزیر راه و شهرسازی در خصوص پیش‌بینی بهره‌مندی متقاضیان از این حمایت‌ها گفت: امسال برنامه افتتاح ۱۶۰ هزار واحد مسکونی را داریم که حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از متقاضیان آن جزو دهک‌های ۱ تا ۴ هستند.

طاهرخانی با اشاره به برنامه‌های کوتاه‌مدت برای تحویل واحدها تصریح کرد: برنامه ما برای تحویل مسکن تا پایان شهریورماه، ۳۷ هزار واحد است.

وی همچنین به تسهیلات تکمیلی برای پروژه‌های پیشرفته اشاره کرد و گفت: علاوه بر کمک به دهک‌های پایین، برای پروژه‌هایی که بالای ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارند، تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه از محل منابع «صندوق ملی مسکن» در نظر گرفته شده است که از طریق کارگزاری بانک مسکن به ذینفع نهایی پرداخت می‌شود. تا به امروز، ۱۲ اداره‌کل استانی موفق به تأمین این تسهیلات برای حدود ۷ هزار واحد مسکونی شده‌اند.

> برای پروژه‌هایی که بالای ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارند، تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه از محل منابع «صندوق ملی مسکن» در نظر گرفته شده است که از طریق کارگزاری بانک مسکن به ذینفع نهایی پرداخت می‌شود. تا به امروز، ۱۲ اداره‌کل استانی موفق به تأمین این تسهیلات برای حدود ۷ هزار واحد مسکونی شده‌اند

تثبیت جکت A11 در دریا

توسعه فاز ۱۱ وارد مرحله جدید شد

با پایان عملیات نصب و شمع‌کوبی جکت A11 در آب‌های خلیج فارس، محل استقرار عرشه تولید گاز این سکو آماده شده است. همزمان، ساخت عرشه A11 به پیشرفت ۵۰ درصدی رسیده و حفاری دوازدهمین چاه فاز ۱۱ نیز در آستانه پایان قرار دارد.

توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با نصب و تثبیت جکت A11، یکی از سازه‌های اصلی سکوی تولید گاز این فاز، وارد مرحله تازه‌ای شد. این سازه پس از انتقال به موقعیت دریایی، با اجرای بیش از ۷۰۰ متر شمع‌کوبی در بستر دریا تثبیت شد تا زمینه برای نصب عرشه A11 و استقرار تجهیزات تولید گاز فراهم شود. فاز ۱۱ در مرزی‌ترین بخش میدان مشترک پارس جنوبی میان ایران و قطر واقع شده و به همین دلیل، تکمیل زیرساخت‌های تولید در آن از جنبه حفظ سهم ایران از برداشت گاز این میدان اهمیت دارد. در این فاز، توسعه چاه‌ها، ساخت تجهیزات سطح‌الارضی و دریایی و افزایش ظرفیت تولید به‌صورت همزمان در دستور کار قرار گرفته است. جکت، سازه فلزی پایه‌ای سکوهای دریایی است که در کف دریا نصب می‌شود و عرشه یا بخش بالایی سکو روی آن قرار می‌گیرد. تجهیزات فرآورش و تولید گاز نیز پس از نصب عرشه، روی این بخش مستقر خواهد شد. به این ترتیب، پایان عملیات نصب جکت، به معنای تکمیل یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای انتقال و نصب عرشه A11 است.

حمیدرضا ثقفی، مدیرعامل گروه پتروپارس، با اعلام پایان این عملیات گفت: «نصب و تثبیت جکت A11 یکی از مراحل اصلی توسعه فاز ۱۱ بوده و با انجام شمع‌کوبی، محل استقرار عرشه این سکو آماده شده است.» به گفته او، طراحی، آماده‌سازی، انتقال دریایی، نصب و تثبیت این سازه با اتکا به توان پیمانکاران و متخصصان ایرانی انجام شده است.

بر اساس اعلام پتروپارس، عملیات آماده‌سازی و عمود کردن جکت A11 پیش از انتقال به موقعیت دریایی، در دولت چهاردهم انجام شد. سپس سازه به محل تعیین‌شده در خلیج فارس منتقل شد و عملیات نصب و کوبش شمع‌ها برای اتصال پایدار آن به بستر دریا ادامه یافت. عملیات شمع‌کوبی در پروژه‌های فراساحلی از مراحل حساس اجرایی به شمار می‌رود، زیرا پایداری سکوی تولیدی در برابر شرایط محیطی و بار تجهیزات، به استحکام سازه پایه وابسته است.

فعالیت پروژه در شرایط خاص

عملیات نصب جکت A11 در شرایطی انجام شد که وضعیت منطقه و ملاحظات ایمنی، اجرای پروژه‌های دریایی را با حساسیت بیشتری همراه کرده بود. مدیرعامل پتروپارس می‌گوید برنامه اجرایی پروژه متناسب با شرایط موجود بازتنظیم شد و تیم‌های عملیاتی با رعایت الزامات ایمنی، روند کار را ادامه دادند.

ثقفی همچنین اعلام کرد که حتی پس از نقض آتش‌بس در جنوب کشور، عملیات نصب این سازه متوقف نشده است. با این حال، ادامه پروژه در چنین شرایطی، نیازمند هماهنگی بیشتر میان واحدهای دریایی، عملیاتی، پشتیبانی و ایمنی بوده است. پروژه‌های فراساحلی به دلیل وابستگی به شرایط جوی، تردد شناورها و محدودیت‌های عملیاتی در دریا، معمولاً از پیچیدگی اجرایی بالاتری نسبت به پروژه‌های مستقر در خشکی برخوردارند.

به گفته وی، توسعه میدان‌های مشترک و افزایش ظرفیت تولید گاز، از محورهای اصلی برنامه‌های وزارت نفت است و در فاز ۱۱ نیز حفاری چاه‌ها، تولید از چاه‌های موجود، ساخت عرشه و نصب سازه‌های دریایی به‌طور موازی دنبال می‌شود.

افزایش تولید با اتصال چاه‌ها

پتروپارس اعلام کرده است که ظرفیت تولید گاز فاز ۱۱ در ۱۸ ماه اول دولت چهاردهم دو برابر شده است. تعداد چاه‌های حفاری‌شده این فاز نیز از چهار حلقه به ۱۱ حلقه رسیده است. این افزایش شمار چاه‌ها، بخش مهمی از برنامه افزایش تولید در فاز ۱۱ بوده؛ هرچند رسیدن به ظرفیت نهایی، به تکمیل تأسیسات دریایی، اتصال چاه‌های جدید و آماده‌سازی عرشه A11 نیز وابسته است. پیش از این، با اتصال یازدهمین چاه فاز ۱۱ به سکوی تولید گاز و خط لوله ۳۲ اینچ، میزان تولید گاز این سکو به ۹۱۵ میلیون فوت مکعب استاندارد در روز رسیده بود. این میزان معادل حدود ۲۶ میلیون مترمکعب گاز در روز است. افزایش تولید در فاز ۱۱ می‌تواند در تأمین گاز مورد نیاز شبکه سراسری، بویژه در دوره‌های اوج مصرف، مؤثر باشد. در کنار نصب جکت، ساخت عرشه A11 نیز ادامه دارد و بنا بر اعلام مدیرعامل پتروپارس، این بخش اکنون حدود ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. عرشه در واقع محل استقرار تجهیزات اصلی تولید، کنترل، انتقال و پشتیبانی سکو است. طراحی مهندسی، خرید تجهیزات، ساخت سازه و نصب سامانه‌های فرآیندی از جمله مراحل اصلی آماده‌سازی این بخش به شمار می‌رود.

چاه دوازدهم در آستانه تکمیل

همزمان با پیشرفت عملیات دریایی و ساخت عرشه، حفاری دوازدهمین چاه فاز ۱۱ نیز به مراحل پایانی رسیده است. طبق اعلام پتروپارس، مراحل اصلی حفاری این چاه در کمتر از ۵۴ روز انجام شده و عملیات اکنون در مرحله نهایی قرار دارد. پس از اتمام حفاری، چاه باید وارد مرحله تکمیل و آماده‌سازی شود؛ مرحله‌ای که شامل تجهیز چاه و انجام آزمایش‌های لازم برای اتصال ایمن آن به مدار تولید است. در صورت تکمیل این فرآیند، چاه دوازدهم به ظرفیت تولید فاز ۱۱ افزوده خواهد شد. با تثبیت جکت A11، ادامه ساخت عرشه و پیشرفت حفاری چاه‌های جدید، توسعه فاز ۱۱ وارد دوره‌ای شده است که چند بخش کلیدی آن باید به‌صورت هماهنگ پیش برود. زمان‌بندی نصب عرشه، تکمیل چاه دوازدهم و اتصال آن به شبکه تولید، تعیین‌کننده گام بعدی این فاز در افزایش تولید از میدان مشترک پارس جنوبی خواهد بود.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۵۳-۰۶-۱۴۰۵

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد ۱۰۰ دستگاه چراغ سیالتیک ثابت دوقمره تولید داخل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ دانلود اسناد مناقصه در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از ساعت ۸ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ الی ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد.

آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۱۶/۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد: دانلود از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۵۰۳۳۹۰۰۰۰۴۶ می‌باشد.

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

دبیرخانه مناقصات

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۵۲-۰۶-۱۴۰۵

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد ۵۰ دستگاه چراغ سیالتیک پرتابل تولید داخل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ دانلود اسناد مناقصه در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از ساعت ۸ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ الی ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد.

آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۲/۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد: دانلود از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۵۰۳۳۹۰۰۰۰۴۵ می‌باشد.

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

دبیرخانه مناقصات

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۵۱-۰۶-۱۴۰۵

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد ۵۰۰ عدد برانکارد ریکاوری تولید داخل با قابلیت تنظیم ارتفاع را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ دانلود اسناد مناقصه در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از ساعت ۸ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ الی ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد.

آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۱۶/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد: دانلود از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۵۰۳۳۹۰۰۰۰۴۴ می‌باشد.

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

دبیرخانه مناقصات

بهران
www.behranoil.co

آگهی مناقصه ۲-۵-۱۴۰۵ (نوبت اول)

شرکت نفت بهران (سهامی عام) در نظر دارد "طراحی و مهندسی، تامین، ساخت، نصب و اجرای سازه فضاکار" را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیان محترم دعوت می گردد، از تاریخ ۱۴۰۵/۵/۲۶ لغایت ۱۴۰۵/۶/۱۷ از ساعت ۷:۳۰ الی ۱۵ به منظور دریافت اسناد شرکت در مناقصه به نشانی: تهران، خیابان دکتر شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، نبش کوچه شریفی، پلاک ۲، طبقه پنجم، امور قراردادها مراجعه نمایند و پیشنهادات مالی و فنی خود را به همراه نسخه مهر و امضا، شده اسناد مناقصه، پیش نویس قرارداد و مدارک پیوست حداکثر تا ساعت ۱۵ روز سه شنبه ۱۴۰۵/۶/۱۷ به نشانی فوق، طبقه همکف، واحد حراست تحویل و رسید آن را اخذ نمایند.

شرکت نفت بهران

فراخوان مزایده عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان

سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در نظردارد خدمات زیر را در قالب مزایده عمومی یک مرحله‌ای از طریق سامانه ستاد تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکاران و مزایده‌گران واجد شرایط واگذار نماید.

موضوع مزایده	شماره مزایده	مبلغ تضمین شرکت در مزایده(ریال)	زمان بازگشایی پیشنهادات	گواهی صلاحیت مورد نیاز
فروش اقلام مازاد(لوله، بست و واشر) طرح آبیاری دشت سیستان در سطح شهرستان‌های منطقه سیستان (زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز)	۰۵-۰۵	۱۶،۳۳۵،۰۰۰،۰۰۰	ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸	****

زمان، محل دریافت اسناد مزایده و تسلیم پیشنهادات: متقاضیان می‌بایست عضو سامانه ستاد تدارکات الکترونیکی دولت بوده و از مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۶ با مراجعه به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و در زمان تعیین شده در اسناد نسبت به درج قیمت پیشنهادی خویش در بستر سامانه فوق اقدام نمایند و ضمن درج تصویر ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار در بستر سامانه ستاد، اصل آن را نیز به‌شرح مندرج در شرایط مزایده و به‌صورت فیزیکی به آدرس زیر تحویل نمایند.

مهلت ارائه پیشنهادات در بستر سامانه ستاد تدارکات: مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ می‌باشد

مدت اعتبار پیشنهاد: سه ماه شمسی بعد از آخرین مهلت تحویل پیشنهادها می‌باشد

محل بازگشایی پیشنهادات و تحویل ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار: زاهدان، بلوار شهید مطهری، خیابان جهاد، ساختمان شماره ۲ سازمان جهاد کشاورزی، سالن جلسات می‌باشد و حضور نماینده پیشنهاددهندگان درصورت داشتن معرفی‌نامه بلامانع است.

شناسه: ۲۲۵۰۲۷۲-میم الف: ۴۱۸۲

دعوت به شرکت در مناقصه اخذ پیمانکار ساخت و نصب انواع استراکچر فلزی سنگین و سبک

نوبت دوم

نفت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد **اخذ پیمانکار ساخت و نصب انواع استراکچر فلزی سنگین و سبک** خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت میشود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.

- **مهلت ارسال پاکات پیشنهاد:** تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
- **نذکرات مهم:**

واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.

به پیشنهادهای مشروط فاقد امضا یا مهر مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

خلاصه تصمیمات مجمع صندوق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار چند کالایی صبا

به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۴۵۶۳۶۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ ساعت ۱۱:۰۰

کلیه دارندگان واحدهای ممتاز پس از بحث و تبادل نظر به اتفاق آرا با اصلاح بخش ۱۰ امیدنامه (تغییر روزنامه کثیرالانتشار و تارنما صندوق در بخش اطلاع‌رسانی) به‌شرح صورتجلسه صندوق (قابل دستیابی در تارنمای صندوق به آدرس https://kala.sabaamc.ir/ و سامانه کدال به نشانی http://www.codal.ir) موافقت نمودند.

آگهی مزایده

شماره مزایده ۱۴۰۵/۱۰۰۴

شرکت توسعه اکتشافات سنگ آهن مرکزی (سهامی خاص)

در نظر دارد گندله آهن شرکت سنگ آهن مرکزی ایران را از طریق مزایده عمومی و تشریفات قانونی به شرکت‌های واجد صلاحیت و با شرایط به‌شرح ذیل به‌فروش برساند.

۱.موضوع مزایده فروش گندله آهن به مقدار ۲۵ هزار تن براساس مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده

۲.مدت قرارداد: ۱ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده

۳.زمان دریافت اسناد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تا پایان وقت اداری (۱۴:۴۵) مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد (۷ روز کاری)

۴.محل دریافت اسناد: شرکت‌کنندگان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده با واریز مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۷۳۵۶۶۸۸۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه آهنشهر و ارائه فیش واریزی به آدرس: استان یزد-شهرستان بافق- خیابان ورزش-کوچه رضوان یکم و یا از طریق فضای مجازی (ایتا) به‌شماره ۰۹۱۳۳۷۳۴۷۶۳ اقدام نمایند.

۵.مهلت تسلیم پیشنهادات تا پایان وقت اداری (۱۴:۴۵) روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ می‌باشد.

۶.ضمنا جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره ۰۹۱۳۳۷۳۴۷۶۳ تماس حاصل فرمایید.

شرکت توسعه اکتشافات سنگ آهن مرکزی

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877

یادداشت

روح‌الله لک علی‌آبادی
سخنگوی فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی

خصوصی‌سازی واقعی راه‌حل استاندارد

سال‌هاست که درباره حرفه‌ای شدن فوتبال ایران صحبت می‌شود، اما تا زمانی که ساختار باشگاه‌های لیگ برتری بر پایه مدیریت دولتی و نیمه‌دولتی اداره شود، دستیابی به فوتبال حرفه‌ای بیش از آنکه یک برنامه عملی باشد، به یک شعار شباهت خواهد داشت. بدون تردید، بهترین راهکار برای اصلاح وضعیت فعلی باشگاه‌های فوتبال، خصوصی‌سازی واقعی و استاندارد آنهاست. اگر قرار است بخش خصوصی با اطمینان و انگیزه وارد عرصه ورزش شود، اولین گام حذف بوروکراسی پیچیده و دست‌وپاگیر اداری است. این بوروکراسی نه‌تنها مسیر فعالیت بخش خصوصی را در ورزش دشوار می‌کند، بلکه به مانعی جدی و حتی به پرتگاهی خطرناک برای سرمایه‌گذاران تبدیل شده است. طبیعی است که هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست سرمایه خود را در مسیری قرار دهد که آینده آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و روندهای اداری هر لحظه می‌تواند برنامه‌های اقتصادی او را با مشکل مواجه کند.
در حالی که بخش خصوصی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در ورزش، نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های ورزشی ایفا کند و حتی با ساخت ورزشگاه‌های حرفه‌ای، بار سنگینی را از دوش دولت بردارد؛ موضوعی که بویژه در شرایط خاص اقتصادی کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بوروکراسی اداری نه‌تنها زمینه را برای حضور سرمایه‌گذاران فراهم نمی‌کند، بلکه در بسیاری از موارد باعث انصراف آنها از ادامه فعالیت می‌شود. نمونه روشن این مسأله، ورزشگاه چغابهرام شهردورود لرستان است که نزدیک به ۱۰ سال است نیمه‌کاره رها شده و در چنین شرایطی، به‌جای آنکه تکمیل و به بهره‌برداری برسد، به‌تدریج دچار استهلاک شده است. البته تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ورزش، نیازمند برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه است. حتی می‌توان با تدوین الگوهایی مانند مشارکت ۸۰ به ۲۰، شرایطی را فراهم کرد که هم پروژه‌های ساخت ورزشگاه‌ها مطابق برنامه پیش بروند و هم درآمدزایی باشگاه‌ها به جریان بیفتد. نباید فراموش کرد که بخش خصوصی با هدف کسب درآمد سرمایه‌گذاری می‌کند و به همین دلیل، برای دستیابی به اهداف خود ناچار است بر اساس برنامه، اصول اقتصادی و مدیریت هدفمند حرکت کند. در مقابل، زمانی که منابع دولتی در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌گیرد، حتی در صورت محقق نشدن اهداف تعیین‌شده، نه‌تنها خبری از درآمدزایی نیست، بلکه مدیران باشگاه‌ها نیز در قبال هزینه‌های انجام‌شده پاسخگوی عملکرد خود نیستند. نتیجه چنین رویکردی، هدررفت منابع و افزایش زیان انباشته‌ای است که امروز به یکی از مهم‌ترین تهدیدهای فوتبال ایران تبدیل شده است.
بی‌شک اگر قرار است اتفاقات نامطلوب گذشته در فوتبال ایران تکرار نشود، باید میدان بیشتری در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد. حتی می‌توان با اعطای امتیازها و مشوق‌های ویژه، سرمایه‌گذاران را به ساخت زیرساخت‌های اختصاصی و استاندارد ترغیب کرد تا باشگاه‌های فوتبال ایران نیز به‌تدریج از شکل سنتی فاصله گرفته و به معنای واقعی کلمه، به باشگاه‌هایی حرفه‌ای و درآمدزا تبدیل شوند.

«ایران» هشدار وزیر ورزش درباره غفلت از خصوصی‌سازی فوتبال باشگاهی را بررسی می‌کند

مستطیل سبز در محاصره خصولتی‌ها

عکس: فدراسیون فوتبال

سینا حسینی/ گلایه صریح وزیر ورزش و جوانان از هزینه‌های سرسام‌آور باشگاه‌های فوتبال و نبود شفافیت مالی، بار دیگر یکی از مهم‌ترین معضلات فوتبال ایران را به صدر اخبار بازگرداند؛ معضلی که سال‌هاست کارشناسان، مدیران و حتی هواداران نسبت به آن هشدار می‌دهند، اما همچنان اراده‌ای جدی برای اصلاح آن مشاهده نمی‌شود. واقعیت این است که فوتبال باشگاهی ایران بیش از آن که از کمبود استعداد یا ضعف فنی آسیب ببیند، از ساختار مدیریتی و اجرای ناقص خصوصی‌سازی ضربه خورده است.
امروزه فوتبال حرفه‌ای در جهان بر پایه یک اصل ساده اداره می‌شود؛ باشگاه‌ها باید متناسب با درآمدهای خود هزینه کنند. این اصل، زیربنای اقتصاد فوتبال در کشورهای توسعه‌یافته به شمار می‌رود. باشگاه‌ها از طریق فروش بلیت، حق پخش تلویزیونی، تبلیغات محیطی، جذب اسپانسر، فروش محصولات، فعالیت‌های تجاری و ترانسفر بازیکنان درآمد کسب کرده و متناسب با منابع مالی خود، برای جذب بازیکنان و توسعه زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. در فوتبال ایران، اما این قاعده سال‌هاست که نادیده گرفته شده است. بسیاری از باشگاه‌ها بدون برخورداری از منابع درآمدی پایدار، قراردادهای نجومی منعقد می‌کنند و هر فصل برای عقب نماندن از رقبا، میزان هزینه‌های خود را به شکل تصاعدی افزایش می‌دهند. در حالی که بخش قابل‌توجهی از این باشگاه‌ها نه کاملاً دولتی هستند و نه به معنای واقعی خصوصی؛ بلکه در قالب ساختاری موسوم به «خصولتی» فعالیت می‌کنند. خصوصی‌سازی در فوتبال ایران، بیش از آنکه یک فرآیند اقتصادی باشد، به یک واگذاری صوری شباهت دارد. در چنین شرایطی، باشگاه‌ها همچنان از منابع عمومی بهره می‌برند و مدیران باشگاه‌ها نیز نگرانی چندانی درباره افزایش بدهی‌ها و زیان‌های انباشته ندارند. محصول چنین تفکری، شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب است که در آن، افزایش هزینه‌ها به یک رویه عادی تبدیل شده و هیچ سازوکار مشخصی برای کنترل منابع و مصرف بودجه وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای خصوصی‌سازی ناقص، از بین رفتن اصل رقابت عادلانه است. باشگاهی که به منابع عمومی دسترسی دارد، بدون دغدغه مالی وارد بازار نقل‌وانتقالات می‌شود و هزینه‌های سنگین و نجومی را به بدنه آسیب‌پذیر باشگاه تحمیل می‌کند. در مقابل، باشگاه‌های خصوصی که مجبورند براساس درآمدهای واقعی خود فعالیت کنند، توان رقابت را با چنین مجموعه‌هایی ندارند. این نابرابری، به‌تدریج باعث حذف سرمایه‌گذاران واقعی از فوتبال خواهد شد تا باشگاه‌های خصوصی قربانی خصولتی‌ها شوند. سرنوشت برخی باشگاه‌های خصوصی در سال‌های گذشته، سند روشنی بر این واقعیت است. باشگاه‌هایی مانند داماش گیلان، استیل‌آذین تهران، راه‌آهن، پاس همدان و نفت تهران، سیاه‌جامگان، پیام مشهد و شیرین فراز کرمانشاه هر یک در مقطعی با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی یا مدل‌های متفاوت مدیریتی فعالیت کردند، اما به دلیل مشکلات مالی، نبود درآمدهای پایدار، بدهی‌های انباشته و ناتوانی در رقابت با باشگاه‌های برخوردار از حمایت‌های غیرشفاف، یا به‌طور کامل منحل شدند یا از سطح اول فوتبال ایران کنار رفتند. این تجربه نشان می‌دهد که بدون ایجاد شرایط برابر و اصلاح ساختار اقتصادی فوتبال، حضور بخش خصوصی واقعی در این عرصه با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد.
نبود شفافیت مالی نیز یکی دیگر از چالش‌های جدی فوتبال باشگاهی ایران است. زمانی که صورت‌های مالی باشگاه‌ها به‌صورت دقیق منتشر نمی‌شود و میزان درآمدها و هزینه‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد، زمینه برای سوءمدیریت، تصمیمات غیرکارشناسی و حتی در برخی موارد، فساد فراهم می‌شود. در چنین فضایی، برخی مدیران بدون پاسخگویی درباره عملکرد مالی خود، تنها به دنبال کسب نتایج کوتاه‌مدت هستند و مسئولیتی در قبال آینده باشگاه احساس نمی‌کنند.
در کنار مشکلات مالی، بی‌توجهی به توسعه زیرساخت‌ها نیز به یکی از آسیب‌های جدی فوتبال ایران تبدیل شده است. بخش قابل‌توجهی از منابع باشگاه‌ها صرف جذب بازیکنان و مربیان می‌شود، اما سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند آکادمی‌های فوتبال، استادیوم‌های استاندارد، مراکز تمرینی و استعدادیابی در اولویت قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که باشگاه‌های موفق جهان، بخش مهمی از درآمدهای خود را صرف توسعه زیرساخت‌ها می‌کنند تا بتوانند در بلندمدت به سودآوری برسند.
ادامه این روند، تبعات جبران‌ناپذیری برای فوتبال ایران به همراه خواهد داشت. افزایش بدهی‌ها، ورشکستگی تدریجی باشگاه‌ها، فرار سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، کاهش کیفیت رقابت‌ها، گسترش بی‌انضباطی مالی و وابستگی بیشتر باشگاه‌ها به منابع عمومی، تنها بخشی از پیامدهای تداوم وضعیت کنونی است.
از سوی دیگر، ادامه این شرایط می‌تواند شکاف میان فوتبال ایران و فوتبال حرفه‌ای جهان را عمیق‌تر کند. در حالی که باشگاه‌های بزرگ دنیا به سمت خودکفایی اقتصادی حرکت می‌کنند، فوتبال ایران همچنان درگیر مشکلات ابتدایی مدیریت مالی است. بنابراین طبیعی است که چنین ساختاری در عرصه بین‌المللی نیز توان رقابت نخواهد داشت. بدون تردید، اصلاح ساختار فوتبال باشگاهی ایران بدون اجرای واقعی خصوصی‌سازی امکان‌پذیر نیست. خصوصی‌سازی زمانی معنا پیدا می‌کند که مالکیت باشگاه‌ها به بخش خصوصی واقعی واگذار و منابع درآمدی پایدار ایجاد شود،همچنین مدیران در برابر عملکرد خود پاسخگو باشند و اصل شفافیت به یک الزام غیرقابل‌انکار تبدیل شود.
فوتبال ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به یک جراحی بزرگ نیاز دارد. اگر این جراحی، همانند سال‌های گذشته به تعویق بیفتد، هزینه‌های سنگین ناشی از سوءمدیریت و خصوصی‌سازی ناقص، نه‌تنها باشگاه‌ها بلکه آینده فوتبال کشور را نیز با تهدیدی جدی مواجه خواهد کرد.

علایی‌مقدم، مدیرعامل باشگاه شمس‌آذر در گفت‌وگو با «ایران»:

خصوصی‌سازی واقعی باشگاه‌ها، بار دولت را سبک‌تر می‌کند

پریسا غفاری/ خصوصی‌سازی در فوتبال حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه اقتصادی باشگاه‌ها و کاهش وابستگی آنها به منابع عمومی است. در بسیاری از کشورهای صاحب فوتبال، باشگاه‌ها با تکیه بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، درآمدهای تجاری، حق پخش تلویزیونی، توسعه زیرساخت‌ها و فعالیت آکادمی‌ها، مسیر رشد و سودآوری را دنبال می‌کنند.

حمید علایی‌مقدم، مدیرعامل باشگاه شمس‌آذر قزوین، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به موانع خصوصی‌سازی در فوتبال ایران بر ضرورت فراهم شدن بسترهای لازم از سوی دولت تأکید کرد و گفت:«واگذاری واقعی باشگاه‌ها به بخش خصوصی می‌تواند بسیاری از مشکلات مدیریتی و اقتصادی فوتبال کشور را برطرف کند.» او درباره مزایای واگذاری باشگاه‌ها به بخش خصوصی توضیح داد:«انتقال مالکیت به بخش خصوصی مزایای مختلفی دارد؛ اول اینکه بار دولت سبک‌تر می‌شود؛ به این معنا که دولت دیگر مجبور نیست به صورت مستقیم در امور باشگاه‌ها دخالت کند و می‌تواند صرفاً نقش نظارتی و کنترلی داشته باشد. از سوی دیگر، فردی که در حوزه ورزش سرمایه‌گذاری می‌کند، باید بتواند از سرمایه‌گذاری خود درآمد کسب کند و به سود برسد.» مدیرعامل شمس‌آذر یکی از مهم‌ترین چالش‌های باشگاه‌های خصوصی را موضوع حق پخش تلویزیونی دانست و در این‌باره گفت:«یکی از مشکلات عمده باشگاه‌های خصوصی، موضوع حق پخش تلویزیونی است که بخش قابل‌توجهی از درآمد باشگاه‌های ورزشی را تشکیل می‌دهد، اما هنوز در این زمینه به جمع‌بندی نرسیده‌ایم.» علایی‌مقدم با اشاره به عملکرد شمس‌آذر در فوتبال ایران، رقابت میان باشگاه‌های خصوصی و خصولتی را نابرابر توصیف کرد و توضیح داد:«در لیگ فوتبال ایران، متأسفانه تیم‌های خصولتی هزینه‌های سرسام‌آوری انجام می‌دهند و ما به‌عنوان یک باشگاه خصوصی، با جنگی نابرابر روبه‌رو هستیم. به همین دلیل، تنها راه ما استفاده از استعدادهای جوان آکادمی و انتقال آنها برای کسب درآمد است. از نظر زیرساختی نیز با مشکلات متعددی مواجه هستیم و از این مسیر نمی‌توانیم درآمد قابل‌توجهی داشته باشیم.»
او خصوصی‌سازی را راهکاری مؤثر برای اصلاح ساختار مدیریتی باشگاه‌ها دانست:«خصوصی‌سازی علاوه بر ایجاد توازن در منابع مالی تیم‌ها و کاهش قراردادهای نجومی، می‌تواند به کاهش سوءمدیریت نیز کمک کند؛ چراکه بسیاری از باشگاه‌ها از مدیران غیرورزشی استفاده می‌کنند یا مدیرانی در رأس آنها قرار می‌گیرند که علاقه و شناخت کافی نسبت به ورزش ندارند.» مدیرعامل شمس‌آذر در پایان درباره وضعیت استقلال و پرسپولیس توضیح داد:«خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس برای هیچ سرمایه‌گذار خصوصی درآمدزا نیست؛ زیرا اولین شرط خصوصی‌سازی یک باشگاه ورزشی، تعیین‌تکلیف بدهی‌های انباشته سال‌های گذشته است. آمار و ارقام نشان می‌دهد این دو باشگاه از سال‌های گذشته بدهی‌های سنگینی بر دوش دارند و همین بدهی‌ها در عمل به مانعی جدی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تبدیل شده است.»

> خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس برای هیچ سرمایه‌گذار خصوصی درآمدزا نیست؛ زیرا اولین شرط خصوصی‌سازی یک باشگاه ورزشی، تعیین‌تکلیف بدهی‌های انباشته سال‌های گذشته است

عکس: فدراسیون فوتبال

بانک پارسیان

آگهی مناقصه

«خرید، تحویل، نصب و راه‌اندازی ۴ عدد لایسنس (Licence) یک‌ساله تجهیزات شبکه به‌همراه ۱۲ ماه گارانتی و پشتیبانی رایگان (پروژه شماره ۶۰۰۴ کارفرما)»

۱- شماره مناقصه: ۱۳۱۷۱۲ نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای
۲- نوبت: اول
۳- مناقصه‌گزار: بانک پارسیان به نشانی تهران، شهرک قدس(غرب)، بلوار شهید فرحزادی، نبش خیابان زرافشان غربی، پلاک ۴، ادارات مرکزی بانک پارسیان، طبقه سوم، مدیریت پشتیبانی، اتاق ۳۰۲، واحد کارپردازی؛
۴- موضوع مناقصه: «خرید، تحویل، نصب و راه‌اندازی ۴ عدد لایسنس (Licence) یک‌ساله تجهیزات شبکه به‌همراه ۱۲ ماه گارانتی و پشتیبانی رایگان (پروژه شماره ۶۰۰۴ کارفرما)»؛
۵- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (یک میلیارد و دویست میلیون تومان)؛
۶- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه معتبر بانکی (مطابق شرایط اعلامی در کاربرگ مناقصه) یا چک تضمین‌شده بانکی بدون قید و شرط در وجه بانک پارسیان و یا واریز نقدی به‌شماره حساب ۲۰۱-۱۲۳۴۵۶۷۸-۶۰۷ با شناسه واریز ۱۰۰۰۱۲۰۱ به‌نام بانک پارسیان بابت شرکت در مناقصه؛
۷- هزینه خرید اسناد مناقصه: ۴،۲۰۰،۰۰۰ ریال معادل چهارصد و بیست هزار تومان، واریز به‌حساب شماره ۲۰۱-۱۲۳۴۵۶۷۸-۶۰۷ بانک پارسیان با شناسه واریز ۱۰۰۰۱۲۰۱ بابت هزینه خرید اسناد مناقصه با عنوان «خرید، تحویل، نصب و راه‌اندازی ۴ عدد لایسنس (Licence) یک‌ساله تجهیزات شبکه به‌همراه ۱۲ ماه گارانتی و پشتیبانی رایگان (پروژه شماره ۶۰۰۴ کارفرما)»؛
۸- مکان، زمان (مهلت) و نحوه دریافت اسناد مناقصه: اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط که تمایل به شرکت در مناقصه دارند می‌توانند اسناد مناقصه را از ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ از مدیریت پشتیبانی مناقصه‌گزار به نشانی ذکرشده در بالا، دریافت نمایند.
۹- مکان، زمان (مهلت) و نحوه تحویل پیشنهادها: پیشنهاددهنده باید پیشنهاد خود را به‌همراه ضمائم و در پاکت‌های جداگانه به‌شرح مندرج در اسناد شرکت در مناقصه، تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۵ به‌همراه نامه به دبیرخانه ادارات مرکزی بانک پارسیان به نشانی صدرالذکر تسلیم نموده و رسید دریافت نماید.
۱۰- تطبیق موضوع اساسنامه ابزاری از سوی اشخاص حقوقی/ مجوز فعالیت ابزاری از سوی اشخاص حقیقی، با موضوع مناقصه الزامی است.

پارسیان بانک ایرانیان

آگهی مزایده عمومی
فروش ۱۵۰،۰۰۰ عدد سیلندر گاز مایع عراقی
پرسی ایران گاز

شرکت پرسی ایران گاز (سهامی عام) در نظر دارد تعداد ۱۵۰،۰۰۰ عدد سیلندر گاز مایع عراقی (به‌صورت کامل یا منفصله) را که در حال حاضر در فرآیند تولید قرار داشته و حسب برنامه تولید، تکمیل و آماده تحویل آنها به‌صورت تدریجی و متناسب با ظرفیت و برنامه تولید کارخانه انجام خواهد شد، از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.
لذا از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط و متقاضی خرید مزایده به مدت ۷ روز از تاریخ انتشار این آگهی جهت بازدید از سیلندرهای موضوع مزایده به آدرس‌های زیر مراجعه نمایند:
۱. کارخانه پرسی سیلندر، واقع در قزوین، شهرک صنعتی البرز، خیابان ابن‌سینا، حکمت پنجم.
۲. دفتر شرکت پرسی ایران گاز، واقع در تهران، خیابان سپهبد قرنی، خیابان برادران شهید شاداب، پلاک ۹، واحد بازرگانی و بازاریابی.
۳. وب‌سایت شرکت: www.persiirangas.ir
متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۹۰۰۱۴۱ داخلی ۱۱۳۱ (آقای قربانی) و یا شماره همراه ۰۹۱۸۰۰۱۶۹۰۳ (آقای رضایی، مدیر کارخانه) تماس حاصل نمایند.
توضیح: تعداد ۱۵۰،۰۰۰ عدد سیلندر موضوع مزایده، به‌صورت تدریجی و حسب ظرفیت و برنامه کارخانه، تولید و تحویل خواهد شد و زمان قطعی تکمیل و تحویل کل مقدار موضوع مزایده قابل تعیین و تعهد در زمان انتشار آگهی نمی‌باشد.
روابط عمومی شرکت پرسی ایران گاز
شناسه: ۲۲۵۱۷۸۸

شهرداری نوشهر
فراخوان عمومی شناسایی سرمایه‌گذاران و دریافت پیشنهادهای اولیه سرمایه‌گذاری
محل پروژه: مجتمع توریستی فرهنگی سیترا مطابق دستورات ناظرین شهرداری می‌باشد.

فرصت‌های سرمایه‌گذاری

۱	احداث پارکینگ طبقاتی در ملک جنب بازار روز
۲	توسعه منطقه نمونه گردشگری سیترا
۳	احداث و بهره‌برداری از کارخانه تولید محصولات بتنی در ملک جنب انبار شهرداری
۴	طراحی، اجرا و بهره‌برداری از سامانه هوشمندسازی ورودی و خروجی منطقه سیترا
۵	توسعه، تجهیز و بهره‌برداری از کشتارگاه و مجموعه بسته‌بندی محصولات پروتئینی
۶	احداث، تجهیز و بهره‌برداری از اسکله و مارینای گردشگری در منطقه کیورچال

مدارک مورد نیاز متقاضیان:
- مشخصات کامل متقاضی و اطلاعات تماس
- خوداظهاری توانایی مالی متناسب با موضوع سرمایه‌گذاری
- پیشنهاد اولیه مدل مشارکت و نحوه سرمایه‌گذاری
- معرفی اجمالی و رزومه فعالیت‌های مرتبط
- طرح، ایده یا برنامه اولیه اجرای پروژه

مهلت اعلام آمادگی و ارائه مستندات: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ الی ۱۴۰۵/۰۶/۰۵ می‌باشد.
کسب اطلاعات بیشتر:
۱- فرهاد شیخ اسلامی ۰۹۱۱۱۹۳۴۸۹۴
۲- سامان خواجوند ۰۹۳۷۱۷۹۹۵۵۳
۳- مهدی قاسمی ۰۹۱۱۸۶۴۵۷۶۶
کد پستی: ۴۶۵۱۷۶۷۵۴۴
جعفر قمی - شهردار نوشهر
شناسه: ۲۲۵۱۳۸۵

آگهی برگزاری مناقصه عمومی
صبانور
تأمین، ساخت، نصب، تست، راه‌اندازی و تحویل پروژه افزایش مسیر حرکت طولی جرثقیل سقفی ۵ تن طبقه سوم سازه TG کارخانه گندله‌سازی همدان

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد تأمین، ساخت، نصب، تست، راه‌اندازی و تحویل پروژه افزایش مسیر حرکت طولی جرثقیل سقفی ۵ تن طبقه سوم سازه TG کارخانه گندله‌سازی خود، واقع در استان همدان را به شرکت واجد شرایط واگذار نماید، لذا متقاضیان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۷۶۴۵۰۰۰ داخلی ۲۲۸۷ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان-مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه یا ورود به سامانه تأمین‌کنندگان صبانور به‌صورت دربسته مهر و موم شده، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تا ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ به آدرس سعادت آباد نرسیده به خروجی هاشمی رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق طلب غربی) پلاک ۴۹ -طبقه دوم (دبیرخانه) تحویل نمایند.
مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچ‌گونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

پایداری
ایران
• دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵
• ۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۱۷ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۹ • ۴ صفحه
Monday • 17 August 2026
IranDaily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN Tehran
irannewspaper.ir

نقشه راه تأمین پایدار کالاهای اساسی

گفت‌وگوی «ایران» با وزیر جهاد کشاورزی درباره مدیریت بحران در روزهای جنگ و خشکسالی

تأمین به‌موقع سرمایه اعتماد

یادداشتی از قاسم نوده فراهانی رئیس اتاق اصناف ایران

ایران

ویژه هفته‌دولت

پاسداران امنیت غذایی

نگاهی به عملکرد دولت در حوزه تأمین و توزیع کالای اساسی

طی یک سال گذشته، زنجیره تأمین و امنیت غذایی کشور در مواجهه با چالش‌های همزمان اقتصادی، خشکسالی، تحریم‌ها و بحران‌های نظامی با هم‌افزایی بی‌نظیر میان وزارت جهاد کشاورزی و شبکه اصناف مدیریت شد. با تغییر الگوی حکمرانی، مردمی‌سازی اقتصاد و تفویض اختیار به استان‌ها، بازار از دیوان‌سالاری سنتی عبور کرد. اقداماتی همچون پاسخگویی نامحدود به تقاضا، پر نگاه داشتن قفسه فروشگاه‌ها، روان‌سازی تشریفات گمرکی و صیانت از ذخایر استراتژیک مانع از شکل‌گیری شوک‌های پایدار شد. در نهایت، با جهش تولید داخل، خودکفایی در تولید گندم و مرغ و توسعه زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، تاب‌آوری سفره مردم در برابر سخت‌ترین فشارهای بیرونی به اثبات رسید. این پرونده نگاهی دارد به شرایط سخت تأمین کالا در ۱۴ ماه گذشته که با مدیریت وزارت جهادکشاورزی هموار شد.

نقش دولت، اصناف، تولیدکنندگان و ناوگان حمل‌ونقل در حفظ جریان کالا

وقتی بازار از حرکت نایستاد

• گزارش •

گروه اقتصادی

طی ۱۴ ماه گذشته، زنجیره تأمین کالاهای اساسی کشور با مجموعه‌ای از فشارهای همزمان روبه‌رو بود؛ از تحریم‌ها و نوسان‌های ارزی گرفته تا خشکسالی، افزایش هزینه حمل‌ونقل و دو دوره تنش نظامی. در چنین وضعی، حفظ جریان تأمین کالا فقط به معنای داشتن ذخایر در انبارها نبود. کالا باید از مبادی ورودی و مراکز تولید به کارخانه‌ها، انبارهای استانی، عمده‌فروشان و در نهایت فروشگاه‌ها می‌رسید. هر وقفه‌ای در این مسیر می‌توانست به افزایش تقاضای هیجانی و فشار بر بازار منجر شود.

آنچه در این دوره اهمیت پیدا کرد، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، تولیدکنندگان، ناوگان حمل‌ونقل و شبکه صنفی بود. وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، وزارت راه و شهرسازی، گمرک، استانداری‌ها و اتاق‌های اصناف در مقاطع مختلف، برای رصد موجودی کالا و رفع گره‌های توزیع جلسات مستمر داشتند. نتیجه این هماهنگی، جلوگیری از شکل‌گیری کمبود فراگیر در کالاهای پرمصرف بود؛ هرچند در برخی مناطق و در ساعات ابتدایی بحران، افزایش تقاضا و نوسان قیمت دیده شد.

نقش اصناف در رصد بازار

اصناف و اتحادیه‌ها در این میان فقط مجری توزیع نبودند. آنها به دلیل تماس روزانه با مصرف‌کننده و تولیدکننده، زودتر از هر مجموعه‌ای تغییر در الگوی خرید مردم یا کاهش موجودی یک کالا را مشاهده می‌کنند. این اطلاعات میدانی، بویژه در روزهای پرالتهاب، برای تصمیم‌گیری درباره افزایش سهمیه، انتقال کالا میان استان‌ها یا تشدید نظارت بر بازار اهمیت داشت. در بسیاری از شهرها، واحدهای صنفی و عمده‌فروشان در روزهای تعطیل نیز فعالیت خود را ادامه دادند. بازبودن فروشگاه‌ها و استمرار عرضه، در کنترل نگرانی عمومی مؤثر بود. تجربه بازار نشان می‌دهد زمانی که مردم مطمئن باشند کالا در دسترس است، خریدهای بیش از نیاز نیز زودتر فروکش می‌کند. به همین دلیل، یکی از سیاست‌های اصلی دستگاه‌های مسئول، حفظ موجودی فروشگاه‌ها و جلوگیری از خالی‌شدن قفسه‌ها بود.

البته این وضعیت به معنای نبود چالش نبود. در برخی مقاطع، سوءاستفاده‌های قیمتی و رفتارهای سوداگرانه گزارش شد و نیاز به حضور جدی‌تر بازرسان و اتحادیه‌ها را افزایش داد. نمونه‌هایی مانند جهش قیمت برخی اقلام پرمصرف، از جمله سیب‌زمینی، نشان داد که نظارت بر بازار باید همزمان با تأمین کالا تقویت شود. فراوانی نسبی کالا به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات بازار نیست؛ قیمت‌گذاری منصفانه و جلوگیری از احتکار نیز بخشی از همان زنجیره امنیت غذایی است.

مدیریت تقاضای ناگهانی

در اولین روزهای بحران، تقاضا برای برخی کالاهای اساسی تا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت. این افزایش، بیش از آنکه ناشی از رشد واقعی مصرف باشد، ریشه در نگرانی خانوارها و خرید برای ذخیره خانگی داشت. در چنین شرایطی، پاسخ سریع شبکه توزیع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تأخیر در رساندن کالا، می‌تواند نگرانی را تشدید کند.

وزارت جهاد کشاورزی پیش از مقاطع حساس، از جمله پایان سال و ماه رمضان، میزان تدارک برخی کالاهای پرمصرف مانند برنج، روغن، شکر و اقلام پروتئینی را افزایش داد. بر اساس گزارش‌های رسمی، در دوره جنگ ۱۲روزه بیش از ۶۱۱ هزار تن کالای اساسی شامل برنج، مرغ، گوشت، شکر، روغن و تخم‌مرغ در کشور توزیع شد. در استان تهران نیز عرضه روزانه مرغ گرم و منجمد افزایش یافت تا بازار این کالای پرمصرف با کمبود مواجه نشود.

نقطه مهم در این تجربه، بازگشت تدریجی تقاضا به الگوی عادی بود. پس از عبور از موج اولیه خرید، بسیاری از خانوارها دریافتند که زنجیره تأمین متوقف نشده و فروشگاه‌ها در حال شارژ مجدد هستند. این موضوع نشان داد اطلاع‌رسانی دقیق، حضور فعال فروشندگان و تداوم عرضه، از مؤثرترین راه‌ها برای کنترل تقاضای هیجانی است.

استان‌ها در خط مقدم

تغییر ناگهانی محل استقرار جمعیت، یکی از دشوارترین مسائل مدیریت بازار بود. بخشی از مردم در روزهای تنش از کلانشهرها به استان‌های شمالی و مسافرپذیر رفتند و این جابه‌جایی، مصرف نان، مرغ، برنج، روغن و دیگر کالاهای روزانه را در این مناطق بالا برد. مازندران با ورود حدود ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار مسافر، فشار سنگینی را بر شبکه توزیع تجربه کرد؛ با این حال گزارش معتبری از کمبود فیزیکی گسترده کالاهای اساسی در این استان منتشر نشد.

در گیلان نیز ظرفیت تولید مرغ به کمک بازار آمد و بخشی از نیاز استان و مناطق همجوار را پوشش داد. در استان‌هایی که جمعیت شناور افزایش یافته بود، شوراهای آرد و نان و کارگروه‌های تنظیم بازار امکان یافتند سهمیه‌ها را متناسب با شرایط جدید تغییر دهند. افزایش ساعت کار نانوایی‌ها و انتقال آرد یا کالا از استان‌های معین، از جمله اقداماتی بود که در سطح محلی انجام شد.

این تجربه بار دیگر نشان داد، تصمیم‌گیری صرفاً از مرکز نمی‌تواند پاسخگوی همه شرایط باشد. استان‌ها باید در چارچوب سیاست‌های ملی، اختیار کافی برای واکنش سریع داشته باشند. اطلاعات استانداری‌ها، سازمان‌های جهاد کشاورزی، فرمانداری‌ها و اصناف می‌تواند تصویری دقیق‌تر از وضعیت واقعی بازار ارائه کند.

بنادر، گمرک و حمل‌ونقل

بخش مهمی از کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی از مسیر بنادر وارد کشور می‌شود.

در اولین روزهای بحران تقاضا برای برخی کالاهای اساسی تا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت. این افزایش، بیش از آنکه ناشی از رشد واقعی مصرف باشد ریشه در نگرانی خانوارها و خرید برای ذخیره خانگی داشت. در چنین شرایطی پاسخ سریع شبکه توزیع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تأخیر در رساندن کالا می‌تواند نگرانی را تشدید کند

بنابراین سرعت تخلیه، ترخیص و حمل کالا از بنادر، مستقیماً بر وضعیت بازار و تولید اثر می‌گذارد. در دوره بحران، گمرک با افزایش شیفت‌های کاری و تسهیل تشریفات، تلاش کرد زمان توقف کالا را کاهش دهد. بر اساس اعلام وزارت اقتصاد، حدود یک میلیون تن کالای اساسی در دوره ۱۲روزه از گمرکات ترخیص شد که نسبت به دوره پیش از آن افزایش قابل‌توجهی داشت.

پس از ترخیص، مسئولیت اصلی بر دوش ناوگان حمل‌ونقل بود. کامیونداران، شرکت‌های حمل‌ونقل و پایانه‌های بار در انتقال کالا از بنادر جنوبی و انبارهای مرکزی به استان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. در جنگ ۱۲روزه، جابه‌جایی کالاهای جاده‌ای بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت و تخلیه کالاهای اساسی در بنادر نیز رشد قابل ملاحظه‌ای ثبت کرد. عملکرد بخش ریلی نیز در همین دوره ۱۵ درصد افزایش داشت.

در جنگ رمضان، انتقال کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی از بنادر با سرعت بیشتری دنبال شد. طبق آمارهای اعلام‌شده، در هفته اول این دوره بیش از یک میلیون و ۲۷۱ هزار تن کالا از بنادر به مقصد انبارهای استانی حمل شد. فعال‌سازی همزمان جاده، ریل و بنادر، مانع از فشار بیش از حد بر یک مسیر و ایجاد اختلال در زنجیره تأمین شد.

اهمیت نهاده‌های دامی و تولید داخلی

بازار مرغ، تخم‌مرغ، شیر و گوشت به تأمین منظم ذرت، جو و کنجاله سویا وابسته است. اگر نهاده‌های دامی به‌موقع در اختیار تولیدکنندگان قرار نگیرد، آثار آن پس از چند هفته در بازار محصولات پروتئینی نمایان می‌شود. به همین دلیل، حفظ موجودی نهاده‌ها در بنادر و رساندن آن به دامداری‌ها و مرغداری‌ها، از اولویت‌های مدیریت بحران بود.

بر اساس گزارش‌های بخش کشاورزی، ذخایر ذرت و کنجاله سویا در بنادر جنوبی در سطحی بیش از ۳ میلیون تن نگهداری شد. تداوم جوجه‌ریزی ماهانه در حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ میلیون قطعه نیز کمک کرد عرضه مرغ در کشور حفظ شود. فعالان صنعت طیور اعلام کرده‌اند، در روزهای بحران، روزانه بیش از ۷ هزار تن مرغ گرم در بازار توزیع شد.

در بخش نان نیز، خرید تضمینی گندم و استمرار فعالیت سیلوها و کارخانه‌های آرد اهمیت داشت. همزمانی بخشی از بحران با فصل برداشت، ضرورت پرداخت به‌موقع مطالبات کشاورزان و تسریع در خرید گندم را دوچندان کرد. امنیت غذایی پایدار، تنها با توزیع کالای موجود محقق نمی‌شود؛ تولیدکننده باید برای ادامه کار خود اطمینان داشته باشد.

• برش •

مسیر پیش‌رو

تجربه این ماه‌ها نشان داد که بازار کالاهای اساسی با همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی، توان عبور از شرایط دشوار را دارد. اما این تجربه نباید به معنای پایان کار تلقی شود. استمرار نشست‌های مشترک وزارت جهاد کشاورزی با اصناف و اتحادیه‌ها، تقویت نظارت میدانی، توسعه انبارهای منطقه‌ای، بهبود زنجیره سرد و افزایش اختیارات استان‌ها، از ضرورت‌های دوره پیش‌رو است.

دولت باید بر سیاستگذاری، تأمین زیرساخت و نظارت متمرکز باشد و از ظرفیت شبکه توزیع، تولیدکنندگان و تشکل‌های صنفی بیشتر استفاده کند. اصناف نیز با اطلاعاتی که از کف بازار در اختیار دارند، می‌توانند در تصمیم‌سازی نقش مؤثرتری ایفا کنند. ترکیب داده‌های رسمی با واقعیت‌های میدانی، راهی برای تصمیم‌های دقیق‌تر و حفظ آرامش بازار در روزهای آینده است.

ایران
Iran Daily Newspaper
دوشنبه
۲۶ مرداد ۱۴۰۵
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۹
Monday
17 August 2026
Vol 9099

گفت‌وگوی «ایران» با وزیر جهاد کشاورزی درباره مدیریت بحران در روزهای جنگ و خشکسالی

نقشه راه تأمین پایدار کالاهای اساسی

• گفت‌وگو •

جنگ، تحریم، آزادسازی ارز، خشکسالی و اختلالات لجستیکی، امنیت غذایی ایران را در ۱۴ ماه گذشته در معرض یکی از سخت‌ترین آزمون‌های چند دهه اخیر قرار داد؛ آزمونی که از تأمین نهاده‌های دامی و کشاورزی تا قیمت‌گذاری، ذخایر راهبردی و شبکه توزیع را تحت فشار گذاشته است. در این میان وزارت جهاد کشاورزی با تکیه بر تولید داخلی که پوشش دهنده ۸۵ درصد کالری و پروتئین مورد نیاز کشور است، اصلاح فرآیندهای واردات، افزایش سقف ذخایر استراتژیک و توسعه کشاورزی قراردادی، تلاش کرد بحران را پیش از رسیدن به سفره مردم، در سطح دولت مدیریت کند؛ رویکردی که به گفته وزیر، با وجود همه تنگناها از کمبود جدی در هر نقطه‌ای از کشور جلوگیری شود. در همین راستا غلامرضا نوری وزیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران به تفصیل از چگونگی تداوم تولید با وجود کمبود منابع ارزی، نقش سامانه‌هایی مانند بازارگاه در رصد توزیع، حمایت از واحدهای خسارت دیده در جنگ، برنامه‌های کاهش ضایعات، و سیاست‌های قیمت‌گذاری پس از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی سخن می‌گوید. وی همچنین از تدوین سناریوهای سه ماهه تا یک ساله برای تأمین کالاهای اساسی، همکاری بخش خصوصی در تکمیل ذخایر و چشم‌انداز تاب‌آوری بخش کشاورزی در برابر بحران‌های آتی نیز خبر داد.

مهم‌ترین اقدامات وزارت جهاد کشاورزی برای تأمین پایدار کالاهای اساسی در شرایط بحران چه بوده است؟

وزارت جهاد کشاورزی وظیفه تأمین امنیت غذایی کشور را بر عهده دارد و باید در هر شرایطی غذای مورد نیاز مردم را از نظر کمی و کیفی تأمین کند. بر همین اساس سیاست اصلی وزارتخانه اتکا به تولید داخل و فراهم کردن شرایطی است که تولیدکنندگان بتوانند با اطمینان به فعالیت خود ادامه دهند. حدود ۸۵ درصد کالری و پروتئین مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود بنابراین توجه به تولید داخلی، افزایش بهره‌وری و ارتقای عملکرد در واحد سطح اهمیت زیادی دارد. نقش وزارت جهاد کشاورزی در این زمینه بیش از هر چیز تسهیل‌گری است تا نهاده‌های مورد نیاز تولید در اختیار کشاورزان و دامداران قرار گیرد و محصولات نیز در شبکه رسمی عرضه وارد بازار شود.

برای افزایش تاب‌آوری بخش کشاورزی در برابر بحران‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟

در دو سال گذشته، با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور، توجه ویژه‌ای به واحدهای کوچک روستایی و عشایری، دامداری‌های کوچک و واحدهای زراعی شده است. سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها و مدیریت‌های جهاد کشاورزی شهرستان‌ها نیز مأموریت داشتند شرایط لازم برای استمرار تولید را فراهم کنند. خشکسالی، آزادسازی نرخ ارز، جنگ، محاصره و سایر بحران‌ها، شرایط دشواری را برای بخش کشاورزی ایجاد کرد. در این شرایط تلاش شد از تجربه بحران‌های گذشته استفاده شود تا نقاط قوت تقویت و نقاط ضعف برطرف شود و مشکلات به تولیدکننده و مصرف کننده منتقل نشود. اعلام سیاست حمایت از تولید داخلی و تأکید بر اینکه محصول تولید کننده باید با قیمتی عرضه شود که هزینه‌های تولید و سود متعارف او را پوشش دهد، باعث افزایش اعتماد تولید کنندگان شد. تولیدکنندگان نیز با وجود مشکلات موجود تولید را بدون وقفه ادامه دادند و عرق ملی و میهنی آنها در این شرایط قابل تقدیر است.

با توجه به وابستگی به واردات در برخی نهاده‌ها چگونه فرآیند تأمین مدیریت شد؟

ایران در تأمین بخشی از نهاده‌های مورد نیاز بویژه در حوزه مواد پروتئینی، لبنی، کود و سم، به واردات، وابسته است. در این زمینه برخی قوانین و دستورالعمل‌های دست و پاگیر اصلاح شد تا روند ثبت سفارش، واردات و تأمین مواد اولیه تسهیل شود. با وجود محدودیت‌های ایجاد شده در بنادر جنوبی، مشکلات حمل‌ونقل و شرایط جنگی، تلاش شد کالا به وفور تأمین و وارد شبکه توزیع شود تا تولیدکننده از نظر تأمین مواد اولیه و مصرف کننده از نظر فراوانی کالا نگرانی نداشته باشند. همکاری سایر دستگاه‌های دولت و هماهنگی میان دستگاه‌ها نیز در این زمینه نقش مهمی داشت.

مدیریت زنجیره تأمین از مزرعه تا بازار چگونه انجام شد؟

علاوه بر اقدامات انجام شده در حوزه تولید و واردات وزارتخانه متناسب با شرایط، تصمیمات اقتضایی اتخاذ کرد. برای مثال پس از آزادسازی نرخ ارز، لازم بود در حوزه قیمت‌گذاری نیز تصمیمات متناسبی اتخاذ شود؛ چراکه اصرار بر رویه‌های گذشته می‌توانست موجب گسست زنجیره تولید و عرضه شود. در حوزه قیمت‌گذاری محصولاتی مانند گندم، چغندر قند و دانه‌های روغنی تلاش شد تصمیمات با توجه به شرایط روز اتخاذ شود تا تولیدکننده احساس کند صدای او شنیده می‌شود و نسبت به ادامه تولید و عرضه محصول خود امیدوار باشد.

وضعیت ذخایر راهبردی در ابتدای کار دولت چگونه بود و چه تغییری در آن ایجاد شد؟

در آن مقطع سقف ذخایر تکلیفی پایین بود و در مورد بسیاری از کالاها نیز وضعیت مطلوبی وجود نداشت. بنابراین افزایش سقف ذخایر استراتژیک در دولت چهاردهم مطرح و تصویب شد و منابع مالی لازم نیز برای تأمین این ذخایر اختصاص یافت.

همچنین با اجرای این مصوبه تکمیل ذخایر آغاز شد تا هم عقب ماندگی گذشته جبران شود و هم برای شرایط آینده آمادگی بیشتری داشته باشیم. این اقدامات موجب شد کشور از طریق ذخایر استراتژیک تاب‌آوری چند ماهه در برابر بحران‌ها داشته باشد. در ۱۴ ماه گذشته با وجود بحران‌های مختلف تلاش شد کمترین استفاده از ذخایر صورت گیرد و جریان مستمر تأمین کالا حفظ شود. در این زمینه از ظرفیت بخش خصوصی نیز در کنار شرکت‌های دولتی استفاده شد و این همکاری توانست نیاز کشور را تأمین کند. با اصلاح دستورالعمل تأمین ذخایر استراتژیک امکان استفاده از تولید داخلی نیز فراهم شد. از سوی دیگر برای کالاهایی مانند گوشت قرمز و مرغ هم تولید داخلی و هم واردات برای تکمیل ذخایر در دستور کار قرار گرفت.

۸۵ درصد

حدود ۸۵ درصد کالری و پروتئین مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود.

اولویت بندی واردات در شرایط محدودیت ارزی چگونه بود؟

با توجه به محدودیت‌های منابع ارزی و مسائل لجستیکی، لازم بود واردات بر اساس اولویت انجام شود. اولویت اول ما تأمین نهاده‌های تولید شامل کود، سم، بذر و نهاده‌های دامی بود. در حوزه کالاهای نهایی نیز محصولاتی که بخشی از آنها از طریق واردات تأمین می‌شود در اولویت قرار گرفتند. برای نمونه در حوزه برنج بخشی از نیاز کشور وارداتی است و در مورد روغن نیز بخش عمده نیاز از طریق واردات تأمین می‌شود بنابراین، این کالاها در اولویت قرار گرفتند. سایر کالاهای غیر اساسی که واردات آنها برای تأمین نیاز کشور ضرورت داشت، در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند و با استفاده از ظرفیت تجار، منابع آنها و مجوزهای لازم، روند تأمین این کالاها دنبال شد. در مجموع سیاست اصلی این بود که ابتدا نهاده‌های مورد نیاز تولید و کالاهای اساسی تأمین شود تا تولید داخلی آسیب نبیند و نیازهای اساسی مردم نیز بدون وقفه تأمین شود.

درباره افزایش قیمت کالاهای اساسی در یک سال گذشته چه توضیحی دارید؟

افزایش قیمت تمام شده محصولات طبیعی است چراکه هزینه‌های تولید افزایش پیدا کرده است. قیمت نهاده‌های دامی، کود، سم، دستمزد، کرایه حمل‌ونقل و حقوق گمرکی و شرایط جنگ و محاصره و... همگی بر قیمت نهایی محصولات تأثیرگذار هستند. یکی از عوامل مهم افزایش قیمت‌ها، آزادسازی نرخ ارز و انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره بود. طبیعی بود که با حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و تغییر نرخ آن قیمت نهاده‌ها و محصولات افزایش پیدا کند. دولت برای جبران این افزایش قیمت، طرح کالا برگ را پیش‌بینی کرد تا بخشی از مابه‌التفاوت قیمت برای مصرف‌کننده جبران شود. در کنار این اقدامات وزارت جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌های مرتبط نظارت بر بازار را تقویت کردند تا از گران فروشی، کم فروشی و احتکار جلوگیری شود. ایجاد فراوانی کالا نیز از طریق واردات و عرضه تولید داخلی دنبال شد چراکه فراوانی کالا به ایجاد تعادل در قیمت‌ها کمک می‌کند. هدف این است که نه به تولیدکننده اجحاف شود و نه حقوق مصرف کننده نادیده گرفته شود. تولیدکننده باید هزینه تولید و سود متعارف خود را دریافت کند و در مقابل قدرت خرید مصرف‌کننده نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

برای کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی چه برنامه‌هایی دارید؟

میزان تلفات و ضایعات محصولات از مرحله تولید تا مصرف قابل توجه است و کاهش این ضایعات از ابتدای فعالیت دولت در دستور کار قرار دارد. توسعه مکانیزاسیون در واحدهای زراعی و دامی یکی از راه‌های کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری است. در کنار آن آموزش و ترویج نیز اهمیت زیادی دارد تا نهاده‌های تولید متناسب با نیاز مصرف شوند و استانداردهای لازم در مراحل مختلف تولید رعایت شود. استفاده از ماشین‌آلات و فناوری‌های جدید، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا نیز می‌تواند در کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری نقش داشته باشد. این موضوع نیازمند همکاری دستگاه‌های مختلف و تأمین زیرساخت‌های لازم است و البته بخشی از این اقدامات در جریان است.

تأثیر جنگ، تحریم، نوسانات ارزی و تغییرات اقلیمی بر بخش کشاورزی را چگونه ارزیابی می‌کنید و برای افزایش تاب‌آوری چه کرده‌اید؟

طبیعی است که این عوامل بر تولید اثر بگذارند؛ مسأله مهم این است که بتوانیم آنها را مدیریت و با کمترین تبعات از بحران عبور کنیم. برنامه‌های تأمین سه ماهه، شش ماهه، ۹ماهه و یک ساله در دستور کار قرار گرفته و برای واردات نیز سناریوهای مختلف و روش‌های جایگزین تأمین کالا، پیش‌بینی شده است. در بخش تولید داخلی نیز آثار تغییرات اقلیمی بر زیربخش‌های مختلف بررسی و راهکارهای فنی لازم مشخص شده است. گستردگی جغرافیایی ایران در عین حال که یک مزیت برای تولید و پدافند غیرعامل است، این امکان را فراهم می‌کند که متناسب با شرایط هر استان و شهرستان برنامه‌ریزی کنیم. این رویکرد بویژه در حوزه تولید داخلی سبزی و صیفی طی دو سال گذشته نتایج خوبی داشته است. یکی از محورهای اصلی برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی تقویت اقتصاد مقاومتی در سایه امنیت ملی است و برنامه‌های مربوط به این موضوع به صورت استانی و شهرستانی دنبال می‌شود.

با توجه به وابستگی زیاد صنعت دام و طیور به نهاده‌های وارداتی چگونه از تولیدکنندگان حمایت شد؟

صنعت دام و طیور به دلیل وابستگی بالای نهاده‌های تولید دام و طیور به واردات بیشترین تأثیر را از نوسانات ارزی تجربه کرد. برای جلوگیری از کاهش تولید، شرکت‌های دولتی و زنجیره‌های تولید وارد حوزه کشاورزی قراردادی شدند تا تولیدکنندگان پشتوانه‌ای برای ادامه فعالیت داشته باشند. این سیاست به خوبی جواب داد و باعث شد تولید در سطح برنامه‌ریزی شده ادامه پیدا کند. با توجه به محدودیت منابع مالی و محدودیت‌های بانکی، استفاده از روش‌های جدید تأمین مالی و پرداخت‌های اعتباری نیز در دستور کار قرار گرفت. تلاش شد منابع مالی مورد نیاز تولیدکنندگان و تجار تأمین و حلقه‌های مختلف زنجیره به یکدیگر متصل شوند. شرکت پشتیبانی امور دام نیز برای خرید مازاد تولید وارد عمل شد تا محصول روی دست تولیدکننده نماند و او متضرر نشود. این اقدام علاوه بر حمایت از تولید داخل، به تکمیل ذخایر نیز کمک کرد و در زمان نیاز عرضه کالا از محل همین ذخایر می‌تواند از جهش قیمت‌ها جلوگیری کند.

چه حمایتی برای واحدهای خسارت دیده در جنگ انجام شده و چشم‌انداز آینده امنیت غذایی را چگونه می‌بینید؟

اولاً باید یادی کنیم از ۱۱ نفر از همکاران‌مان و حدود ۸۰ نفر از کشاورزان و تولیدکنندگان و صیادان عزیزمان در دو جنگ اخیر به شهادت رسیدند و ثانیاً همه واحدهای بخش کشاورزی از شرایط جنگی تأثیر پذیرفتند اما برخی واحدها به صورت مستقیم مورد اصابت قرار گرفتند. جمع‌بندی خسارت‌ها انجام شده در کارگروه‌های مربوطه دولت نیز به تصویب رسیده است. بسته حمایتی واحدهای خسارت دیده در حال تدوین است و سازمان برنامه و بودجه کشور مسئول تهیه آن شده است. بخش کشاورزی نیز در این بسته دیده شده تا واحدهای آسیب دیده بتوانند با جبران خسارت به چرخه تولید بازگردند. درباره چشم‌انداز تأمین امنیت غذایی کشور با توکل به خداوند و با اتکا به توان تولیدکنندگان داخلی، تأمین‌کنندگان و تمامی فعالان زنجیره تأمین، تولید و عرضه کالاهای اساسی، در آینده با مشکل خاصی مواجه نخواهیم شد. در وزارت جهاد کشاورزی، تصمیم گیری‌ها متناسب با شرایط و با انعطاف لازم انجام می‌شود و برای شرایط مختلف، سناریوهای مورد نیاز پیش‌بینی شده است. هدف این است که اگر مشکلی ایجاد شد، در سطح دولت و بخش‌های مسئول مدیریت وحل و فصل شود و کمترین تبعات به جامعه تولید و مصرف منتقل شود. هیچ مرحله‌ای بدون مشکل نخواهد بود و هنر ما این است که مشکلات را به‌موقع مدیریت و حل و فصل کنیم تا تولیدکنندگان، تأمین کنندگان و مصرف کنندگان بتوانند با کمترین تبعات، روند عادی فعالیت و زندگی خود را ادامه دهند.

افزایش قیمت تمام شده محصولات طبیعی است چراکه هزینه‌های تولید افزایش پیدا کرده است. قیمت نهاده‌های دامی، کود، سم، دستمزد، کرایه حمل‌ونقل و حقوق گمرکی و شرایط جنگ و محاصره و... همگی بر قیمت نهایی محصولات تأثیرگذار هستند

• برش •

برای مدیریت توزیع عادلانه و اختلالات زنجیره تأمین چه تمهیداتی اندیشیده شد؟

در مقاطعی برخی استان‌ها چندین برابر جمعیت خود پذیرای مسافران بودند و همین مسأله تأمین کالا را با چالش مواجه می‌کرد. برای مدیریت این شرایط از ظرفیت سامانه‌های مختلف داخل و خارج وزارت جهاد کشاورزی و همچنین همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات استفاده شد تا میزان جمعیت و نیاز هر استان برآورد شود. سامانه‌هایی مانند «بازارگاه» نیز در مدیریت توزیع نقش داشتند و امکان رصد و پایش توزیع را فراهم کردند. یکی از اقدامات مهم وزارتخانه اصلاح شبکه توزیع و حرکت از شبکه‌های سنتی به شبکه‌های رسمی و قابل رصد بود تا کالاهای اساسی در مسیر مشخص و قابل کنترل توزیع شوند. همچنین اختیارات بیشتری به استانداران در حوزه تنظیم بازار داده شد تا هر استان براساس نیاز خود، موضوعات را در ستاد تنظیم بازار بررسی و نیازمندی‌هایش را اعلام کند. در مرکز نیز تأمین کالا بر اساس این اطلاعات و تصمیمات انجام شد. خوشبختانه حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور نیز در این مدت با مشکلی در تأمین کالاهای اساسی مواجه نشدیم. در زمان بحران، مشکلات مختلفی در زنجیره تأمین ایجاد می‌شود. در جنگ و حوادث دی ماه و اعتصاب رانندگان، اختلالاتی در حمل‌ونقل ایجاد شد و وزارت جهاد کشاورزی برای جلوگیری از کمبود، از ذخایر موجود در استان‌ها استفاده کرد. این تصمیم به‌موقع موجب شد نیاز تولیدکنندگان و مصرف کنندگان تأمین شود. در جریان جنگ نیز تعدادی از سردخانه‌ها و انبارهای کالا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آسیب دیدند. برای جلوگیری از اختلال در تأمین مقرر شد نیاز این مناطق از استان‌های مجاور و همچنین از مرکز تأمین تا جریان مستمر کالا حفظ شود.

تأمین به‌موقع سرمایه اعتماد

• یادداشت •

قاسم نوده فراهانی
رئیس اتاق اصناف ایران

یک سال گذشته برای اقتصاد و بازار کشور، سال آزمون‌های پیاپی بود؛ از روزهای جنگ ۱۲روزه و در ادامه جنگ ۴۰ روزه و همزمانی آن با ماه مبارک رمضان تا موج سفرهای نوروزی و افزایش ناگهانی جمعیت در برخی استان‌ها. در همه این موقعیت‌ها، یک پرسش بیش از هر چیز اهمیت داشت: آیا کالاهای ضروری مردم بموقع و به‌اندازه کافی در دسترس خواهد بود؟ تجربه این ماه‌ها نشان داد که مهم‌ترین نقطه قوت دولت و شبکه تأمین کشور، رساندن بموقع کالا به فروشگاه‌ها و حفظ آرامش در بازار بوده است. شاید در روزهای بحران، بیش از هر سیاستی، دیدن قفسه‌های پر فروشگاه‌هاست که به مردم اطمینان می‌دهد نیازی به خرید بیشتر از نیاز روزمره ندارند.

در اولین روزهای جنگ ۱۲روزه، نگرانی طبیعی مردم از شرایط پیش‌آمده، به افزایش قابل توجه خرید کالاهای اساسی منجر شد؛ به‌طوری که میزان خرید در برخی اقلام تا حدود ۳۰۰ درصد بالا رفت. در چنین وضعی، مدیریت بازار تنها به موجودی انبارهای تجاری و سردخانه‌ها محدود نمی‌شد؛ زیرا بخش مهمی از کالاها پس از خرید، وارد انبارهای خانگی می‌شد و دیگر امکان رصد آن وجود نداشت.

راه‌حل اما روشن بود: باید جریان عرضه بدون وقفه ادامه پیدا می‌کرد و قفسه‌ها خالی نمی‌ماند. وقتی مردم در فروشگاه‌ها کالا را به وفور می‌بینند، هیجان خرید فروکش می‌کند و تقاضای اضافی جای خود را به خرید عادی می‌دهد. همین اتفاق نیز افتاد؛ با پیگیری وزارت جهاد کشاورزی، اتاق اصناف و دیگر دستگاه‌های مسئول برای تأمین کالا از ذخایر و شبکه توزیع، از روز سوم بحران آرامش بیشتری به بازار بازگشت. خانوارها مطمئن شدند که کالا در دسترس است و ضرورتی برای ذخیره‌سازی بیش از نیاز وجود ندارد.

مدیریت تأمین کالا در آن روزها، فقط بر پایه گزارش‌های اداری نبود. ارتباط مستمر و ویدیویی با ۳۱ استان برقرار شد تا وضعیت بازار، موجودی فروشگاه‌ها و نیازهای هر منطقه به‌صورت لحظه‌ای بررسی شود. در بازدید معاون اول رئیس‌جمهور از اتاق اصناف ایران نیز نمایندگان اصناف استان‌ها به‌صورت برخط در ارتباط بودند و تصویری روشن از شرایط بازار در سراسر کشور ارائه کردند.

این ارتباط پس از پایان شرایط بحرانی نیز متوقف نشد و همچنان جلسات هفتگی برای رصد مسائل مربوط به تأمین مواد غذایی و بازار در استان‌ها ادامه دارد. چنین سازوکاری کمک می‌کند مشکلات پیش از آنکه به نگرانی عمومی تبدیل شوند، شناسایی و برطرف شوند. تجربه ماه‌های گذشته نشان داد که تأمین پایدار کالا، حاصل کار یک دستگاه نیست. همکاری وزارت جهاد کشاورزی به ریاست دکتر نوری، همراهی وزارت صنعت، معدن و تجارت و نقش‌آفرینی استانداری‌ها، اتاق‌های اصناف، اتحادیه‌ها، تولیدکنندگان و شبکه توزیع، یک زنجیره هماهنگ را شکل داد که توانست پاسخگوی نیاز مردم باشد.

نمونه روشن این همکاری را می‌توان در استان‌های شمالی کشور دید. در مقاطعی، گیلان و مازندران میزبان حدود ۱۱ میلیون مسافر بودند؛ جمعیتی که طبیعتاً مصرف نان، مواد غذایی و دیگر کالاهای ضروری را به‌طور چشمگیری افزایش می‌داد. با این حال، به‌دلیل پیش‌بینی‌های انجام‌شده و هماهنگی میان نهادهای محلی و ملی، روند تأمین نیازهای مسافران و ساکنان این استان‌ها بدون اختلال ادامه پیدا کرد.

اردبیل نیز تجربه‌ای مشابه داشت. این استان با جمعیت ثابت حدود ۸۰۰ هزار نفر، در ایام نوروز میزبان نزدیک به چهار میلیون مسافر بود. روشن است که پاسخگویی به نیاز غذایی چنین جمعیتی، بدون همکاری اتاق اصناف، اتاق بازرگانی، جهاد کشاورزی، اتحادیه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ممکن نبود. این تجربه‌ها ثابت کرد که زنجیره تأمین، زمانی کارآمد است که همه حلقه‌های آن در کنار هم فعال باشند. در این میان، نباید نقش تولیدکنندگان مواد غذایی را نادیده گرفت. بسیاری از واحدهای تولیدی در روزهای دشوار، با احساس مسئولیت نسبت به مردم، فعالیت خود را به‌صورت شبانه‌روزی ادامه دادند تا کالا از کارخانه و انبار، به فروشگاه و سفره خانوار برسد.

ممکن است نوسان قیمت‌ها و هزینه‌های تولید، همچنان از مسائل مهم بازار باشد و باید با دقت برای آن چاره‌اندیشی کرد؛ اما در یک سال اخیر، حفظ فراوانی کالا و جلوگیری از شکل‌گیری حس کمبود در جامعه، دستاورد مهمی بوده است. آرامش بازار، پیش از هر چیز از اطمینان مردم به استمرار عرضه کالا ناشی می‌شود.

استفاده از مدل «استان‌های معین» نیز یکی از تجربه‌های موفق این دوره بود. بر اساس این مدل، استان‌ها در زمان نیاز می‌توانند برای پشتیبانی از یکدیگر وارد عمل شوند تا اختلال احتمالی در یک منطقه، به کمبود کالا تبدیل نشود. این سازوکار، ریسک‌های زنجیره تأمین را کاهش می‌دهد و قدرت واکنش بازار را در شرایط پیش‌بینی‌نشده بالا می‌برد.

تفاوت فضای بازار در جنگ رمضان با روزهای ابتدایی جنگ ۱۲روزه نیز نشان داد که این تجربه‌ها به افزایش اعتماد عمومی کمک کرده است. زمانی که مردم از توان شبکه تأمین و توزیع مطمئن باشند، بازار نیز آرام‌تر اداره می‌شود.

تداوم این رویکرد همکاری‌محور، در کنار تلاش برای ثبات بیشتر قیمت‌ها و ارتقای کیفیت خدمات، می‌تواند بازار را بیش از گذشته در شأن مردم ایران اداره کند؛ بازاری که در آن، کالا به‌موقع به دست مردم برسد و آرامش، میهمان همیشگی قفسه‌های فروشگاه‌ها باشد.

مهم‌ترین نقطه قوت دولت و شبکه تأمین کشور، رساندن بموقع کالا به فروشگاه‌ها و حفظ آرامش در بازار بوده است. شاید در روزهای بحران، بیش از هر سیاستی، دیدن قفسه‌های پر فروشگاه‌هاست که به مردم اطمینان می‌دهد نیازی به خرید بیشتر از نیاز روزمره ندارند

ایران
Iran Daily Newspaper
دوشنبه
۲۶ مرداد ۱۴۰۵
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۹
Monday
17 August 2026
Vol 9099

بررسی عملکرد زنجیره تأمین کالاهای اساسی در مقاطع بحرانی

بازار چگونه پایدار ماند؟

کارنامه یک‌ساله وزارت جهاد کشاورزی، شبکه اصناف و دستگاه‌های اجرایی در تأمین کالاهای اساسی نشان می‌دهد که مدیریت بازار در مقاطع جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، بر سه محور اصلی استوار بوده است: افزایش ذخایر و تدارک پیش از بحران، فعال نگه‌داشتن جریان تولید و حمل‌ونقل و تقویت توزیع مویرگی در سطح استان‌ها.

مدیریت بازار کالاهای اساسی در روزهایی که کشور درگیر جنگ تحمیلی بود، صرفاً به معنای وجود کالا در انبارهای دولتی نیست. بازار زمانی پایدار می‌ماند که همه اجزای زنجیره، از تولیدکننده و واردکننده گرفته تا بندر، گمرک، ناوگان حمل‌ونقل، کارخانه‌های فرآوری، عمده‌فروشان، اصناف و خرده‌فروشان، هماهنگ و بی‌وقفه فعالیت کنند. هرگونه اختلال در یکی از این حلقه‌ها، به‌ویژه در شرایطی که جامعه با نگرانی‌های امنیتی مواجه است، می‌تواند به افزایش تقاضای ناگهانی، خریدهای خارج از الگوی مصرف و فشار بر شبکه توزیع منجر شود.

تجربه یک سال گذشته و به‌طور خاص دو مقطع جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان، نشان داد که سیاست اصلی دستگاه‌های متولی تأمین کالا، جلوگیری از شکل‌گیری کمبودهای محسوس در سطح فروشگاه‌ها و پاسخگویی سریع به تقاضای اولیه مردم بوده است. وزارت جهاد کشاورزی در گزارش‌های خود اعلام کرده که پیش از آغاز درگیری‌ها و همزمان با روزهای پایانی سال و ماه رمضان، میزان تدارک کالاهای پرمصرف از جمله برنج، روغن، شکر و اقلام پروتئینی در شبکه عرضه و انبارهای پشتیبان افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که حجم تأمین برخی اقلام در مقایسه با شرایط عادی تا دوبرابر بالا رفت.

این رویکرد از آن جهت اهمیت داشت که اولین ساعات هر بحران، معمولاً زمان شکل‌گیری تقاضای هیجانی است. در چنین شرایطی، فراوانی کالا در فروشگاه‌ها و اطمینان مردم از استمرار عرضه می‌تواند مانع تبدیل نگرانی‌های عمومی به هجوم برای خرید و اختلال در نظام توزیع شود. گزارش‌های میدانی دستگاه‌های اجرایی و تشکل‌های صنفی در این دوره نیز نشان می‌دهد که پس از افزایش اولیه تقاضا، بازار در بسیاری از مناطق به سرعت به الگوی عادی مصرف بازگشت.

تأمین بازار بدون اتکا به ذخایر راهبردی

یکی از نکات قابل توجه در گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی درباره جنگ ۱۲ روزه، تأمین نیاز روزانه بازار از مسیر تولید داخلی، واردات جاری و توزیع منظم کالا، بدون برداشت قابل توجه از ذخایر راهبردی بوده است. بر اساس اعلام این وزارتخانه، کالاهای مورد نیاز خانوارها در این دوره از جریان عادی تأمین و عرضه پوشش داده شد و ذخایر استراتژیک برای شرایط احتمالی طولانی‌تر حفظ شد.

اهمیت این موضوع در آن است که ذخایر راهبردی کشور، پشتوانه‌ای برای سناریوهای پیچیده‌تر و طولانی‌تر به شمار می‌روند. اگر بازار بتواند در روزهای اول بحران از ظرفیت تولید جاری، واردات در مسیر و کالاهای موجود در شبکه عمده‌فروشی استفاده کند، دست سیاستگذار برای مدیریت دوره‌های بعدی بازتر خواهد بود. به بیان دیگر، ذخایر راهبردی زمانی کارکرد اصلی خود را نشان می‌دهند که به‌عنوان لایه پشتیبان، نه جایگزین کامل جریان عادی تأمین، مورد استفاده قرار گیرند.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در تشریح اقدامات دولت در دوره جنگ ۱۲ روزه اعلام کرده بود که بیش از ۶۱۱ هزار تن انواع کالای اساسی شامل برنج، مرغ، گوشت قرمز، شکر، روغن و تخم‌مرغ در سراسر کشور توزیع شده است. این حجم از توزیع، در کنار استمرار فعالیت تولیدکنندگان و شبکه صنفی، بخش مهمی از نیاز بازار را پوشش داد.

در استان تهران نیز مطابق گزارش‌های ستاد تنظیم بازار و دستگاه‌های اجرایی مرتبط، روزانه بیش از یک‌هزار تن گوشت مرغ گرم و منجمد برای تأمین نیاز مصرف‌کنندگان عرضه شد. تمرکز بر عرضه مرغ، از آن جهت اهمیت داشت که مرغ یکی از اصلی‌ترین اقلام پروتئینی در سبد خانوار است و هرگونه اختلال در بازار آن می‌تواند به سرعت بر انتظارات عمومی اثر بگذارد.

اولین خط تماس با تقاضای مردم

نان از جمله کالاهایی است که در زمان بحران، حساسیت آن بیش از سایر اقلام آشکار می‌شود. افزایش جمعیت در برخی مناطق، تغییر محل اقامت خانوارها و رشد تقاضا در استان‌های مسافرپذیر، می‌تواند برنامه‌ریزی عادی تأمین آرد را با چالش روبه‌رو کند.

در این مقطع، شوراهای آرد و نان استانی و کارگروه‌های تنظیم بازار با اختیارات بیشتری فعالیت کردند. بر اساس گزارش سازمان‌های جهاد کشاورزی استانی، در مناطقی که با افزایش تقاضا مواجه بودند، سهمیه آرد افزایش یافت و نانوایی‌ها در برخی نقاط با افزایش ساعت کار، از جمله فعالیت در چند شیفت، نیاز جدید را پوشش دادند. این تصمیم‌ها به‌صورت منطقه‌ای اتخاذ شد تا منابع به سمت استان‌ها و شهرستان‌هایی هدایت شود که جمعیت شناور بیشتری را پذیرا بودند.

مدیریت نان در این دوره، نمونه‌ای از ضرورت تصمیم‌گیری نزدیک به میدان بود. سهمیه‌بندی و توزیع کالا اگر صرفاً از سطح مرکز انجام شود، ممکن است با تأخیر همراه باشد؛ اما واگذاری اختیار به استان‌ها و شهرستان‌ها، امکان پاسخ سریع‌تر به تغییرات جمعیتی را فراهم می‌کند. این تجربه، اهمیت اطلاعات میدانی اصناف، اتحادیه‌ها، فرمانداری‌ها و سازمان‌های جهاد کشاورزی را در تصمیم‌سازی اقتصادی برجسته‌تر کرده است.

۶۱۱ هزار تن

در دوره جنگ ۱۲ روزه، بیش از ۶۱۱ هزار تن کالای اساسی توزیع شد

جابه‌جایی جمعیت و تقویت مدیریت استانی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازار در دو جنگ تحمیلی اخیر، جابه‌جایی سریع جمعیت از کلانشهرها به استان‌های شمالی، مرزی و مسافرپذیر بود. این جابه‌جایی، جغرافیای مصرف را در مدت کوتاهی تغییر داد. استانی که توزیع کالا در آن برای جمعیت ثابت برنامه‌ریزی شده بود، ناگهان باید پاسخگوی جمعیتی چندبرابر می‌شد.

فشار ناشی از این وضعیت، تنها به نان محدود نبود و بازار مرغ، گوشت، برنج، روغن، آب آشامیدنی و دیگر کالاهای پرمصرف را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها در گزارش‌های خود از تشکیل کمیته‌های رصد و پایش شبانه‌روزی خبر داده‌اند؛ کمیته‌هایی که وظیفه داشتند موجودی انبارها، میزان ورودی کالا، حجم عرضه، تقاضای بازار و فعالیت واحدهای صنفی را به‌طور مستمر بررسی کنند.

در مواردی که تقاضا از ظرفیت عادی یک استان فراتر می‌رفت، از مدل پشتیبانی استانی استفاده شد؛ یعنی کالا و آرد از استان‌های معین یا انبارهای پشتیبان به مناطق دارای تقاضای بیشتر انتقال یافت. این شیوه، به‌ویژه در استان‌های گردشگرپذیر، از بروز اختلال در عرضه جلوگیری کرد.

تجربه مازندران در این زمینه قابل توجه بود. ورود حدود ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار مسافر به این استان، فشار قابل توجهی بر شبکه تأمین و توزیع وارد کرد، اما بر اساس گزارش‌های مسئولان استانی و اتاق اصناف، کمبود فیزیکی قابل اتکایی از کالاهای اساسی در سطح استان گزارش نشد. این وضعیت، محصول افزایش سهمیه، تداوم عرضه و فعالیت شبکه صنفی در روزهای تعطیل بود.

در گیلان نیز گزارش‌های دستگاه‌های اجرایی و صنفی نشان می‌دهد که در دوره تحریم‌ها و جنگ های اخیر، تأمین کالاهای اساسی استمرار داشته است. ظرفیت تولید مرغ در این استان، علاوه بر پوشش بخشی از نیاز داخلی، در تأمین بازار استان‌های همجوار نیز مؤثر بوده است.

> در مواردی که تقاضا از ظرفیت عادی یک استان فراتر می‌رفت، از مدل پشتیبانی استانی استفاده شد؛ یعنی کالا و آرد از استان‌های معین یا انبارهای پشتیبان به مناطق دارای تقاضای بیشتر انتقال یافت. این شیوه، به‌ویژه در استان‌های گردشگرپذیر، از بروز اختلال در عرضه جلوگیری کرد

درس جنگ رمضان

تجربه جنگ ۱۲ روزه، در جریان جنگ رمضان به یک الگوی عملیاتی کامل‌تر تبدیل شد. بر اساس گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی، سیاست توزیع غیرمتمرکز ذخایر و تقویت انبارهای منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت تا وابستگی استان‌ها به ارسال فوری کالا از چند مرکز اصلی کاهش یابد.

در همین چارچوب، بخشی از ذخایر گندم، برنج و روغن به استان‌های معین و انبارهای منطقه‌ای منتقل شد. هدف این بود که در صورت بروز محدودیت در خطوط مواصلاتی یا افزایش ناگهانی تقاضا در یک منطقه، استان‌ها بتوانند در زمان کوتاه‌تری نیاز خود را تأمین کنند. همچنین ذخیره‌سازی محلی کالاهای راهبردی در تمام ۳۱ استان کشور دنبال شد .

این الگو، علاوه بر افزایش سرعت واکنش، از تمرکز بیش از حد ذخایر در چند نقطه جلوگیری می‌کند. در واقع، پدافند غیرعامل در بخش غذا تنها به حفاظت از انبارها محدود نیست، بلکه به معنای پراکنده‌سازی ظرفیت نگهداری، تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین و ایجاد توان پاسخ‌گویی مستقل در استان‌ها است.

دروازه ورود کالاهای اساسی

پایداری بازار داخلی بدون عملکرد منظم بنادر، گمرکات و مبادی ورودی کالا امکان‌پذیر نیست. بخش مهمی از کالاهای اساسی و بویژه نهاده‌های دامی، روغن خام، برنج و مواد اولیه صنایع غذایی از طریق بنادر جنوبی وارد کشور می‌شود. به همین دلیل، سرعت تخلیه، ترخیص و حمل این کالاها می‌تواند مستقیماً بر بازار اثر بگذارد.

در آن دوره خاص، گمرک جمهوری اسلامی ایران با افزایش ظرفیت عملیاتی و فعالیت در چند شیفت، تلاش کرد زمان توقف کالا در مبادی ورودی را کاهش دهد. وزیر امور اقتصادی و دارایی در مقطع جنگ ۱۲ روزه اعلام کرده بود که حدود یک میلیون تن کالای اساسی از گمرکات کشور ترخیص شده است. به گفته وی، این رقم در مقایسه با ۱۲ روز پیش از جنگ، ۸۷ درصد افزایش داشت.

این افزایش ترخیص، تنها یک شاخص گمرکی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده سرعت‌بخشی به ورود کالا به چرخه مصرف و تولید است. کالاهایی که در گمرک باقی بمانند، نمی‌توانند به کارخانه، دامداری، مرغداری یا شبکه خرده‌فروشی برسند. از این‌رو، هماهنگی میان وزارت امور اقتصادی و دارایی، گمرک، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان بنادر و دستگاه‌های حمل‌ونقلی در دوره بحران اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

نهاده‌های دامی و پایداری تولید پروتئین

حفظ تولید مرغ، تخم‌مرغ، گوشت قرمز و شیر، وابستگی مستقیمی به تأمین مستمر نهاده‌های دامی دارد. ذرت، کنجاله سویا و جو، مواد اصلی خوراک دام و طیور هستند و هرگونه وقفه در ورود یا توزیع آنها می‌تواند در فاصله‌ای کوتاه، تولید پروتئین کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

شرکت پشتیبانی امور دام در گزارش‌های منتشرشده از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده است که مدیریت تأمین و تخصیص ارز نهاده‌های دامی به نحوی انجام شد که ذخایر ذرت و کنجاله سویا در بنادر جنوبی در سطحی بالاتر از سه میلیون تن حفظ شود. وجود چنین ذخیره‌ای، به تولیدکنندگان امکان می‌دهد برنامه‌ریزی تولید خود را با اطمینان بیشتری دنبال کنند.

دبیر انجمن صنفی تولیدکنندگان جوجه یک‌روزه نیز میزان جوجه‌ریزی ماهانه کشور را بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ میلیون قطعه اعلام کرده است. به گفته این تشکل، این سطح از جوجه‌ریزی، ظرفیت لازم برای تأمین نیاز داخلی به گوشت مرغ را فراهم کرده و وابستگی کشور به واردات مرغ را به حداقل رسانده است.

بر اساس اظهارات فعالان صنعت طیور، در روزهای جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان، روزانه بیش از هفت تا هشت هزار تن مرغ گرم در سراسر کشور توزیع شد. استمرار عرضه مرغ، از وارد آمدن فشار بیشتر به بازار گوشت قرمز جلوگیری کرد و به حفظ تعادل سبد پروتئینی خانوارها کمک رساند.

۱/۲۷۰ میلیون

در جنگ رمضان بیش از ۱میلیون و ۲۷۰هزار تن نهاده دامی از بنادر به انبارهای استانی منتقل شد

حلقه نهایی امنیت غذایی

اگر کالا در بندر تخلیه شود، از گمرک ترخیص شود و به انبارهای استانی برسد، اما در نهایت به ویترین فروشگاه‌ها راه پیدا نکند، زنجیره تأمین کارکرد خود را از دست می‌دهد. در این مرحله، نقش اصناف، عمده‌فروشان، بنکداران و خرده‌فروشان برجسته می‌شود.

شبکه صنفی کشور نیز در آن دوره، با وجود افزایش مراجعه مردم و فشار بر واحدهای فروش، فعالیت خود را ادامه داد. گزارش‌های اتاق‌های اصناف نشان می‌دهد که بسیاری از واحدهای توزیعی حتی در روزهای تعطیل نیز فعال بودند تا عرضه کالاهای پرمصرف متوقف نشود. این استمرار فعالیت، نقش مهمی در حفظ آرامش بازار و جلوگیری از احساس کمبود داشت.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی اعلام کرده است که در دوره مورد بررسی، ۱۵۰ هزار تن برنج، ۲۰۰ هزار تن روغن خام برای تحویل به کارخانه‌های تصفیه و ۱۵۰ هزار تن شکر آماده مصرف در شبکه اصناف و صنایع توزیع یا تخصیص یافته است. این آمار نشان می‌دهد بخش خصوصی و شبکه صنفی، تنها مصرف‌کننده تصمیم‌های دولتی نبوده‌اند، بلکه در انتقال کالا از انبارها و مراکز عمده‌فروشی به سطح بازار، نقشی عملیاتی برعهده داشته‌اند.

در این میان، نظارت بر بازار نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. سازمان تعزیرات حکومتی، بازرسان دستگاه‌های اجرایی و اتاق‌های اصناف، با تمرکز بر مقابله با احتکار، گران‌فروشی و عرضه خارج از شبکه، تلاش کردند زمینه سوءاستفاده‌های احتمالی را کاهش دهند. با وجود اینکه نوسانات قیمتی برخی کالاها پیش از بحران نیز وجود داشت، تشدید نظارت میدانی در دوره‌های پرتقاضا توانست از گسترش رفتارهای سوداگرانه جلوگیری کند .

کالابرگ الکترونیکی و مدیریت قدرت خرید

در کنار سیاست‌های عرضه‌محور، ابزارهای حمایتی برای حفظ قدرت خرید خانوارها نیز در مدیریت بازار اثرگذار بودند. اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی با تمرکز بر ۱۱ قلم کالای اساسی، تلاشی برای هدایت تقاضا به سمت کالاهای پایه و حمایت از مصرف خانوارها بود.

بر اساس گزارش‌های سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها و بانک مرکزی، تخصیص اعتبار کالابرگ و فرآیند تأمین مالی آن در دوره بحران استمرار داشت. اهمیت این موضوع در آن است که در شرایط افزایش انتظارات تورمی، اگر قدرت خرید دهک‌های پایین تضعیف شود، فشار اجتماعی و اقتصادی بر بازار افزایش می‌یابد. تداوم اعتبار کالابرگ، به خانوارها امکان داد بخشی از نیازهای ضروری خود را از مسیر مشخص و با ثبات بیشتری تأمین کنند.

کالابرگ، در عین حال می‌تواند به شفاف‌ترشدن تقاضا و برنامه‌ریزی بهتر شبکه توزیع نیز کمک کند؛ زیرا اطلاعات حاصل از مصرف کالاهای مشمول، تصویری دقیق‌تر از تغییرات تقاضا در مناطق مختلف در اختیار سیاست‌گذار قرار می‌دهد. پیوند این داده‌ها با اطلاعات میدانی اصناف و اتحادیه‌ها، می‌تواند تصمیم‌گیری درباره تخصیص کالا و سهمیه‌های استانی را سریع‌تر و دقیق‌تر کند.

پشتوانه امنیت نان

همزمانی بحران با فصل برداشت گندم، آزمون دیگری برای مدیریت کشاورزی کشور بود. خرید تضمینی گندم، تنها یک سیاست حمایتی برای کشاورز نیست؛ بلکه بخش مهمی از امنیت غذایی کشور و تأمین پایدار آرد نانوایی‌ها را تشکیل می دهد .

به‌طور مثال رئیس سازمان جهاد کشاورزی فارس اعلام کرده در این استان بیش از ۴۵۰ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده است. استمرار فرآیند خرید تضمینی و پرداخت مطالبات، در حفظ انگیزه کشاورزان برای ادامه تولید نقش دارد و از سوی دیگر امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای تأمین گندم و آرد کشور را فراهم می‌کند.

خودکفایی در گندم، علاوه بر کاهش نیاز به واردات و صرفه‌جویی ارزی، به کشور امکان می‌دهد در دوره‌های بحران با اطمینان بیشتری برای تأمین نان برنامه‌ریزی کند. البته حفظ این مزیت، وابسته به پرداخت به‌موقع مطالبات گندمکاران، تأمین نهاده‌های تولید، مدیریت آب و حمایت از بهره‌وری در بخش کشاورزی است.

حفظ بازارهای منطقه‌ای

مدیریت بازار داخلی در یک سال گذشته، به معنای توقف کامل صادرات محصولات کشاورزی و غذایی نبوده است. بر اساس گزارش‌های بخش کشاورزی و تشکل‌های تولیدی، صادرات برخی محصولات به بازارهای همسایه از جمله عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس و حوزه اوراسیا ادامه داشته است.

حفظ بازارهای صادراتی در شرایطی که کشور با فشارهای تحریمی و تنش‌های منطقه‌ای روبه‌رو است، از دو جهت اهمیت دارد: اول اینکه صادرات، بخشی از ارز مورد نیاز زنجیره تولید را تأمین می‌کند و دوم اینکه بازگشت به بازارهای منطقه‌ای پس از توقف صادرات، معمولاً دشوار و پرهزینه است. به همین دلیل توازن میان تأمین بازار داخلی و ایفای تعهدات صادراتی، نیازمند مدیریت دقیق تولید و ذخایر است.

تاب‌آوری، حاصل همکاری زنجیره‌ای

کارنامه یک ساله مدیریت کالاهای اساسی نشان می‌دهد تاب‌آوری بازار، محصول تصمیم یک دستگاه یا عملکرد یک وزارتخانه نیست. وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت، راه و شهرسازی، امور اقتصادی و دارایی، گمرک، سازمان بنادر، سازمان راهداری، استانداری‌ها، تشکل‌های تولیدی، اتاق‌های اصناف و شبکه توزیع، هر یک بخشی از این زنجیره را برعهده دارند.

افزایش ذخایر پیش از بحران، توزیع بیش از ۶۱۱ هزار تن کالای اساسی در دوره ۱۲ روزه، ترخیص حدود یک میلیون تن کالا از گمرکات، انتقال بیش از یک میلیون و ۲۷۱ هزار تن کالای اساسی و نهاده دامی در هفته اول جنگ رمضان، حفظ ذخایر سه میلیون تنی نهاده‌های دامی در بنادر و استمرار تولید مرغ، شیر، نان و سایر کالاهای پرمصرف، بخش‌هایی از این تجربه را نشان می‌دهد.

درس اصلی این دوره آن است که بازار در شرایط بحران، بیش از آنکه با دستور اداره شود، به هماهنگی، اطلاعات دقیق و حضور فعال بازیگران میدان نیاز دارد. ترکیب داده‌های آماری دستگاه‌های دولتی با اطلاعات میدانی اصناف و اتحادیه‌ها، تفویض اختیار بیشتر به استان‌ها، تقویت انبارهای منطقه‌ای، توسعه زنجیره سرد، بهبود ظرفیت حمل‌ونقل چندوجهی و حمایت از تولیدکنندگان، می‌تواند این تجربه را به الگویی پایدارتر برای حفظ امنیت غذایی کشور تبدیل کند.

• برش •

پیوند بنادر با سفره مردم

پس از ترخیص کالا، مرحله تعیین‌کننده بعدی انتقال سریع آن از بنادر و انبارهای مرکزی به مراکز تولید و استان‌های مقصد است. کامیون‌داران و ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای در این مرحله، نقشی کلیدی در جلوگیری از شکل‌گیری شکاف میان موجودی بنادر و نیاز بازار دارند. وزیر راه و شهرسازی در گزارش خود از عملکرد حمل‌ونقل در جنگ رمضان اعلام کرده است که ترخیص و حمل کالاهای اساسی از بنادر، نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ۲۰ درصد رشد داشته است. همچنین بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی دستگاه‌های حمل‌ونقلی، در هفته اول جنگ رمضان بیش از یک میلیون و ۲۷۱ هزار تن کالای اساسی و نهاده دامی از بنادر به انبارهای مقصد استانی منتقل شد. در جنگ ۱۲ روزه نیز، طبق آمار اعلام‌شده از سوی بخش حمل‌ونقل، جابه‌جایی کالا در بخش جاده‌ای بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت و تخلیه کالاهای اساسی در بنادر نزدیک به ۶۰ درصد رشد کرد. عملکرد بخش ریلی نیز در همان دوره، رشد ۱۵ درصدی را ثبت کرد. این آمارها نشان می‌دهد که استفاده هم‌زمان از جاده، ریل و بنادر، مانع از آن شد که فشار بر یک شیوه حمل‌ونقل به اختلال در زنجیره تأمین تبدیل شود. شبکه جاده‌ای کشور با حدود ۴۰ هزار کیلومتر کریدور اصلی، مسئول جابه‌جایی بیش از ۷۰ درصد بار و مسافر کشور است. بر اساس آمار سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، در سال ۱۴۰۴ بیش از ۶۰۶ میلیون تن کالا در جاده‌های کشور جابه‌جا شده که نسبت به سال قبل افزایش داشته است. در چنین ساختاری، فعال‌ماندن ناوگان جاده‌ای در دوره بحران، یکی از اصلی‌ترین تضمین‌ها برای تداوم تأمین بازار محسوب می‌شود.

• برش •

صنایع غذایی؛ تداوم تولید در پشت صحنه بازار

صنایع غذایی حلقه واسط میان کشاورزی، واردات و بازار مصرف هستند. روغن خام باید در کارخانه تصفیه شود، شیر خام باید به لبنیات تبدیل شود و مواد اولیه مختلف باید در خطوط تولید قرار گیرند تا کالا به دست مصرف‌کننده برسد. از این رو، فعال ماندن کارخانه‌ها در دوره بحران، تأثیر مستقیمی بر پایداری عرضه دارد.

انجمن صنایع روغن نباتی و تشکل های صنایع لبنی در گزارش‌های خود اعلام کرده‌اند با ورود به‌موقع مواد اولیه از بنادر، بسیاری از کارخانه‌ها توانستند فعالیت خود را با افزایش شیفت کاری ادامه دهند. این روند، بویژه در بازار روغن، لبنیات و محصولات پرمصرف، مانع از ایجاد وقفه در عرضه شد. بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی تشکل‌های صنایع غذایی، تولید در بخش شکر و محصولات لبنی نسبت به سال گذشته حدود پنج درصد رشد داشته است. در بخش شیر خام نیز رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران ایران اعلام کرده تولید شیر کشور در سال ۱۴۰۴ به ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن رسیده است. به گفته او، ایران از نظر حجم تولید شیر در رتبه ۱۹ جهان قرار دارد و محصولات لبنی خود را به ۳۹ کشور صادر می‌کند.

تداوم صادرات محصولات لبنی در کنار تأمین بازار داخلی، نشان می‌دهد بخشی از صنایع غذایی کشور به سطحی از ظرفیت تولید رسیده‌اند که می‌توانند هم نیاز داخلی را پوشش دهند و هم بازارهای منطقه‌ای خود را حفظ کنند. البته استمرار این ظرفیت به تأمین نهاده‌های دامی، ثبات تولید شیر خام، دسترسی به بازارهای صادراتی و رفع موانع نقل و انتقال مالی وابسته است.

تدبیر ایران
پرونده تأمین کالاهای اساسی
ایران
Iran Daily Newspaper
دوشنبه
۲۶ مرداد ۱۴۰۵
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۹
Monday
17 August 2026
Vol 9099

•نگاه•

گیلان؛ بی‌کمبود در بحران

علیرضا تهیدست
رئیس اتاق اصناف مرکز گیلان

اتفاقات یک سال گذشته، از فشارهای ناشی از تحریم‌های بیرونی تا شرایط ویژه‌ای که کشور با آن مواجه شد، بار دیگر اهمیت مدیریت میدانی بازار و نقش شبکه گسترده اصناف را آشکار کرد. روشن است که اگر کشور از چنین شبکه مویرگی و فراگیری برخوردار نبود، امکان داشت فشارهای اقتصادی و روانی، تلاطم‌های سنگین‌تری را ابتدا برای اصناف و سپس برای مردم ایجاد کند.

اما تجربه ایران در سال‌های گذشته، از جمله در دوران کرونا، نشان داده است که اصناف فقط بخشی از اقتصاد کشور نیستند؛ آنها شبکه‌ای زنده، گسترده و در تماس مستقیم با مردم‌اند که در بزنگاه‌ها می‌توانند در کنار دولت، نقش مؤثری در حفظ آرامش بازار ایفا کنند. همان شبکه‌ای که در دوران کرونا در مدیریت التهاب‌ها و تأمین نیازهای مردم کارآمدی خود را نشان داد، در شرایط اخیر نیز بار دیگر به یاری دولت آمد.

اصناف، اتحادیه‌ها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و کسبه در کنار مجموعه‌های دولتی توانستند با برنامه‌ریزی مشترک، آثار تحریم‌ها و فشارهای ناشی از شرایط ویژه کشور را تا حد امکان کاهش دهند. نتیجه این همکاری، حفظ جریان تأمین و توزیع کالا و جلوگیری از ایجاد اختلال در زندگی روزمره مردم بود. اهمیت شبکه اصناف در روزهای سخت، تنها به توزیع کالا محدود نمی‌شود. این شبکه به دلیل حضور در همه شهرها، شهرستان‌ها و حتی نقاط کوچک‌تر، اولین مجموعه‌ای است که تغییرات بازار، افزایش تقاضا و نیازهای فوری مردم را احساس می‌کند. به همین دلیل، ارتباط مستمر دولت با اصناف و استفاده از اطلاعات میدانی آنها، می‌تواند سرعت و دقت تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهد.

در شرایطی که تحریم‌ها و تحولات بیرونی می‌توانند بر هزینه‌های تولید، تأمین و توزیع اثر بگذارند، همراهی اصناف با دولت نقشی تعیین‌کننده دارد. این همراهی سبب می‌شود برنامه‌ریزی برای تأمین کالا، توزیع مناسب و پاسخ سریع به نیازهای احتمالی مردم، با واقع‌بینی بیشتری انجام شود.

واقعیت این است که حفظ آرامش بازار، حاصل فعالیت یک دستگاه یا نهاد خاص نیست؛ بلکه محصول یک زنجیره هماهنگ از دولت، دستگاه‌های اجرایی، تولیدکنندگان، شبکه حمل‌ونقل، عمده‌فروشان، خرده‌فروشان، اتاق‌های اصناف، اتحادیه‌ها و البته همراهی مردم است. هرچه این زنجیره منسجم‌تر عمل کند، تاب‌آوری اقتصاد و بازار کشور نیز افزایش می‌یابد.

یکی از موضوعات مهم اقتصادی در یک سال گذشته، تغییر در سیاست ارز ترجیحی و حذف آن بود. طبیعی است که چنین تغییری می‌تواند بر قیمت تمام‌شده برخی کالاها اثرگذار باشد و نیازمند مدیریت دقیق در مسیر اجراست. با این حال، نگاه حاکم بر این سیاست، حرکت به سمت اقتصادی رقابتی‌تر و ایجاد فضایی شفاف‌تر برای فعالیت تولیدکنندگان و فعالان بازار بوده است. حذف ارز ترجیحی، از نگاه بسیاری از فعالان اقتصادی، اقدامی مؤثر برای تقویت فضای رقابتی در کشور به شمار می‌رود. رقابتی شدن اقتصاد، در صورت استمرار سیاستگذاری دقیق و نظارت مناسب، می‌تواند به بهبود سازوکار تأمین کالا، شفافیت بیشتر و پایداری عرضه در بازار کمک کند.

البته شرایط خاصی که پس از اجرای این سیاست برای کشور رقم خورد، از جمله فشارهای بیرونی و تحولات ناشی از وضعیت جنگی، اجازه نداد همه آثار و اهداف این سیاست به‌سرعت و به‌طور کامل نمایان شود. اما آنچه در میدان دیده شد، تداوم تأمین کالا و حفظ جریان عرضه در بسیاری از استان‌ها بود؛ اتفاقی که نشان می‌دهد زیرساخت‌های تولید و توزیع کشور، با وجود همه دشواری‌ها، توان پاسخگویی مناسبی داشته‌اند.

گیلان در دوره جنگ و در شرایطی که با ورود شمار زیادی از مسافران روبه‌رو بود، یکی از نمونه‌های قابل‌توجه مدیریت بازار و تأمین کالاهای اساسی به شمار می‌رود. افزایش جمعیت حاضر در استان، به‌طور طبیعی فشار بیشتری بر زنجیره تأمین و شبکه توزیع وارد می‌کرد، اما با وجود این شرایط، گیلان با کمبود کالاهای اساسی مواجه نشد.

این موفقیت، نتیجه برنامه‌ریزی پیش‌دستانه و فعالیت کارگروه‌های تنظیم بازار در استان بود. کارگروه‌های تنظیم بازار در هر استان، با شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای محلی، به‌صورت مستقل برنامه‌ریزی می‌کنند تا در زمان افزایش تقاضا، ورود مسافران یا شرایط پیش‌بینی‌نشده، بازار بتواند پاسخ مناسبی به نیاز مردم بدهد.

در گیلان نیز برای ورود مسافران و افزایش مصرف، تدابیر لازم در نظر گرفته شد تا روند تهیه و توزیع کالاهای اساسی بدون وقفه ادامه یابد. این برنامه‌ریزی نشان داد که واگذاری اختیارات اجرایی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در استان‌ها، می‌تواند در شرایط ویژه به مدیریت سریع‌تر و دقیق‌تر بازار کمک کند.

یکی از ظرفیت‌های مهم گیلان در حوزه تأمین کالاهای اساسی، توان تولید و تأمین مرغ است. این استان در شمار تولیدکنندگان اصلی مرغ کشور قرار دارد و جایگاه دوم یا سوم تأمین این محصول در کشور، ظرفیت مهمی برای پشتیبانی از بازار داخلی و استان‌های همجوار ایجاد کرده است.

همین توان تولیدی سبب شد گیلان نه‌تنها نیاز بازار خود را تأمین کند، بلکه بتواند به تعهدات خود در قبال استان‌های همجوار نیز پاسخ دهد. در روزهایی که افزایش تقاضا می‌توانست بازار بسیاری از نقاط کشور را تحت فشار قرار دهد، ظرفیت تولید مرغ گیلان به کمک زنجیره تأمین آمد و از شکل‌گیری کمبود جلوگیری کرد.

در این زمینه، عملکرد مجموعه جهاد کشاورزی استان، منطقی و قابل اتکا بود. مدیریت مناسب تأمین، رصد مستمر وضعیت عرضه و هماهنگی با تولیدکنندگان و شبکه توزیع، موجب شد این کالای پرمصرف با ثبات مناسب در دسترس مردم قرار گیرد. این تجربه نشان می‌دهد که تقویت تولید محلی و اتصال آن به شبکه توزیع، یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ امنیت غذایی در شرایط خاص است.

در کنار تأمین مناسب کالا، نظارت مستمر بر بازار نیز نقش مهمی در کاهش تخلفات و حفظ حقوق مردم داشت. در این مدت، گشت‌های مشترک دستگاه‌های نظارتی و همچنین گشت‌های خودداری اتاق اصناف و بازرسی‌های صنفی، به‌صورت پیوسته در بازار حضور داشتند.

این نظارت‌ها فقط با هدف برخورد با تخلف نبود، بلکه به ایجاد نظم، افزایش شفافیت، پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و تقویت اعتماد عمومی کمک کرد. حضور میدانی بازرسان اتاق اصناف و همکاری آنها با دستگاه‌های مسئول، سبب شد تخلفات به حداقل برسد و فعالان اقتصادی نیز با اطمینان بیشتری به فعالیت خود ادامه دهند.

تجربه گیلان در روزهای سخت، بار دیگر ثابت کرد که بازار زمانی آرام می‌ماند که تأمین به‌موقع، تولید کافی، توزیع منظم، نظارت هوشمند و همراهی اصناف در کنار یکدیگر قرار بگیرند. اصناف در این مسیر، نه فقط مجری توزیع کالا، بلکه بازوی مؤثر دولت برای حفظ ثبات، آرامش و اطمینان در بازار هستند.

> گیلان در دوره جنگ و در شرایطی که با ورود شمار زیادی از مسافران روبه‌رو بود، یکی از نمونه‌های قابل‌توجه مدیریت بازار و تأمین کالاهای اساسی به شمار می‌رود. افزایش جمعیت حاضر در استان، به‌طور طبیعی فشار بیشتری بر زنجیره تأمین و شبکه توزیع وارد می‌کرد، اما با وجود این شرایط، گیلان با کمبود کالاهای اساسی مواجه نشد

•درنگ•

روایت مدیریت بازار در بحبوحه جنگ؛ درس‌هایی از مازندران

تورج ایمانی
رئیس اتاق اصناف مرکز استان مازندران

مازندران در ایام جنگ‌های تحمیلی اخیر، تجربه‌ای متفاوت و در عین حال آموزنده را پشت سر گذاشت؛ تجربه‌ای که فقط به تهدیدهای خارجی و نگرانی‌های ناشی از حملات موشکی محدود نبود، بلکه همزمان با موجی از عملیات رسانه‌ای، روایت‌سازی‌های جهت‌دار و تلاش برای القای ناامنی در بازار نیز گره خورده بود. در آن روزها، برخی رسانه‌های خارجی با تولید و انتشار گسترده اخبار و تحلیل‌های هدفمند، چنین وانمود می‌کردند که دولت و وزارت جهاد کشاورزی در تأمین نیازهای مردم با مشکل مواجه شده‌اند و بازار کالاهای اساسی در آستانه کمبود قرار دارد؛ اما آنچه در میدان و در واقعیت بازار مازندران دیده شد، تصویری متفاوت از این روایت‌ها بود. با وجود ورود حدود ۱۷.۵ میلیون مسافر به استان؛ رقمی که به تنهایی می‌توانست فشار قابل‌توجهی بر شبکه تأمین، توزیع و فروش کالا وارد کند، هیچ گزارش معتبر و فراگیری از کمبود فیزیکی کالاهای اساسی ثبت نشد. ۱۱ قلم کالای ضروری مورد نیاز مردم نیز در شبکه توزیع استان موجود بود و جریان عرضه با وجود افزایش ناگهانی تقاضا متوقف نشد.

این اتفاق از آن جهت اهمیت دارد که مازندران در چنین شرایطی، فقط پاسخگوی نیاز جمعیت ثابت خود نبود؛ بلکه باید نیاز میلیون‌ها مسافر و خانواده‌هایی را نیز تأمین می‌کرد که در فضای نگرانی و ابهام، به این استان سفر کرده بودند. حفظ جریان عرضه در چنین وضعیتی، نشانه‌ای از ظرفیت قابل اتکای زنجیره تأمین کشور، همراهی تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، اصناف و نظارت مستمر دستگاه‌های مسئول بود.

در روزهای اول، فضای روانی ناشی از اخبار جنگ و روایت‌های رسانه‌ای، بسیاری از شهروندان را به خرید بیش از نیاز روزانه و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در خانه‌ها سوق داد. این رفتار، اگرچه ریشه در نگرانی طبیعی مردم داشت، اما در عمل به افزایش تقاضای کاذب در بازار منجر می‌شد؛ تقاضایی که گاه تصویری نادرست از وضعیت موجودی کالا ایجاد می‌کرد.

با این حال، دولت و وزارت جهاد کشاورزی با درک حساسیت شرایط، تدابیر ویژه‌ای را برای حفظ ثبات بازار در نظر گرفتند. جلسات مستمر مدیریت شرایط که در ادبیات اجرایی از آن با عنوان جلسات «جنگی» یاد می‌شد، به صورت پیوسته برگزار می‌شد و مسائل بازار با سرعت و حساسیت ویژه‌ای مورد بررسی قرار می‌گرفت. پیگیری‌ها به اندازه‌ای جدی بود که حتی تا ساعت ۱۱:۳۰ شب، گزارش‌ها و مسائل از شهرهای کوچک استان به مرکز مازندران و سپس به صورت فوری به وزارتخانه منتقل می‌شد تا برای رفع آن تصمیم‌گیری شود.

این ارتباط سریع و چندلایه میان شهرستان‌ها، مرکز استان و دستگاه‌های ملی، اجازه نداد شکافی در زنجیره تأمین و توزیع کالاهای اساسی شکل گیرد. اگر در مقاطعی نگرانی یا التهاب روانی در بازار دیده می‌شد، ریشه اصلی آن را باید در خریدهای هیجانی و افزایش ناگهانی تقاضا جست‌وجو کرد، نه در نبود کالا یا ضعف در تأمین نیازهای مردم.

بزرگ‌ترین چالش بازار مازندران در آن مقطع، کمبود واقعی کالا نبود؛ بلکه رفتار سوداگرانه معدودی از افراد بود که تلاش کردند از فضای نگرانی ناشی از جنگ سوءاستفاده کنند. نمونه روشن این مسأله، نوسان ناگهانی قیمت سیب‌زمینی بود؛ کالایی که قیمت آن در فاصله‌ای کوتاه و در بازه‌ای حدود ۲۴ ساعته، از ۳۵ هزار تومان به ۱۸۰ هزار تومان رسید.

چنین جهشی را نمی‌توان به کمبود کالا یا قصور دستگاه‌های مسئول نسبت داد. آنچه رخ داد، بیشتر نتیجه رفتار منفعت‌طلبانه برخی عوامل در میدان‌های بار بود؛ افرادی که با خرید انحصاری محصولات و ایجاد اختلال در مسیر طبیعی عرضه، تلاش می‌کردند فضای بازار را ملتهب نشان دهند. این رفتارها نه با منطق اقتصادی سازگار است و نه با اخلاق حرفه‌ای و سنت اصیل بازار ایرانی.

در برابر این وضعیت، اتاق اصناف بر تقویت نظارت‌های میدانی و احیای منش اخلاقی بازار تأکید کرد. تکیه بر تذکر لسانی، مسئولیت‌پذیری بازاریان باوجدان و همراهی کسبه‌ای که منافع مردم را بر سود کوتاه‌مدت ترجیح می‌دهند، در کنار بازرسی‌های مشترک و پیگیری دستگاه‌های نظارتی، به‌عنوان راهکاری برای کنترل این ناهنجاری‌ها در دستور کار قرار گرفت.

واقعیت آن است که بازار فقط با بخشنامه و برخورد اداری اداره نمی‌شود. بازار به اخلاق، اعتماد و احساس مسئولیت جمعی نیز نیاز دارد. بازاری که در آن فروشنده، توزیع‌کننده، عمده‌فروش و تولیدکننده خود را شریک آرامش جامعه بداند، در شرایط سخت نیز می‌تواند از مردم و اقتصاد کشور پشتیبانی کند. نوسانات قیمتی آن روزها در شرایطی رخ داد که کشور پیش از جنگ نیز با تورم و نوسان در زنجیره تأمین روبه‌رو بود. از سوی دیگر، تفاوت میان قیمت کالاهایی که اصناف پیش‌تر خریداری کرده بودند با قیمت خریدهای جدید، چالش‌هایی را در نظام قیمت‌گذاری ایجاد می‌کرد. اصناف نیز در این میان باید هم هزینه‌های واقعی خود را در نظر می‌گرفتند و هم مراقب بودند فشار مضاعفی به مردم وارد نشود.

پیشنهاد اتاق اصناف در تمام این مدت، تنظیم قیمت‌ها بر پایه انصاف، منطق بازار و پرهیز از تحمیل هزینه‌های غیرضروری به مردم بود. این نگاه، بویژه در روزهایی که نگرانی عمومی افزایش یافته بود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. حفظ اعتماد مردم به بازار، مهم‌ترین سرمایه‌ای بود که باید از آن مراقبت می‌شد. در این میان، وزارت جهاد کشاورزی با اختصاص سهمیه مکفی کالاهای اساسی، نقش مهمی در حفظ ثبات بازار ایفا کرد. تأمین به‌موقع کالا و پشتیبانی از شبکه توزیع، ستون اصلی آرامش بازار در مازندران بود. اگر این همراهی میان دولت، وزارت جهاد کشاورزی، اتاق‌های اصناف، اتحادیه‌ها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مردم شکل نمی‌گرفت، تأمین نیاز غذایی جمعیت میلیونی مسافران در استانی مانند مازندران بسیار دشوار می‌شد. مازندران در آن مقطع نشان داد زنجیره تأمین، تنها مجموعه‌ای از انبارها، کامیون‌ها و فروشگاه‌ها نیست؛ بلکه شبکه‌ای از انسان‌ها، اعتمادها، مسئولیت‌ها و همکاری‌هاست. هر حلقه از این زنجیره، از تأمین‌کننده و عمده‌فروش گرفته تا خرده‌فروش و مصرف‌کننده، در حفظ آرامش بازار نقشی تعیین‌کننده دارد.

مرور تجربه مازندران در آن برهه حساس، نشان می‌دهد موفقیت در عبور از روزهای سخت تنها حاصل تدابیر دولتی نیست؛ همدلی اجتماعی و همراهی مردم نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. مسئولان برای جلوگیری از کمبود کالا، حتی در ساعت‌هایی که نگرانی ناشی از اصابت موشک‌ها و انتشار اخبار متناقض، فضای بازار را تحت‌تأثیر قرار می‌داد، با جدیت در میدان حضور داشتند و روند تأمین و توزیع را پیگیری می‌کردند.

البته ممکن است نقدهایی درباره روند نظارت‌ها یا ضرورت برخورد قاطع‌تر با معدود افراد سودجو وجود داشته باشد؛ نقدهایی که می‌تواند به تقویت سازوکارهای آینده کمک کند؛ اما در مجموع، تجربه مازندران نشان داد با مدیریت سریع، تأمین مناسب کالا، حضور میدانی اصناف، نظارت دقیق و اعتماد متقابل میان مردم و مسئولان، می‌توان از تبدیل نگرانی‌های مقطعی به بحران واقعی جلوگیری کرد. درس بزرگ این تجربه برای آینده روشن است: هرگاه زنجیره تأمین در کنار نظارت هوشمند، اقدام سریع و اخلاق بازاری قرار گیرد، بازار می‌تواند حتی در دشوارترین شرایط نیز پایدار بماند. مازندران در روزهای جنگ تحمیلی اخیر، با وجود فشار ناشی از حضور میلیون‌ها مسافر و موج سنگین عملیات روانی، نشان داد امنیت غذایی و آرامش بازار بیش از هر چیز محصول همکاری، مسئولیت‌پذیری و همدلی ملی است.

> مازندران در روزهای جنگ تحمیلی اخیر، با وجود فشار ناشی از حضور میلیون‌ها مسافر و موج سنگین عملیات روانی، نشان داد امنیت غذایی و آرامش بازار بیش از هر چیز محصول همکاری، مسئولیت‌پذیری و همدلی ملی است

اصناف؛ نبض زنده بازار

•یادداشت•

حمیدرضا رستگار
رئیس اتاق اصناف تهران

در روزهایی که اقتصاد کشور به‌طور همزمان زیر فشار تحریم‌های سخت، وضعیت جنگی و تنش‌های اقتصادی قرار گرفته است، پرسش از کارآمدی ساختارهای سنتی مدیریتی بیش از گذشته جدی شده است. شرایط ویژه امروز، ضرورت بازنگری در شیوه اداره اقتصاد و بازار را دوچندان می‌کند؛ چراکه در موقعیت‌های بحرانی، سرعت تصمیم‌گیری، شناخت دقیق میدان و توان واکنش به‌موقع، تعیین‌کننده است. اگر دولت در چنین شرایطی، بیش از آنکه درگیر اجرای مستقیم و جزئیات امور باشد، نقش سیاستگذار، هدایتگر و ناظر را ایفا کند و اجرای امور را به شبکه زنده، گسترده و منتخب مردم یعنی اصناف، اتحادیه‌ها، بخش خصوصی و تشکل‌های مردمی بسپارد، می‌تواند ظرفیت کشور را برای پیشگیری از بحران‌های احتمالی و مدیریت بهتر شرایط افزایش دهد.

کشور در حالی با ظالمانه‌ترین تحریم‌ها و وضعیت جنگی دست‌وپنجه نرم می‌کند که ضرورت تغییر رویکرد در مدیریت اقتصادی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در این میان، طرح مردمی شدن اقتصاد که از سوی رئیس‌جمهوری و دولت دنبال می‌شود، می‌تواند مسیر تازه‌ای برای عبور از چالش‌ها باز کند؛ مسیری که در آن، مردم و فعالان واقعی اقتصاد فقط مخاطب تصمیم‌ها نیستند، بلکه در اجرای امور و مدیریت بازار نیز نقش مؤثر و مستقیم دارند.

این رویکرد مستلزم آن است که بخش وسیعی از مسئولیت‌هایی که اکنون بر دوش دولت قرار دارد، به بخش خصوصی، مردم، اصناف و تشکل‌های مردمی واگذار شود تا دولت بتواند بر وظیفه اصلی خود، یعنی سیاستگذاری، نظارت و هدایت تمرکز کند. دولت در این الگو همچنان مسئول حفظ چارچوب‌ها، تنظیم‌گری، نظارت بر اجرای قوانین و حمایت از منافع عمومی است، اما اجرای امور را به مجموعه‌هایی واگذار می‌کند که هم تجربه عملی دارند و هم به‌صورت روزانه با واقعیت‌های اقتصاد و بازار در ارتباط هستند. قرار گرفتن دولت در برابر تحریم‌های سنگین و وضعیت جنگی، ایجاب می‌کند که دیدگاه ریاست‌جمهوری درباره مردمی شدن اقتصاد هرچه سریع‌تر به مرحله اجرا برسد. دستورهای صادرشده از سوی مقامات ارشد اجرایی مبنی بر واگذاری بخشی از امور به بخش خصوصی و مردم، گام‌های مثبتی در این مسیر به شمار می‌رود؛ اما اهمیت اصلی در آن است که این نگاه به صورت کامل، منسجم و عملیاتی دنبال شود.

با اجرای کامل این طرح، بخش بزرگی از مسئولیت‌ها از دایره محدود دستگاه‌های دولتی خارج شده و به دست تشکل‌ها و مجموعه‌های منتخب مردم می‌افتد. در چنین ساختاری، دولت به جای آنکه توان خود را صرف درگیری با جزئیات اجرایی کند، بر مدیریت کلان، سیاستگذاری، نظارت بر روندها و اصلاح مسیرها متمرکز خواهد شد. این تغییر نگاه، هم سرعت عمل را افزایش می‌دهد و هم زمینه استفاده از ظرفیت‌های گسترده مردمی و بخش خصوصی را فراهم می‌سازد.

مردمی‌سازی اقتصاد، به معنای کاهش مسئولیت دولت نیست؛ بلکه به معنای دقیق‌تر شدن نقش دولت است. دولت باید در جایگاه تنظیم‌گر و ناظر مقتدر قرار گیرد و از سوی دیگر، زمینه اعتماد، مشارکت و نقش‌آفرینی بخش‌های مردمی اقتصاد را فراهم کند. هر اندازه این تقسیم کار روشن‌تر باشد، اقتصاد کشور در برابر فشارها و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده، انعطاف‌پذیرتر و آماده‌تر خواهد بود.

در کنار واگذاری امور به مردم و بخش خصوصی، افزایش اختیار استان‌ها و استانداری‌ها نیز برای مدیریت سناریوهای پیش‌بینی‌نشده آینده، یک راهبرد ضروری است. تمرکز کامل تصمیم‌گیری در مرکز، در شرایطی که سرعت واکنش اهمیت بالایی دارد، ممکن است روند مدیریت مسائل را کند کند. در حالی که هر استان، شرایط، ظرفیت‌ها، نیازها، الگوی مصرف و ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارد. تقسیم کار میان مرکز و استان‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیری سریع‌تر و مدیریت منعطف‌تر مسائل در شرایط بحرانی کمک کند. مرکز باید چارچوب‌های اصلی، سیاست‌های کلان، منابع و نظارت را در اختیار داشته باشد و استان‌ها نیز بتوانند متناسب با واقعیت‌های میدانی خود، از ظرفیت‌های محلی برای حل مسائل استفاده کنند. استانداری‌ها در صورت برخورداری از اختیارات لازم، می‌توانند با اتکا به اصناف، اتحادیه‌ها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مجموعه‌های مردمی، سریع‌تر به نیازهای بازار پاسخ دهند. این شیوه، علاوه بر افزایش سرعت تصمیم‌گیری، به کاهش فاصله میان سیاستگذار و واقعیت‌های روزمره بازار کمک می‌کند و امکان مدیریت دقیق‌تر شرایط را در هر منطقه فراهم می‌سازد.

در این میان، جایگاه اتاق اصناف به عنوان بزرگ‌ترین تشکل اقتصادی کشور نباید نادیده گرفته شود. اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف، تشکل‌های منتخب مردم هستند که اعضای آنها از سوی خود مردم و فعالان صنفی انتخاب شده‌اند. این مجموعه‌ها به دلیل ارتباط مستمر با بازار، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، از ظرفیت ویژه‌ای برای مدیریت بهتر امور اقتصادی برخوردارند. اگر بتوان در چارچوب قانون از این نهادها حمایت کرد و به آنها اعتماد داشت، مدیریت بازار می‌تواند با کارآمدی بیشتری پیش برود. اصناف تنها مجموعه‌هایی برای پیگیری مسائل محدود صنفی نیستند؛ بلکه شبکه‌ای فراگیر از فعالان اقتصادی‌اند که در سراسر کشور حضور دارند و می‌توانند در تأمین، توزیع، نظارت و آرامش بازار نقش‌آفرین باشند.

ممکن است در مسیر تقویت این نهادها، بحث تعارض منافع مطرح شود، اما واقعیت آن است که ظرفیت‌های این مجموعه‌ها برای مدیریت امور اقتصادی کشور، بسیار فراتر از بحث‌های محدود صنفی است. راه درست، کنار گذاشتن این ظرفیت‌ها نیست؛ بلکه ایجاد سازوکارهای شفاف، قانونی و نظارتی است تا هم از توان اصناف استفاده شود و هم منافع عمومی در اولویت باقی بماند.

اصناف و کسب‌وکارها اولین مجموعه‌هایی هستند که تغییرات عرضه و تقاضا، نیازهای جدید مصرف‌کننده و کوچک‌ترین نشانه‌های کمبود یا اختلال در بازار را حس می‌کنند. شبکه توزیعی و خدماتی اصناف، شبکه‌ای دارای برنامه، تجربه و خواسته‌های مردمی است که مستقیماً با تولیدکننده و مصرف‌کننده در ارتباط قرار دارد. اطلاعات میدانی این شبکه، می‌تواند یکی از ارزشمندترین ابزارها برای تصمیم‌گیری دقیق در حوزه تأمین و توزیع کالاهای اساسی باشد.

در حوزه تأمین کالاهای اساسی، وزارت جهاد کشاورزی در دوران جنگ و تنش‌های اقتصادی تمام‌قد در میدان حضور داشته است. عملکرد این وزارتخانه در مدیریت شرایط و جلوگیری از بروز کمبودهای خاص در بازار، قابل ارزیابی است. با این حال، برای عبور مطمئن‌تر از وضعیت فعلی و تسلط کامل بر شرایط، باید مسیر قانونی و همکاری با جامعه اصناف و اتحادیه‌ها با جدیت بیشتری دنبال شود.

یکی از چالش‌های موجود، ناهماهنگی در برخی اقدامات است؛ به‌گونه‌ای که گاه مشاهده می‌شود وزارت جهاد کشاورزی اقداماتی را خارج از شبکه اصناف انجام می‌دهد. در حالی که مسیر درست برای اجرای بسیاری از امور، از میان کسب‌وکارها و فعالانی می‌گذرد که به‌طور مستقیم در بازار حضور دارند و از جزئیات عرضه، توزیع و تقاضا اطلاع دارند.

به همین دلیل، لازم است تعاملات، جلسات و پیگیری‌های دوجانبه میان اصناف و وزارت جهاد کشاورزی افزایش یابد تا از تداخل وظایف و ناهماهنگی‌ها جلوگیری شود. همکاری نزدیک‌تر میان این دو بخش، نه‌تنها به شفافیت بیشتر در بازار کمک می‌کند، بلکه موجب می‌شود تصمیم‌ها با آگاهی بیشتر از واقعیت‌های میدان اتخاذ شوند.

برای دستیابی به پایداری در زنجیره تأمین، تعامل میان وزارت جهاد کشاورزی و اصناف نباید صرفاً به زمان بحران محدود شود. این ارتباط باید به صورت مستمر و سازمان‌یافته، از طریق نشست‌های منظم، تبادل اطلاعات و استفاده از گزارش‌های میدانی اصناف شکل بگیرد. ارتباط دائمی با بازار، به سیاستگذار اجازه می‌دهد پیش از آنکه یک مسأله به چالش تبدیل شود، نشانه‌های آن را شناسایی و برای آن تدبیر کند.

اگر تصمیمات مربوط به بازار بدون حضور نمایندگان اصناف اتخاذ شود، بخشی از واقعیت‌های بازار از دید سیاستگذار پنهان خواهد ماند. آمارها و گزارش‌های رسمی، برای تصمیم‌گیری ضروری هستند؛ اما در کنار آن، داده‌های زنده و اطلاعات میدانی نیز اهمیت فراوانی دارد. ترکیب ابزارهای سیاستگذاری و داده‌های آماری وزارت جهاد کشاورزی با اطلاعات لحظه‌ای و میدانی اصناف، می‌تواند دقت تصمیم‌گیری‌ها را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

تجربه روزهای اوج تنش نیز نشان داد که شبکه تأمین و توزیع اصناف، حتی در روزهای تعطیل، با جدیت پای کار بود تا از بروز هرگونه اختلال در روند عرضه کالا جلوگیری کند. این شبکه گسترده، هم توان برنامه‌ریزی دارد و هم از اهلیت و تجربه لازم برخوردار است. استفاده درست از ظرفیت آن، می‌تواند بخش بزرگی از مسائل و نگرانی‌های مردم را برطرف سازد.

در نهایت، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، استان‌ها و تشکل‌های صنفی در کنار حفظ نظارت دولت، راهی مؤثر برای واکنش سریع در برابر بحران‌ها و حفظ امنیت غذایی پایدار است. اقتصاد مردمی، زمانی به نتیجه می‌رسد که دولت به مردم و تشکل‌های آنان اعتماد کند، اصناف در جایگاه واقعی خود قرار بگیرند و تصمیم‌های بازار با تکیه بر واقعیت‌های میدان گرفته شود. این مسیر، نه‌تنها راه عبور از روزهای سخت است، بلکه می‌تواند پایه‌ای مطمئن‌تر برای اقتصاد مقاوم، بازار آرام و امنیت غذایی پایدار کشور باشد.

> مدیریت بازار می‌تواند با کارآمدی بیشتری پیش برود. اصناف تنها مجموعه‌هایی برای پیگیری مسائل محدود صنفی نیستند؛ بلکه شبکه‌ای فراگیر از فعالان اقتصادی‌اند که در سراسر کشور حضور دارند و می‌توانند در تأمین، توزیع، نظارت و آرامش بازار نقش‌آفرین باشند

گزارش «ایران» از سخنرانی سروش دباغ در دانشگاه شهید بهشتی

«معنای زندگی» از امور رازآلود هستی است

سه مؤلفه زندگی معنادار از نظر ویتگنشتاین

فلسفه تحلیلی

حمیدرضا حبیبی
گروه اندیشه

مرکز علم و الهیات پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، شنبه ۲۴ مرداد ماه میزبان نشستی باعنوان «مرزبان زبان و جهان: نسبت زبان، معنا و زندگی در فلسفه ویتگنشتاین متقدم و متأخر» بود که دکتر سروش دباغ، دکترای فلسفه تحلیلی از دانشگاه واریک انگلستان، به‌صورت برخط سخنران این نشست بود. دباغ در این جلسه، بحث خود را عمدتاً بر ویتگنشتاین متقدم و بویژه «رساله منطقی ـ فلسفی» او متمرکز کرد و توضیح داد که چگونه مسأله «معنا» در فلسفه ویتگنشتاین از یک سو به نظریه معناداری و نسبت زبان و جهان مربوط می‌شود و از سوی دیگر، در سطحی متفاوت، به مسأله «معنای زندگی» و تجربه اگزیستانسیل انسان راه می‌برد.

نقطه عزیمت بحث سروش دباغ، مقدمه «رساله منطقی ـ فلسفی» ویتگنشتاین بود؛ متنی کوتاه که به تعبیر او «لبّ‌لباب پروژه فلسفی ویتگنشتاین» را در خود جای داده است. ویتگنشتاین در این مقدمه می‌نویسد: «آنچه اساساً می‌توان گفت، می‌توان به روشنی گفت؛ و از آنچه نمی‌توان درباره‌اش سخن گفت، باید گذشت.» به روایت دباغ، این عبارت نشان‌دهنده پروژه اصلی ویتگنشتاین متقدم است: جایی که او مرزهای اندیشه، مهم‌تر از آن، مرزهای بیان اندیشه را تبیین می‌کند. در نظریه تصویری معنا، گزاره زمانی معنادار است که بتواند یک وضعیت امور ممکن را در جهان تصویر کند. برای مثال، گزاره «کتاب روی میز است» به وضعیتی ممکن در جهان اشاره دارد؛ می‌توان تصور کرد که کتاب روی میز باشد یا نباشد و برهمین اساس گزاره صادق یا کاذب شود. از این منظر، صدق و کذب فرع بر معناداری‌اند. بنابراین، هر جمله درست‌ساخت از نظر دستوری الزاماً معنادار نیست؛ ممکن است جمله‌ای از لحاظ نحوی صحیح باشد، اما نتواند هیچ وضعیت امور ممکنی را تصویر کند.

دباغ این تحول را یکی از نقاط عطف فلسفه زبان دانست: ویتگنشتاین نه فقط درباره حدود اندیشه، بلکه درباره حدود «بیان اندیشه» پرسش می‌کند. به این معنا، فلسفه رساله ویتگنشتاین نوعی «مرزبانی زبان» است.

امور رازآلودی که نمی‌توان از آنها سخن گفت

به تعبیر دباغ، اخلاق، زیبایی‌شناسی، عرفان و برخی مسائل فلسفی را نمی‌توان به همان معنایی که گزاره‌های علوم تجربی وضعیت‌های امور ممکن را تصویر می‌کنند، صورت‌بندی کرد. این امر ما را به تمایز مهم ویتگنشتاین میان «گفتنی» و «نشان‌دادنی» می‌رساند. برای نمونه، گزاره «تنبیه کودکان بد است» را نمی‌توان به رابطه‌ای میان اشیای جهان فروکاست و «بد بودن» را همچون رابطه میان کتاب و میز در فضای منطقی تصویر کرد. ارزش اخلاقی، جزئی از تمامیت امور واقع نیست. بنابراین، این قبیل گزاره‌ها از سنخ گزاره‌های مصور و معنادار به معنای دقیق نظریه تصویری معنا نیستند. اما نتیجه این نیست که اخلاق یا معنای زندگی بی‌اهمیت‌اند. برعکس، آنها از جنس اموری‌اند که «خود را نشان می‌دهند»، نه اینکه بتوان آنها را به‌تمامی «گفت». از همین جا دباغ به مسأله «معنای زندگی» رسید.

> پرسش‌هایی مانند معنای نهایی هستی، الزاماً پاسخ نظری و فیصله‌بخش ندارند. بنابراین، به جای تلاش برای حل نهایی معمای هستی، باید خود زندگی را جدی گرفت و آن را زیست. ویتگنشتاین می‌گوید چیزهایی وجود دارند که نمی‌توان آنها را در قالب کلمات درآورد؛ آنها خود را می‌نمایانند و جزو امور «رازآلود» هستی هستند

معنای زندگی؛ مسأله یا راز؟

ویتگنشتاین در بخش‌های پایانی رساله‌اش می‌نویسد که حتی اگر به همه پرسش‌های ممکن پاسخ داده شود، «مسائل زندگی کاملاً دست‌نخورده باقی می‌ماند». سپس می‌گوید راه‌حل مسأله زندگی را می‌توان در محو شدن این مسأله دید و می‌پرسد آیا همین امر دلیل آن نیست که کسانی که پس از شکی طولانی، معنای زندگی برایشان آشکار شده، نتوانسته‌اند بگویند این معنا چیست.

دباغ در این بخش، بر تعبیر «آشکار شدن» تأکید کرد. معنای زندگی برای انسان ممکن است «آشکار شود، اما گفته نشود». در فقره دیگری از «رساله» نیز ویتگنشتاین می‌گوید چیزهایی وجود دارند که نمی‌توان آنها را در قالب کلمات درآورد؛ آنها خود را می‌نمایانند و «امر رازآلود» را تشکیل می‌دهند.

برای توضیح این مسأله، دباغ از تمایز گابریل مارسل میان «مسأله» و «راز» استفاده کرد. مسأله، هرقدر هم دشوار، اصولاً حل‌شدنی است؛ اما راز چیزی نیست که انسان بتواند از بیرون در برابر آن بایستد و آن را حل کند. انسان خود درون راز قرار دارد. براین اساس، معنای زندگی را نمی‌توان مسأله‌ای دانست که پاسخ نهایی و نظری داشته باشد؛ معنای زندگی در زیست‌جهان انسان به «راز» نزدیک‌تر است تا «مسأله». دباغ در اینجا میان ویتگنشتاین و سهراب سپهری نیز پیوند برقرار کرد و شعر سهراب را یادآور این تلقی دانست: «کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ/ کار ما شاید این است/ که در افسون گل سرخ شناور باشیم.»

سه مؤلفه زندگی معنادار

دباغ در ادامه، بر اساس مباحث پایانی رساله ویتگنشتاین، سه مؤلفه را برای معنای زندگی برجسته کرد:

نخست، «زندگی در حال»؛ ویتگنشتاین در رساله خود میان ابدیت و زمان نامحدود تمایز می‌گذارد و می‌گوید اگر ابدیت را بی‌زمانی بدانیم، زندگی ابدی متعلق به کسانی است که در حال زندگی می‌کنند. از این منظر، زندگی ابدی الزاماً به معنای امتداد زمانی زندگی پس از مرگ نیست، بلکه می‌تواند نحوه‌ای از زیستن در اکنون باشد؛ زیستنی فارغ از وابستگی به ترس از آینده و اضطراب مرگ.

دوم، «زندگی درونی»؛ یعنی رهایی نسبی از وابستگی بنیادین به جهان بیرون و توانایی زیستن از سرچشمه‌ای درونی. دباغ برای توضیح این مؤلفه به نظریه آبراهام مازلو اشاره کرد که فرد پس از عبور از نیازهای اولیه و رسیدن به مرحله خودشکوفایی، امکان تجربه عمیق‌تری از زندگی درونی پیدا می‌کند؛ غرقگی در هنر، نوشتن، باغبانی یا هر فعالیت خلاقانه دیگری می‌تواند از مظاهر این وضعیت باشد.

سوم، «زندگی بی‌پرسش»؛ این تعبیر به معنای بی‌اعتنایی به پرسش‌های فلسفی نیست، بلکه ناظر به این دریافت است که پرسش‌هایی مانند معنای نهایی هستی، الزاماً پاسخ نظری و فیصله‌بخش ندارند. بنابراین، به جای تلاش برای حل نهایی معمای هستی، باید خود زندگی را جدی گرفت و آن را زیست.

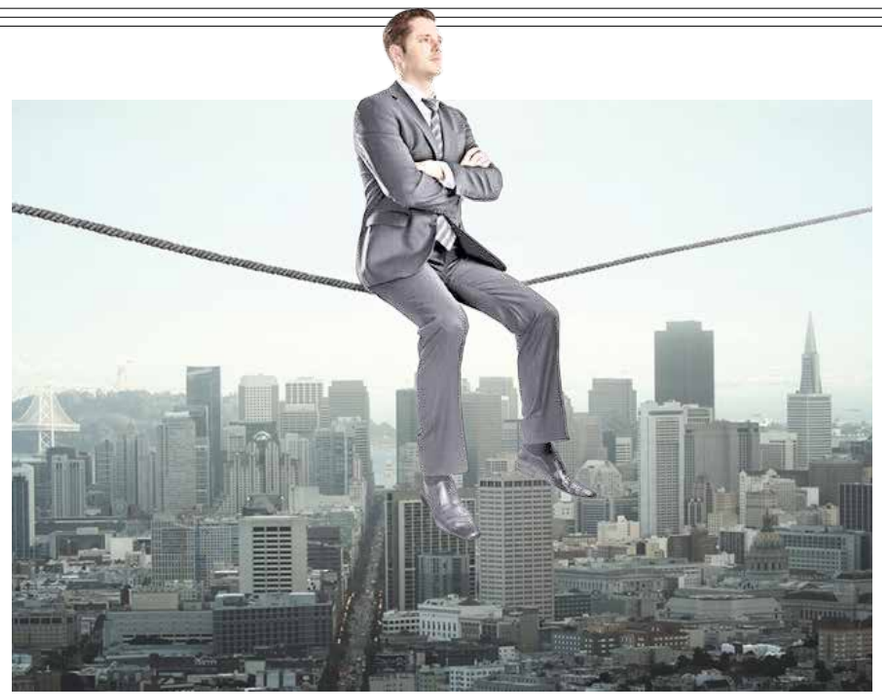

زندگی؛ امری برای زیستن نه سخن گفتن

برش

شاید بتوان حاصل خوانش دباغ از ویتگنشتاین متقدم را در یک جمله خلاصه کرد: «معنای زندگی بیش از آنکه چیزی برای گفتن باشد، چیزی برای زیستن است.» معنای زندگی نه یک گزاره نهایی درباره جهان، بلکه نحوه‌ای از بودن در جهان است؛ در اکنون زیستن، از وابستگی افراطی به بیرون رستن و پذیرفتن اینکه برخی از بنیادی‌ترین امور زندگی را نمی‌توان به مسأله‌ای تبدیل کرد که برایش پاسخ نهایی بیابیم.

مقولاتی از مقالات شمس [فرهنگ اشافی]

تارهای موی سپید

موهایم حسابی بلند شده است. زمان رجوع ماهی یک‌بار بشود چهل روز، کلافه می‌شوم، آن‌هم در این فصل گرما. از آینه به جناب سلمانی نگاه می‌کنم، با سرعت قیچی می‌زند در عین حال چشمش هم به تلویزیون است که در حال پخش یک سریال خارجی است؛ گاهی هم با مشتریان گپ و گفت کوتاهی انجام می‌دهد. شمس می‌گوید: «یکی مزینی را گفت که تارهای موی سپید از محاسنم برچین. مزین نظر کرد، موی سپید بسیار دید. ریشش ببرید به یک‌بار به مقراض و به دست او داد. گفت که تو بگزین که من کار دارم.»

شرح ماجرا چیست؟ شخصی پیش آرایشگری رفته است و چون قصد تجدید فراش دارد، از جناب آرایشگر می‌خواهد ریش‌های سپیدش را از سیاه جدا کند.

آرایشگرها معمولاً برای انجام خدمات اضافه پول‌های ویژه می‌گیرند. امروزه همه می‌دانند که خدمات طراحی مدل مو، ترمیم موهای کم‌پشت و گریم داماد هزینه‌ای چندین برابر اصلاح معمولی دارد و حتماً این داماد اشاره شده، بدون پرداخت هزینه اضافه انتظار خدماتی داشت که سه برابر زمان عادی، وقت باید برای آن صرف شود و اصلاً با نرخ مصوب قابل پرداخت نیست. خلاصه اینکه جناب مستطاب اصلاح‌گر، همه را از بیخ و بن برید و در مقابلش ریخت و گفت خودت زحمت جدایی موهای سپید و سیاه را بکش که من خیلی کار دارم.

حال، این حکایت برای امروز ما چه دارد؟ کارهایی که برای آن، زمان زیادی صرف می‌شود و چیزی هم دست ما را نمی‌گیرد کدام‌اند؟! بسیاری از آموخته‌های ما از این نوع نیستند؟! از نوع «علم غیرنافع.» دانستن چیزهایی که به ما مربوط نیستند و ممکن است زمان زیادی هم برای فراگرفتن آنها نیاز باشد، اما مطلقاً به سلوک ما ربطی ندارند.

شعر مولانا را ذکر کنم که در ادامه ماجرای مزین، به حکایت مهم دیگری هم وصل شده است: [آن یکی مرد دو موآمد شتاب/ پیش یک آیینه‌دار مستطاب/ گفت از ریشم سپیدی کن جدا/ که عروس نو گزیدم ای فتی/ ریش او ببرید و کل پیشش نهاد/ گفت تو بگزین مرا کاری فتاد/ این سؤال و آن جوابست آن گزین/ که سر اینها ندارد درد دین/ آن یکی زد سیلی‌ای مر زید را/ حمله کرد او هم برای کید را/ گفت سیلی‌زن سؤالت می‌کنم/ پس جوابم گوی وانگه می‌زنم/ بر قفای تو زدم آمد طراق/ یک سؤالی دارم اینجا در وفاق/ این طراق از دست من بودست یا/ از قفاگاه تو ای فخر کیا/ گفت از درد، این فراغت نیستم/ که درین فکر و تفکر بیستم/ تو که بی‌دردی همی اندیش این/ نیست صاحب‌درد را این فکر هین]

ایران‌زمین

تداوم خشکسالی، سفره‌های آب‌های زیرزمینی را خالی کرده است

سمنان تشنه‌تر از همیشه

شرح عکس: نظام سنتی تقسیم آب در منطقه آب‌پخش سمنان بیش از یکهزار سال قدمت دارد

گزارش

گروه ایران زمین

بحران آب در استان سمنان دیگر صرفاً به کمبود بارندگی یا افت سطح چاه‌ها محدود نمی‌شود؛ اکنون نشانه‌های فرسایش خاموش سرزمین نیز آشکار شده است. از یک سو مرکز استان با کسری ۳۵۰ لیتر بر ثانیه آب شرب روبه‌رو است و از سوی دیگر افت بی‌سابقه سفره‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، شناسایی ده‌ها چاه غیرمجاز و هشدار درباره «مرگ آبخوان‌ها»، تصویری نگران‌کننده از آینده یکی از خشک‌ترین استان‌های کشور ترسیم می‌کند.

استان سمنان سال‌هاست با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کند، اما آنچه امروز مسئولان از آن سخن می‌گویند، دیگر یک هشدار معمولی نیست؛ بلکه توصیف شرایطی است که می‌تواند آینده توسعه، کشاورزی، صنعت و حتی سکونت در بخش‌هایی از این استان را تحت تأثیر قرار دهد.

نخستین نشانه این بحران را می‌توان در مرکز استان مشاهده کرد؛ جایی که به گفته فرماندار سمنان، نیاز آبی شهرستان حدود یک هزار و ۱۰۰ لیتر بر ثانیه است، اما میزان تولید و تأمین آب تنها به ۷۵۰ لیتر بر ثانیه می‌رسد؛ به بیان دیگر، سمنان با کسری ۳۵۰ لیتر بر ثانیه آب مواجه است.

هرچند تاکنون با مدیریت فشار شبکه، جابه‌جایی منابع و اقدامات مقطعی از قطعی گسترده آب جلوگیری شده است، اما مسئولان نیز اذعان دارند که این راهکارها دائمی نیست. فرماندار سمنان هشدار داده است که اگر برای تأمین منابع جدید یا مدیریت اصولی مصرف آب چاره‌اندیشی نشود، این شهرستان در سال‌های آینده با بحران جدی آب روبه‌رو خواهد شد.

این سخنان نشان می‌دهد مدیریت بحران فعلاً توانسته زمان بخرد، اما نتوانسته ریشه‌های بحران را درمان کند.

شش سال خشکسالی

در مقیاس استانی نیز وضعیت چندان امیدوارکننده نیست. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای سمنان می‌گوید این استان اکنون ششمین سال متوالی خشکسالی را پشت سر می‌گذارد. اگرچه میزان بارش‌ها نسبت به سال گذشته اندکی افزایش یافته، اما همچنان فاصله قابل توجهی با میانگین بلندمدت وجود دارد و در برخی مناطق پرجمعیت مانند سمنان، دامغان و گرمسار حتی بارندگی از سال گذشته نیز کمتر بوده است.

تداوم خشکسالی، منابع آب‌های سطحی را بشدت محدود کرده و وابستگی استان به سفره‌های زیرزمینی را افزایش داده است.

بیش از ۷۵ درصد آب مورد نیاز استان از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود؛ منابعی که طی صدها و حتی هزاران سال شکل گرفته‌اند. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای هشدار می‌دهد برداشت از این ذخایر در حقیقت مصرف سرمایه نسل‌های آینده است، زیرا برخلاف آب‌های سطحی، احیای آبخوان‌ها فرآیندی بسیار زمان‌بر و گاه غیرممکن است.

در همین حال، حدود ۸۲ درصد آب مصرفی استان در بخش کشاورزی استفاده می‌شود؛ سهمی که نشان می‌دهد بدون اصلاح الگوی کشت، توسعه روش‌های نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری، امکان عبور از بحران بسیار دشوار خواهد بود.

آمارهای منتشرشده از سوی شرکت آب منطقه‌ای، عمق بحران را آشکارتر می‌کند. طی ۳۱ سال گذشته سطح آب‌های زیرزمینی در دشت سمنان بیش از ۲۰ متر کاهش یافته است. این رقم در دامغان حدود ۱۴.۵ متر، در شاهرود ۱۸ متر و در میامی جنوبی نزدیک به ۲۴ متر گزارش شده است.

این افت مداوم فقط به معنای کاهش آبدهی چاه‌ها نیست؛ بلکه کیفیت آب نیز کاهش یافته و هزینه‌های کف‌شکنی، تعمیق چاه‌ها و استخراج آب سال به سال افزایش یافته است.

فرونشست؛ تهدیدی که از زیر پا آغاز می‌شود

اما شاید نگران‌کننده‌ترین بخش بحران آب سمنان، پدیده فرونشست زمین باشد؛ خطری که آرام و بی‌صدا پیش می‌رود اما آثار آن می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد.

براساس اعلام شرکت آب منطقه‌ای، دشت‌های سمنان و دامغان در محدوده فرونشست بحرانی و بسیار شدید قرار گرفته‌اند و گرمسار، آرادان و حتی شاهرود نیز از این خطر مصون نیستند. شکاف‌های ایجاد شده در جنوب سمنان و دامغان تنها بخشی از آثار این پدیده است و کارشناسان هشدار می‌دهند که حتی مناطق شهری نیز در برابر آن ایمن نیستند.

به گفته مدیرعامل آب منطقه‌ای، برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی باعث فشرده شدن لایه‌های زمین می‌شود؛ فرآیندی که در نهایت به «مرگ آبخوان‌ها» می‌انجامد. در چنین شرایطی حتی اگر سال‌های پربارش نیز فرا برسد، ظرفیت ذخیره آب در سفره‌های زیرزمینی از بین رفته و امکان احیای آنها وجود نخواهد داشت.

پیامد فرونشست تنها محدود به محیط زیست نیست. خطوط انتقال آب، راه‌آهن، جاده‌ها، فرودگاه، تأسیسات شهری و ساختمان‌ها نیز با خطر آسیب‌های جدی روبه‌رو هستند. جابه‌جایی تدریجی لایه‌های زمین می‌تواند موجب شکست خطوط انتقال آب، ترک‌خوردگی سازه‌ها و افزایش هزینه‌های نگهداری زیرساخت‌های حیاتی شود.

در کنار خشکسالی، برداشت‌های غیرقانونی نیز فشار مضاعفی بر منابع آب وارد کرده است. تنها در سال گذشته حدود ۸۰ حلقه چاه غیرمجاز در استان شناسایی و مسدود شده و از ابتدای امسال نیز ۱۲ حلقه دیگر کشف شده است. نکته قابل تأمل آنکه یکی از این چاه‌ها در زیر کف یک سوله صنعتی حفر شده بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد متخلفان برای پنهان کردن این چاه‌ها از روش‌های پیچیده استفاده می‌کنند.

در کنار برخورد با برداشت‌های غیرقانونی، نصب کنتورهای هوشمند نیز در دستور کار قرار گرفته است. اکنون حدود ۸۳ درصد چاه‌های کشاورزی استان و ۸۰ درصد مجموع چاه‌ها به این سامانه مجهز شده‌اند تا میزان برداشت به صورت دقیق کنترل شود. این اقدام می‌تواند زمینه مدیریت علمی‌تر منابع آب را فراهم کند، هرچند کارشناسان معتقدند موفقیت آن وابسته به اجرای دقیق قوانین و همراهی بهره‌برداران خواهد بود.

> به گفته فرماندار سمنان، نیاز آبی شهرستان حدود یک هزار و ۱۰۰ لیتر بر ثانیه است، اما میزان تولید و تأمین آب تنها به ۷۵۰ لیتر بر ثانیه می‌رسد؛ به بیان دیگر، سمنان با کسری ۳۵۰ لیتر بر ثانیه آب مواجه است

برای سومین سال متوالی، مالیات‌دهندگان تصمیم می‌گیرند مالیات‌شان کجا هزینه شود؛

۲۸۲ هزار میلیارد ریال مالیات برای ۲۰۸۵ پروژه ملی و استانی نشان‌دار می‌شود

خبر

شبنم رضوانی

طرح «نشان‌دار کردن مالیات»، در سال ۱۴۰۵ برای سومین سال متوالی اجرا می‌شود و امسال مؤدیان می‌توانند محل هزینه‌کرد مالیات خود را از میان ۲۰۸۵ پروژه زیربنایی انتخاب کنند.

طرح نشان‌دار کردن مالیات امسال برای سومین سال متوالی و با هدف جلب مشارکت مؤدیان در تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی و انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات اجرا می‌شود. امسال مؤدیان می‌توانند محل هزینه‌کرد مالیات خود را از میان ۲۰۸۵ پروژه زیربنایی انتخاب کنند. در قالب این طرح، ۲۸۲ هزار میلیارد ریال از درآمدهای مالیاتی به تکمیل این پروژه‌ها اختصاص خواهد یافت.

براساس طرح نشان‌دار کردن مالیات، اشخاص حقیقی مشمول مالیات مقطوع موضوع تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم می‌توانند محل هزینه کرد مالیات خود را از میان پروژه‌های اعلامی انتخاب کنند.

براساس آیین‌نامه اجرایی طرح نشان‌دار کردن مالیات، فهرست این پروژه‌ها هرساله توسط سازمان برنامه‌وبودجه کشور تهیه و به سازمان امور مالیاتی ابلاغ می‌شود. سازمان امور مالیاتی نیز موظف است بستر الکترونیکی امن و شفافی را فراهم کند تا مؤدیان مشمول بتوانند سهم مالیات خود را به این طرح‌ها و پروژه‌های انتخابی تخصیص دهند.

فهرست پروژه‌های اعلامی از سوی سازمان برنامه‌وبودجه نشان می‌دهد مؤدیان مشمول امسال می‌توانند محل مصرف مالیات خود را از مجموع ۹۹۷ پروژه ملی و یک‌هزار و ۸۸ پروژه استانی انتخاب کنند.

آموزش در صدر فهرست پروژه‌ها

در میان بخش‌های مختلف، حوزه آموزش‌وپرورش با ۹۱۰ پروژه بیشترین تعداد طرح‌های مشمول نشان‌دار کردن مالیات در سال ۱۴۰۵ را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، بیش از ۴۳ درصد از کل پروژه‌های اعلامی به حوزه آموزش‌وپرورش مربوط است. پس از آن حوزه فرهنگ، ورزش و گردشگری با ۲۲۳ پروژه، سلامت و رفاه اجتماعی با ۲۰۵ پروژه و حمل‌ونقل، عمران شهری و روستایی با ۱۹۴ پروژه قرار دارند.

در حوزه آب، کشاورزی و محیط‌زیست نیز ۳۴۶ پروژه، در حوزه دفاعی و امنیتی ۱۱۷ پروژه و در بخش انرژی ۲۶ پروژه در فهرست قرار گرفته‌اند. همچنین پروژه‌هایی در حوزه صنعت، معدن و بازرگانی و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نیز مشمول طرح شده‌اند.

گفتنی است در نتیجه اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات در سال ۱۴۰۳ مشارکت ۳۶۳ هزار نفر از صاحبان مشاغل در این طرح منجر به پرداخت ۱۲۰ هزار میلیارد ریال مالیات و تأمین مالی حدود دو هزار پروژه ملی و استانی از جمله احداث یا تکمیل ۲۰۰ بیمارستان، ۳۶۴ مدرسه و ۳۲۰ پروژه توسعه آب‌رسانی شد.

در سال ۱۴۰۴ نیز، ۸۸۱ پروژه ملی و استانی با اعتباری بالغ بر ۱۸۰ هزار میلیارد ریال، به واسطه طرح نشان‌دار کردن مالیات برای انتخاب مؤدیان تعریف شد؛ این پروژه‌ها در حوزه‌های حمل‌ونقل و عمران شهری روستایی، آب‌رسانی، کشاورزی و محیط‌زیست، امور فرهنگی، گردشگری و ورزش، امور عمومی و امنیتی، سلامت و رفاه اجتماعی، آموزش عالی تحقیقات و فن‌آوری، انرژی و آموزش‌وپرورش عمومی بوده است. از بین ۸۸۱ پروژه معرفی‌شده سازمان امور مالیاتی به مؤدیان، ۴۲۹ پروژه یعنی حدود ۴۹ درصد کل پروژه‌ها به حوزه آموزش و پرورش عمومی و مهارتی مربوط بوده که این موضوع نشان‌دهنده اولویت توسعه زیرساخت‌های آموزشی کشور است.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۱۴۰۵/۰۸)

نوبت اول

BNPP
شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر (سهامی خاص)

۱- موضوع: انجام تعمیرات و بهسازی سطح بام ساختمان رستوران نیروگاه اتمی بوشهر
۲- دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر
۳- نشانی مناقصه‌گزار: بوشهر - نیروگاه اتمی - ساختمان مدیریت شرکت بهره‌برداری - گروه قراردادها - کدپستی ۷۵۱۸۱۱۴۷۹۱ - تلفن ۴-۳۱۱۱۲۵۵۱-۰۷۷ نمابر ۰۷۷۳۱۱۱۲۸۲۹
۴- مبلغ برآورد اولیه: ۳۹,۴۸۸,۸۲۰,۴۳۴ ریال
۵- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱,۹۷۴,۴۴۱,۰۲۲ ریال
۶- مدت اعتبار پیشنهادات: حداقل سه ماه
۷- شرکت‌های دارای حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌توانند تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ به آدرس مناقصه‌گزار مراجعه و با ارائه معرفی‌نامه کتبی، گواهی صلاحیت و فیش واریزی به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به شماره شبا IR ۱۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۳۳۰۴۰۱۸۷۸۴ با شناسه پرداخت ۳۶۸۲۹۰۱۶۰۱۰۱۰۳۵۵۶۴۶۹۱۱۱۳۰۲۲۰۰۱ نزد بانک مرکزی به‌نام تمرکز وجوه درآمد شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر، نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام و پس از تکمیل، حداکثر تا ساعت ۹:۳۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ به دستگاه مناقصه‌گزار تحویل نمایند.
۸- زمان و محل بازگشایی پاکت‌ها: پیشنهادهای رسیده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ در محل سالن کنفرانس ساختمان مدیریت نیروگاه اتمی بوشهر بازگشایی خواهد شد.
۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است.
تذکر: هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

گروه قراردادها شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر

خودکشی، قتل و تصادف
فرجام تلخ سه همکلاسی قدیمی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ سه همکلاسی قدیمی که برای پولدار شدن دست به سرقت می زدند، بعد از آزادی از زندان فرجام تلخی برایشان رقم خورد.

به گزارش «ایران»، شنبه ۲۴ مرداد مرد جوانی به اداره آگاهی پایتخت رفت و گفت: «من مرتکب قتل شده‌ام می‌خواهم خودم را معرفی کنم.»

وقتی وی مقابل افسر نگهبان نشست گفت: «چند روز قبل پسر جوانی را که رقیب عشقی‌ام بود با دو ضربه چاقو کشتم و فرار کردم اما عذاب وجدان گرفتم و آمدم تا خودم را تسلیم کنم.»

با اعلام ماجرا به بازپرس محمد جواد شفیعی وی بازداشت شد و تحقیقات تکمیلی برای بازسازی صحنه جنایت و بررسی صحت روانی متهم به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

پسر جوان درباره سرنوشت عجیبی که برایش رقم خورده گفت: «من و دو نفر از دوستانم که با هم در یک محله زندگی می‌کردیم و همکلاسی بودیم برای پولدار شدن و تحقق بخشیدن به آرزوهایمان تصمیم گرفتیم دزدی کنیم؛ تصمیمی اشتباه که آینده هر سه نفرمان را نابود کرد. چند سال قبل با دو نفر از دوستانم موبایل قاپی می‌کردیم. بعد از چند بار سرقت بدشانسی آورده و هنگام فرار به خاطر اینکه آسفالت خیابان لیز بود تعادلمان را از دست داده و زمین خوردیم و سر بزنگاه دستگیر شدیم. هر سه به زندان افتادیم و به ۱۶ سال حبس محکوم شدیم. من رد مال دادم و رضایت شاکی‌ها را گرفتم و به خاطر مشکلات روحی و روانی که داشتم، بعد از مدتی حبس از زندان آزاد شدم. یکی از همدستانم هم بعد از آزادی به خاطر مشکلات خانوادگی دست به خودکشی زد. سومین عضو باند هم حین سرقت با خودرویی تصادف کرد و جانش را از دست داد.»

ماجرای قتل چیست؟

چند سال قبل، از همسرم جدا شدم و حال خوبی نداشتم.

پدر و مادر همسرم خارج از کشور بودند و او برای زندگی در آنجا از من طلاق گرفت. بعد از جدایی حال خوبی نداشتم تا اینکه مهناز را دیدم البته او را از قبل می‌شناختم اما این ملاقات دوباره ما را به هم نزدیک‌تر کرد و یک سالی می‌شد که رابطه ما صمیمی‌تر شده بود.

رقیب عشقی از کجا آمد؟

مدتی بود که دوستانم به گوشم می‌رساندند. حتی یکی از دوستانم در عالم مستی به من گفت که مهناز به او پیشنهاد دوستی داده است ولی من باورم نشد. خواهرم را فرستادم تا با مهناز برای ازدواج با من صحبت کند. مهناز در آرایشگاه خواهرش کار می‌کرد روزی که خواهرم به آنجا رفته بود با خواهر مهناز دعوایش شد و کار به درگیری شدید کشید آنها هم از خواهرم شکایت کردند.

چرا خودت با مهناز صحبت نکردی؟

صحبت کردم به او گفتم دست از کارهایش بردارد اما بی‌فایده بود و درنهایت متوجه شدم با مرد جوانی در ارتباط است. شماره آن مرد را پیدا کردم و تلفن زدم از او خواستم دست از سر مهناز بردارد اما قبول نکرد و من هم به او گفتم بهتر است حضوری صحبت کنیم.

شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟

من چون در مغازه خرید و فروش مواد غذایی کار می‌کنم یک چاقو داشتم که می‌خواستم برای تعمیر ببرم و آن در جیبم بود. شب حادثه با دوستم به محل قرار رفتم و مقتول هم با دوستش سوار بر موتورسیکلت آمد. بعد سر مهناز باهم بحث مان شد. گفتم تنها دلخوشی‌ام در زندگی مهناز است و می‌خواهم با او ازدواج کنم اما او توجهی نکرد. من هم که عصبانی شده بودم دو چاقو به سمتش پرتاب کردم که منجر به مرگش شد.

اعتیاد داری؟

چند سال قبل ماده مخدر کمیکال مصرف می‌کردم اما بعد از آن قرص و متادون می‌خوردم.

دادگاه کیفری

محاکمه پسر جوان در پرونده مرگ مشکوک زن عمو

گروه حوادث/ کامران علمدهی: پسر جوانی که به اتهام قتل زن‌عمویش پای میز محاکمه ایستاده بود با انکار این اتهام مدعی شد او خودکشی کرده است.

به گزارش «ایران»، دو سال قبل پسر جوانی به نام خشایار، زنی را به بیمارستان منتقل کرد و گفت: «زن‌عمویم خودکشی کرده است.» پزشکان پس از معاینه این زن اعلام کردند که از فوت وی بیش از دو ساعت گذشته است. بنابراین موضوع به پلیس اعلام شد. خشایار در توضیح ماجرا گفت: «در محل کارم بودم که پیامکی از زن‌عمویم دریافت کردم که نوشته بود از زندگی خسته شده‌ام و می‌خواهم خودکشی کنم. بلافاصله خودم را به خانه عمویم رساندم و زن‌عمویم را داخل یکی از کمدها حلق‌آویزشده پیدا کردم و او را به بیمارستان رساندم.»

پس از اظهارات وی، عمویش شکایتی را علیه او ثبت کرد و گفت: «چرا همسرم باید به او خبر می‌داد که قصد خودکشی دارد، من اطمینان دارم برادرزاده‌ام موضوعی را مخفی کرده است.»

به این ترتیب خشایار بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت اما منکر هرگونه موضوع پنهانی شد، با این حال تحقیقات پلیس نشان داد که از مدت‌ها قبل میان او و زن‌عمویش تماس‌های تلفنی زیادی وجود داشته است. با تکمیل تحقیقات برای خشایار به اتهام ارتباط نامشروع و قتل عمدی پرونده تشکیل شد و یک پرونده به دادگاه کیفری دو استان تهران فرستاده شد و قضات خشایار را به شلاق محکوم کردند و حکم نیز اجرا شد. برای اتهام مباشرت در قتل عمدی نیز پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول به عنوان اولیای‌دم خواستار قصاص متهم شدند. مادر مقتول به قضات گفت: «دخترم ۴ میلیارد تومان پول در حسابش بود و خشایار به قصد تصاحب آن پول دست به جنایت زده است.»

پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: «من هیچ‌کدام از اتهاماتم را قبول ندارم. با اینکه شلاق هم خوردم اما من هیچ ارتباط نامشروعی با زن‌عمویم نداشتم.»

قاضی از متهم پرسید: «اگر ارتباطی نداشتی چرا تماس‌های تلفنی مکرری با او برقرار کرده بودی؟»

متهم جواب داد: «من در یک مغازه به عنوان پیک کار می‌کردم. از آنجا که زن‌عمویم خیاط بود من وسایلی را که نیاز داشت تهیه می‌کردم و برایش می‌بردم، در واقع ارتباط ما کاری بود.»

قاضی سؤال کرد: «چطور کلید خانه عمویت را داشتی؟»

متهم گفت: «زن‌عمویم داده بود تا وقتی پارچه یا وسایلی را که خریده بودم آوردم و او در خانه نبود آن را در اتاقش بگذارم.»

قاضی پرسید: «چرا او باید به شما پیامک بدهد که می‌خواهد خودکشی کند؟»

متهم توضیح داد: «نمی‌دانم، شاید چون باهم ارتباط کاری داشتیم به من گفته بود. البته زن‌عمویم مدتی بود که به سرطان مبتلا شده و احساس ناامیدی می‌کرد. وقتی آن روز وارد خانه شدم چند دقیقه به دنبالش گشتم تا اینکه او را حلق‌آویزشده داخل کمددیواری پیدا کردم.»

قاضی گفت: «فاصله سقف کمددیواری تا زمین ۱۸۰ سانتی‌متر تا ۲ متر است، اگر کسی قصد خودکشی داشته باشد داخل کمددیواری این کار را نمی‌کند.»

اما متهم به تشریح حالتی پرداخت که زن‌عمویش را در کمد پیدا کرده بود.

در ادامه نیز با پایان اظهارات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

پاتک پلیس به رمالان شهرری

گروه حوادث: مأموران پلیس امنیت شهرستان ری در عملیاتی ویژه رمالان و فالگیران اطراف حرم حضرت عبدالعظیم را دستگیر کردند.

سرهنگ حسین مافی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: «با اعلام خبر فعالیت تعدادی رمال و فالگیر در محدوده حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. مأموران پلیس امنیت عمومی شهرستان ری با همکاری عوامل کلانتری ۱۷۲ حضرت عبدالعظیم(ع) روز شنبه گذشته با حضور در محل، تعدادی از این افراد را دستگیر و برای انجام اقدامات قانونی به پلیس امنیت عمومی منتقل کردند.

وی به مردم هشدار داد و از شهروندان بویژه زائران و مجاوران حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) خواست فریب این افراد را نخورند، چرا که فعالیت آنها می‌تواند خسارت‌های روانی و مالی برای مردم به همراه داشته باشد.

درخواست دیه از بیت‌المال در پرونده جشن تولد شوم

گروه حوادث/ اولیای دم مرد جوانی که در یک درگیری به قتل رسیده بود، در حالی خواهان دریافت دیه از بیت‌المال شدند که قاتل همچنان فراری است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، بهار سال ۱۴۰۲ خانواده‌ای برای برگزاری جشن تولدی به پارکی در پایتخت رفتند. آنها مشغول برگزاری مراسم جشن تولد بودند که پسر جوانی به همراه دوستانش برای آنها مزاحمت ایجاد کردند. با درگیری پژمان (مقتول) در اعتراض به مزاحمت‌های پسر جوان و دوستانش، یکی از پسرها با چاقو به او ضربه زد و از محل متواری شد.

با تسلیم شدن پژمان به مرگ، متهم پرونده که همچنان فراری بود در دادگاه کیفری به صورت غیابی محاکمه و به قصاص محکوم شد تا اینکه با گذشت سه سال از این ماجرا و با وجود آنکه قاتل هنوز دستگیر نشده است، خانواده او به دادسرای امور جنایی تهران مراجعه و درخواست دریافت دیه از بیت‌المال را مطرح کرده‌اند.

تصادف ساختگی برای قتل همسر

گروه حوادث: راز قتل زن جوان پس از ۷ سال با دستگیری شوهرش و زنی دیگر فاش شد.

به گزارش «ایران»، سال ۱۳۹۸ خبر وقوع یک فقره تصادف در جاده «دشت شقایق»، محور پلور به رینه و سقوط خودرو به دره به پلیس اعلام شد و سرنشین زن آن که دچار جراحات شدید شده بود، پس از انتقال هوایی به بیمارستان ۱۷ شهریور آمل جان خود را از دست داد. اما با گذشت ۷ سال از این ماجرا، سال گذشته بار دیگر این پرونده با پیگیری یکی از بستگان زن جوان به جریان افتاد.

سرهنگ مجید باقری، فرمانده انتظامی آمل در این‌باره گفت: «با صدور دستور قضایی برای بررسی مجدد پرونده، کارآگاهان پلیس آگاهی آمل تحقیقات تخصصی خود را از سر گرفتند و با بررسی سوابق تماس، پیامک‌ها، تراکنش‌های بانکی و ارتباطات پنهانی میان همسر متوفی و راننده خودروی مقابل، به سرنخ‌های مهمی دست یافتند. همچنین مشخص شد متهمان پیش از وقوع حادثه نیز چندین‌بار درصدد آسیب رساندن به مقتول بوده و در نهایت با برنامه‌ریزی قبلی، زمینه وقوع حادثه را فراهم کرده‌اند.»

وی ادامه داد: «بر اساس تحقیقات انجام شده، خودروی مقتول در محل مورد نظر متوقف شده و خودروی متهم که یک زن بوده به عمد با آن برخورد کرده و باعث سقوط خودرو به داخل دره شده است. با تکمیل تحقیقات و صدور دستور قضایی، تیم ویژه پلیس آگاهی آمل با همکاری پلیس آگاهی استان مازندران به تهران اعزام شدند و در عملیاتی هماهنگ و غافلگیرانه، هر دو متهم را در دو محل جداگانه دستگیر کردند. متهمان در بازجویی‌ها به طراحی و اجرای این تصادف ساختگی اعتراف کردند و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۹۹

جدول عادی

افقی

۱- امتناع و پرهیز - شناخت و تشخیص
۲- از ییلاقات تهران - کالا - دختر کوروش
۳- معلم دانشگاه - حمله - دندانساز
۴- وسیله بافتن قالی - آواز بره و بز - کیسه کاغذی - خمیدگی کاغذ
۵- حرف ندا - بی‌مزه و لوس - نام دخترانه
۶- پیشرفت کردن - دورویی - پاروی قایقران
۷- گوشه‌نشینی - درس ثابت رشته انسانی - کشور آسیایی
۸- رشته‌کوه ایرانی - فرمانبردار - نام مردانه
۹- ناگهان خودمانی - گرد سفید سیب‌زمینی - جای خرید و فروش اوراق بهادار
۱۰- حرف زورو - هنگام و وقت - دلجویی
۱۱- بهادر و بی‌باک - یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و جهان - حرف تأسف
۱۲- دستنوشته - آمرزش - شله - درس نخوانده
۱۳- مرکز استان مازندران - پرده‌در - خلاف «فردا»
۱۴- صفت مار - نرم کننده مزاج - امر از زدودن
۱۵- پیگیری برای دانستن - گونه‌ای بازی سنتی در ایران

عمودی

۱- زننده گل به یاد ماندنی ایران به استرالیا در مقدماتی جام جهانی ۹۸ - قلاب کفش
۲- کاخ دیدنی فرانسه - پارسا - انباره
۳- پزشک - اسوه - ورزش فکری
۴- زیرکی - والا و اعلی - برجستگی ته گیوه - زاپاس
۵- پارچه آستری - سال‌ها - حرف جمع فارسی
۶- پایتخت فراری - سیمرغ - شاعر زن
۷- مرد برفی هیمالیا - سریالی با بازی رویا افشار (۱۴۰۵) - قطعی
۸- سازمان نفتی! - آوای بم - از جهت‌های جغرافیایی
۹- جمع شاعر - لباس جلوباز - مرزبان
۱۰- ویژگی غنچه باز شده - هلهله شادی - برج کج داستانی
۱۱- عدد ورزشی - مادر همه هنرها - مافوق
۱۲- ظلم - مردن از غصه - جانور زنده به آب - استان کویری
۱۳- کتاب زرتشت - اسب لگدزن - زبان پاکستانی‌ها
۱۴- یکی از بخش‌های اوستا - تخته نازک - دارایی‌ها
۱۵- سخنان بیمارگونه - رشته دانشگاهی

جدول ویژه

افقی

۱- مرکز «ونزوئلا» - یکی از انواع لبنیات به رنگ سیاه
۲- الهه زیبایی - ژانری در سینما - ریشه‌داری
۳- کارتون قدیمی - نام‌آور - سالک
۴- سرسرا - محکم کردن - دالان و صحن - شهر گلادیاتورها
۵- رود اروپایی - مریم فرنگی! - ورزش چینی
۶- آخر - خرگوش - مخفف آتش
۷- حفظ و حمایت - فیلمی با حضور حسین یاری - خمیر پخته برآتش
۸- نادر و پیدا نشدنی - جنبیدن - تجددطلب
۹- آزاد - عنصری که در ساخت کوره‌های اتمی به کار می‌رود - گلی زینتی و رنگارنگ
۱۰- صدای تمسخر - خط هخامنشیان - ساده‌ترین هیدروکربن غیراشباع
۱۱- سؤال - شهر «ترکیه» - شهر «برج طغرل»
۱۲- ادات تشبیه - تکان خودمانی - رنج و محنت - شهر «آتشکده محلچه»
۱۳- گازی شبیه ازت - باطل کننده - مجاز از همتا
۱۴- نزدیک «منجیل» - فیلمی با بازی اکبر عبدی - رخسار
۱۵- از مکانیزم های دفاعی - پولیپ‌های دریایی

عمودی

۱- فیلمی درام به کارگردانی امیرحسین ثقفی - طلیعه الفبا
۲- روشنایی‌ها - گریه - خوشحالی
۳- واحد پول «روسیه» - واکسن - نوعی مهمانی و مراسم
۴- غمگین - تفریق - تلخ - بن‌بست بدن
۵- نوپیدایی - کلام ضرورت - منقار مرغان
۶- اضافه کردن در فضای مجازی - ابواب - نوعی کشتی
۷- فلز گلوله - رنگ قرمز قوی - استاندار قدیم
۸- فیلم احسان سلطانیان - ماست چکیده - خبرگزاری «ایتالیا»
۹- رخت و پارچه - اثر «هومر» - اسب سفید
۱۰- آماسیده - فلز - بگذار
۱۱- حرف جمع - کشور اروپایی - همراه عروس
۱۲- اثر «فرانتس کافکا» - زاج یمنی - نمایندگان حقوقی - شامگاه
۱۳- دالان - واژگون - مورخ یونانی قرن دوم
۱۴- نه سرد، نه گرم - فرق سر - پولی که هنگام دیدن عروس بدهند
۱۵- فیلمی کوتاه با بازی پوریا شکیبایی - از آئین‌های کهن

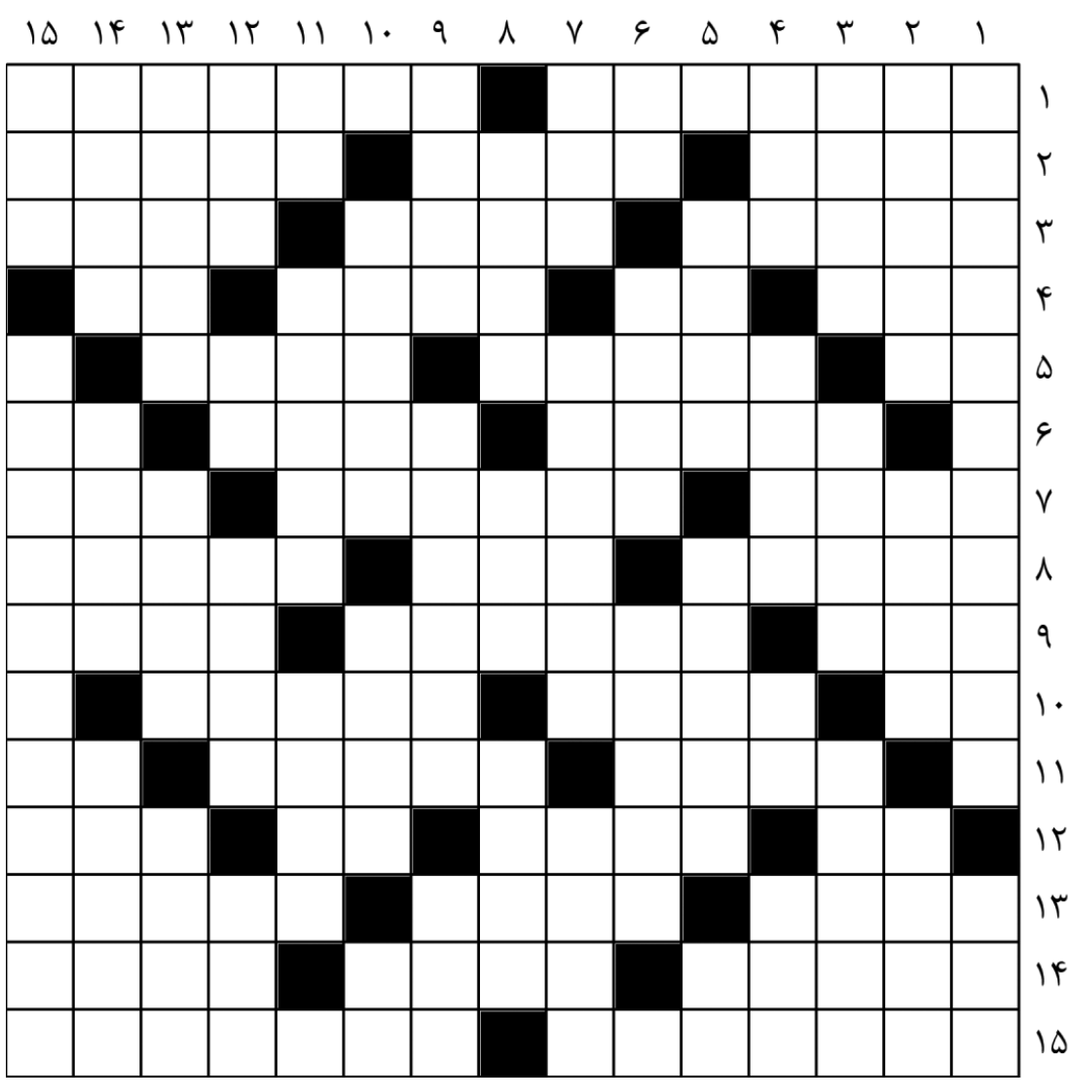

حل جدول عادی شماره ۹۰۹۲

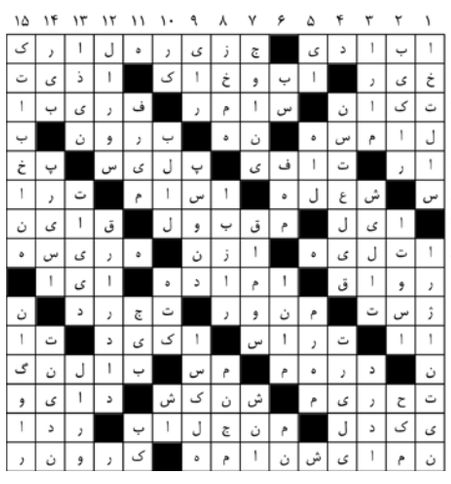

حل جدول ویژه شماره ۹۰۹۲

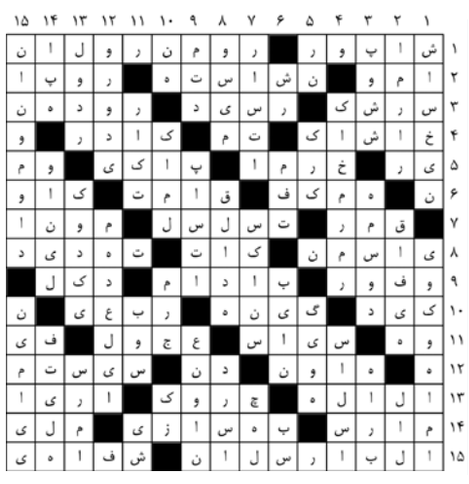

عبور از نگاه‌های کلیشه‌ای

گفت‌وگو با امیر مازیار درباره مجموعه اقلیم هنر

نمایی از امامزاده شاهزاده حسین فرزند علی ابن موسی الرضا، ساخته شده به سفارش دختر شاه طهماسب، قزوین

تاریخ هنر

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

بخش بزرگی از متون تاریخ هنر ما، فرسنگ‌ها با روش‌شناسی مدرن فاصله دارد، همین فقدان، انگیزه اصلی برای شکل‌گیری مجموعه «اقلیم هنر» در نشر نی بوده است. در گفت‌وگویی که با امیر مازیار، عضو هیأت علمی دانشگاه هنر و دبیر این مجموعه داشتیم، او معتقد است مجموعه «اقلیم هنر» تلاش کرده با گردآوری پژوهش‌های غنی، متونی را ارائه دهد که تاکنون جایشان خالی بوده است. در نهایت «اقلیم هنر» قصد دارد خوانشی تازه از هنر اسلامی را منتشر کند؛ خوانشی که به جای تکرار کلیشه‌ها، آثار هنری و بناهای تاریخی را در بستر واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی عصر خود بازخوانی می‌کند تا درکی عمیق‌تر از میراث هنری ایران و همسایگانش فراهم آورد.

مجموعه «اقلیم هنر» نشر نی که به سرپرستی شما منتشر می‌شود با چه هدفی راه‌اندازی شده و قرار است چه موضوعاتی در این مجموعه پوشش داده شود؟ آیا کتاب‌های این مجموعه ترجمه یا گزینشی از یک مجموعه خارجی است یا اینکه توسط شما و برای انتشار توسط نشر نی برنامه‌ریزی شده است؟

هدف ما از انتشار این مجموعه فراهم آوردن متون تراز اول و روزآمد آکادمیک در حوزه تاریخ هنر ایران است تا با در اختیار قرارگرفتن این متون، شکاف موجود میان فضای آموزشی و پژوهشی ایران و فضای آکادمیک معاصر جهان در این حوزه اندکی ترمیم شود. در فضاهای آموزشی و پژوهشی ایران الگوهایی در حوزه تاریخ‌نگاری هنر رایج‌اند که به دهه‌ها پیش تعلق دارند و هم به لحاظ روشی و هم به لحاظ الگوهای مفهومی و نظری تا حدود زیادی ناروزآمدند. عمده منابعی که درباره تاریخ هنر ایران وجود دارند، ترجمه کتاب‌های کلی و عمومی تاریخ هنر ایران یا تاریخ هنر اسلامی هستند که مروری کلی به این حوزه دارند و کتاب‌ها و مقاله‌های برجسته پژوهشی کمتر ترجمه شده‌اند. معمولاً رویکردهای تجربه‌گرایانه یا فرمالیستی و سبک‌شناسانه محض در این آثار رایج‌اند یا از طرف دیگری رویکردهای سنت‌گرایانه غالب‌اند که صرفاً در جست‌وجوی نوعی زمینه دینی یا معنوی در این آثار هستند و دیگر وجوه مهم این آثار را نادیده می‌گیرند. این مجموعه به این صورت پیشتر در جایی منتشر نشده بلکه ما آثاری را انتخاب می‌کنیم و آنها را برای چاپ در این مجموعه قرار می‌دهیم.

معیار انتخاب کتاب برای انتشار در مجموعه «اقلیم هنر» چیست؟ آیا قرار است همه عنوان‌های آن ترجمه باشد یا عنوان‌های تألیفی هم دارید؟

در این مجموعه در وهله اول ما بر ترجمه آثار مورخان برجسته هنر ایران یا هنر اسلامی متمرکزیم. کتاب‌های برجسته یا مقالات شاخص و مهم و تأثیرگذار. به طور خاص ترجمه مقالات هم مد نظر ما بوده است. هم به لحاظ حجم مطالب که بتوان در فضای اقتصادی نشر امروز آثاری تولید کرد که با سرعت بیشتر و امکان دسترسی عمومی‌تر فراهم شوند و هم خصوصاً به این جهت که بسیاری از رویکردها و مفاهیم نو و برجسته و روش‌های ممتاز تاریخ‌نگاری هنر در مقالات تخصصی ارائه می‌شوند. عموم آثاری که در این مجموعه منتشر خواهند شد به بعد از سال ۲۰۰۰ اختصاص دارند و حاوی ایده‌ها و رویکردهایی نو هستند. همچنین امکان چاپ آثار تألیفی هم در این مجموعه وجود دارد اگر با شرط‌های کلی این مجموعه همخوان باشند.

منظور از ایده‌ها و رویکردهای نو چیست؟

منظور از ایده‌ها و رویکردهای نو تحولاتی است که هم در حوزه کلی تاریخ‌نگاری هنر و هم به طور خاص در حوزه تاریخ‌نگاری هنر ایران و هنر اسلامی اتفاق افتاده است. از اواخر دهه ۷۰ و در دهه ۸۰ میلادی در علوم انسانی تحولات مهمی رخ داد و رویکردهای پوزیتیویستی غالب جای خود را به رویکردهایی متنوع‌تر و نظری‌تر همچون پدیدارشناسی، ساختارگرایی، نشانه‌شناسی، هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و نظایر آن دادند. از سوی دیگر رویکردهای مستشرقانه هم موضوع نقد جدی قرار گرفتند؛ رویکردهایی که مبنای آنها این بود که نوعی دوگانگی بین مطالعه تاریخ هنر اروپا و تاریخ هنر اسلامی یا هنر ایران ایجاد کنند و با نوعی نگرش غیرتاریخی یا ذات‌گرا با این هنرها مواجه شوند که نتیجه آنها این بود که هنر ایرانی و اسلامی را یکسره غیردنیوی و معنویت‌گرا و غیرتاریخی قلمداد کنند. در دو سه دهه اخیر با به کاربستن رویکردهای جدید و فرا رفتن از نگاه‌های ذاتی و غیرتاریخی به هنر ایرانی یا هنر اسلامی، منظرهای جدیدی برای نگریستن به این هنرها و برهه‌های خاص آنها پیدا شده است؛ مثلاً یافتن نسبت پیچیده‌ای که بین اقتصاد و سیاست در دوره‌ها و جغرافیاهای گوناگون با آثار هنری برقرار بوده یا نقشی که آثار هنری در اعمال قدرت و ایجاد مشروعیت بازی می‌کردند یا ربط هنر به عقاید دینی و نظایر آن. این مجموعه به انتشار چنین آثاری اهتمام دارد. متونی که آثار هنری گذشته ما را در متن تاریخ بسیار پیچیده و پرماجرا و متغیر خود قرار می‌دهند و لایه‌های جدیدی از این آثار را بر خواننده و پژوهشگر می‌گشایند.

> هدف مجموعه «اقلیم هنر» فراهم آوردن متون تراز اول و روزآمد آکادمیک در حوزه تاریخ هنر ایران است تا با در اختیار قرارگرفتن این متون شکاف موجود میان فضای آموزشی و پژوهشی ایران و فضای آکادمیک معاصر جهان در این حوزه اندکی ترمیم شود

علاوه بر کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» تاکنون دو جلد دیگر از مجموعه «اقلیم هنر» منتشر شده، این دو جلد چه ویژگی‌هایی دارند؟

علاوه بر کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» دو کتاب دیگر هم در این مجموعه چاپ شده است، یکی «قاب‌بستن نگاه خیره در کاخ‌های عثمانی، صفوی و گورکانی» به قلم خانم گلرو نجیب‌اوغلو و با ترجمه نسترن نجاتی که به بررسی رابطه میان سیاست و معماری در دوران صفویه و نسبت آن با ایده‌های معمارانه در امپراطوری‌های رقیب، یعنی گورکانیان هند و عثمانیان می‌پردازد. این اثر نشان می‌دهد پشت صحنه معماری‌های باشکوه آن روزگار، چه مقاصد سیاسی‌ای در کار بوده و چگونه تفاوت ایدئولوژهای سیاسی این سه امپراطوری بر ساخت و سازهای معمارانه خصوصاً معماری کاخ‌ها اثرگذار بوده است. کتاب دیگری که در این مجموعه به چاپ رسیده، کتاب «کاخ مدحت‌سرایی و شاه‌میوه‌های روزگار» است که ترجمه دو مقاله به قلم پی ال. لزنسکی با ترجمه مژده مخلصی است و به واکاوی رابطه میان ادبیات و تاریخ هنر اختصاص دارد. این اثر به ما نشان می‌دهد چگونه می‌توان از متون ادبی، اشعار و نوشتارهایی که تاکنون به‌عنوان اسناد و منابع تاریخ‌نگاری هنر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند برای دستیابی به درکی عمیق‌تر از بناهای معماری گذشته بهره برد. لزنسکی در این کتاب، با استناد به منابع ادبی به تبیین و تشریح چند بنای شاخص پرداخته است، از جمله کاخ‌های شاه طهماسب در قزوین (سعادت‌آباد) و پل خواجو در اصفهان. در این مقالات لزنسکی تجربه مخاطبان این بناها و حضور این بناها در میانه عرصه‌های واقعی زندگی روزانه را از متون ادبی بیرون می‌کشد و به این بناهای تاریخی جان می‌بخشد.

معیار انتخاب کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» به عنوان جلد اول در این مجموعه بر چه اساسی بوده؟

علت انتخاب این کتاب برای این مجموعه اهمیت بالای آن در حوزه تاریخِ تاریخ‌نگاری هنر اسلامی است. این کتاب بیان می‌کند که جریان تاریخ‌نگاری هنر اسلامی از چه زمانی آغاز شد، چه کسانی دست‌اندرکار آن بوده‌اند و چه ایده‌ها، رویکردها و پیش‌فرض‌هایی در آن جریان داشته است. در این زمینه منابع پژوهشی اندکی در دسترس است. کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» از مهم‌ترین آثاری است که تلاش کرده تاریخ و تاریخ‌نگاری هنر اسلامی را با مقاله‌هایی تخصصی تبیین کند. این کتاب به جریان‌ها، نهادها و شخصیت‌های نخستین در این حوزه می‌پردازد. همچنین به جریان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌ای می‌پردازد که در مسیر تاریخ‌نگاری هنر اسلامی نقش مؤثری داشته‌اند. از این جهت، «اکتشاف هنر اسلامی» یکی از کتاب‌های بسیار مهم و پرارجاع در حوزه هنر اسلامی است و به همین دلیل نیز برای انتشار انتخاب شد. این کتاب دورنمایی از روش‌ها، رویکردها و پیش‌فرض‌هایی که در حوزه تاریخ هنر وجود داشته را برای مخاطبان آن آشکار می‌کند.

این کتاب چقدر توانسته در ارائه شناخت بهتر نسبت به جایگاه هنر اسلامی موفق بوده باشد؟

از آنجا که کتاب «اکتشاف هنر اسلامی» به‌تازگی منتشر شده و پس از انتشار نیز بلافاصله شرایط خاصی مانند جنگ و محدودیت‌های ناشی از آن پیش آمد، شاید اکنون برای ارزیابی تأثیرگذاری آن زود باشد. با این حال، این اثر می‌تواند منبعی ارزشمند برای تحقیقات دانشگاهی باشد. به این دلیل که در دانشگاه‌ها دروسی با عنوان «تاریخ تاریخ‌نگاری هنر اسلامی» و عناوینی نزدیک به آن وجود دارد. همچنین در فضاهای مربوط به تاریخ‌نگاری هنر گذشته ما اکنون سؤال‌های مهمی درباره انواع روش‌های تاریخ‌نگاری و بسترهای شکل‌گیری آنها وجود دارد که این کتاب می‌تواند برای یافتن آنها بسیار مفید باشد.

واکاوی سیر شکل‌گیری هنر اسلامی

کتاب «اکتشاف هنر اسلامی»، نخستین مجلد از مجموعه «اقلیم هنر» است که با دبیری امیر مازیار، به قلم استیون ورنوا و با ترجمه ولی‌الله کاووسی توسط نشر نی منتشر شده است. این اثر به واکاوی سیر شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی از منظر جهان غرب می‌پردازد. نسخه اصلی و ترجمه فارسی این کتاب می‌تواند به عنوان منبعی غنی و معتبر برای جامعه دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرد. ساختار محتوایی برخی از فصل‌های کتاب به این شرح است: فصل اول به هنر و معماری اسلامی و مروری بر پژوهشگری و مجموعه‌سازی اختصاص دارد؛ فصل دوم به مجموعه‌سازی هنر اسلامی در روسیه قرن نوزدهم می‌پردازد؛ فصل چهارم بر گردآوری هنر گورکانیان هند در موزه ویکتوریا و آلبرت تمرکز دارد؛ فصل پنجم، گردآوری فرش‌های ایرانی و ترکی در موزه کنزینگتون جنوبی را واکاوی می‌کند؛ فصل ششم به فعالیت‌های اوگاستس وولاستن فرنکس و نمایش هنر اسلامی در موزه بریتانیا اختصاص یافته است؛ فصل هفتم، شکوفایی تاریخ هنر اسلامی در آلمانِ اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را بررسی می‌کند؛ فصل نهم به موضوع یونانیان در شرق، اسکندریه و اسلامی می‌پردازد؛ فصل چهاردهم، موضوع اخلاق جمهوری خواهانه و آلبوم خانواده: منظرهای گردآوری را ارائه می‌دهد و در فصل پانزدهم به نکته‌های مجموعه‌سازی هنر اسلامی اشاره می‌کند. در مقدمه کتاب آمده است: «مروری بر تاریخچه پژوهشگری و مجموعه‌سازی که آغازگر کتاب است، به ۹ بخش تقسیم می‌شود. این بخش‌ها به نوبه‌خود پژوهش‌های آغازین در هنر و معماری اسلامی، شکل‌گیری مجموعه‌ها، هنر اسلامی در نمایشگاه‌های بین‌المللی، نمایشگاه‌های هنر اسلامی، هنر اسلامی در موزه‌ها و کتابخانه‌ها، عرصه تجاری، گسترش زمینه‌های پژوهشی، سال‌های بین دو جنگ و جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن را روایت می‌کند.»

مطالعه تاریخ هنر ایران همواره تحت‌تأثیر دگرگونی‌های نظری و پژوهشی متعددی بوده است. در مجموعه «اقلیم هنر» که به تاریخ هنر ایران و فرهنگ‌های همبسته با آن اختصاص دارد، تأکید می‌شود که تاریخ هنر، تنها به مرزهای شرقی و غربی جهان محدود نمی‌شود و ابعادی جهانی‌تر یافته است.

این کتاب همچنین رویکردهای متمایز، از جمله نگاه‌های عرفانی به هنر اسلامی را دربر دارد. به گفته ولی‌الله کاووسی، مترجم اثر، این کتاب در واقع «پشت صحنه هنر اسلامی» است. به این معنا که اگر هنر اسلامی را یک فیلم در نظر بگیریم، این اثر، اتفاقات و سیر شکل‌گیری پشت صحنه آن را به نمایش می‌گذارد. اینکه چه بازیگرانی در این عرصه حضور داشته‌اند و کارگردان چگونه آنان را هدایت کرده است، در قالب یک پژوهش منسجم در این کتاب قابل مشاهده است. شاید بتوان این اثر را به نوعی طولانی‌ترین مقاله یا مجموعه‌ای از مقالات کلیدی در حوزه هنر اسلامی قلمداد کرد. اگر مخاطبان دغدغه عبور از کلیشه‌های شرق‌شناسانه و نقد نگاه سنتی به هنر اسلامی را دارند، این کتاب گزینه‌ای مناسب برای آنهاست. نویسنده در این اثر، مخاطب را از دانشجوی تاریخ هنر گرفته تا علاقه‌مند به دنیای موزه‌ها به چالشی فکری برای بازخوانی تحولات نظری هنر دعوت می‌کند. «اکتشاف هنر اسلامی» فراتر از یک متن مطالعاتی، نقشه راهی برای پژوهشگران تاریخ هنر، شرق‌شناسان و متخصصان موزه‌داری است تا ابعاد مختلف و کمتر دیده‌شده تاریخ هنر اسلامی را مشاهده و تحلیل کنند. این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا فراتر از زیبایی‌شناسی صرف آثار هنری، لایه‌های پنهان «معناسازی» در نهادهای غربی را بشناسد و دریابد که چطور تاریخ‌نگاری هنر، همواره پیوندی ناگسستنی با تحولات سیاسی و اجتماعی داشته است.

اکتشاف هنر اسلامی
پژوهشگران، مجموعه‌داران، مجموعه‌ها
- نویسنده: **استیون ورنوا**
- مترجم: **ولی‌الله کاووسی**
- انتشارات: **نشر نی**
- تعداد صفحات: **۴۳۸ صفحه**
- قیمت: **۸۸۰۰۰۰ تومان**

دریچه‌ای به تاریخ یک دانش

نگاهی به کتاب اکتشاف هنر اسلامی و تاریخ شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی

ولی‌الله کاووسی
دانشیار گروه هنر و معماری بنیاد دایرةالمعارف اسلامی؛ مترجم کتاب

در سال‌های اخیر، واژه «اسلامی» برای بسیاری از خوانندگان، پیش از آن‌که نام یک حوزه علمی باشد، ممکن است تداعی‌هایی فراتر از معنای علمی آن داشته باشد. از همین رو، نقش بستن این واژه بر جلد یک کتاب، گاه سبب می‌شود گروهی از خوانندگان، آگاهانه یا ناآگاهانه، از کنار آن بگذرند. این واکنش، هرچند قابل فهم است، پیامدی دارد که کمتر به آن اندیشیده‌ایم: دور ماندن از یکی از غنی‌ترین و پویاترین سنت‌های پژوهشی علوم انسانی.

مطالعات هنر اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی جهان، دانشی است که میراث هنری سرزمین‌های اسلامی را در درازای بیش از چهارده قرن و در گستره‌ای از اندلس تا شبه‌قاره هند، از آسیای میانه تا چین و از شمال آفریقا تا سواحل اقیانوس هند بررسی می‌کند. این آثار در بستر فرهنگ‌ها، زبان‌ها، حکومت‌ها و سنت‌های هنری گوناگون پدید آمده‌اند و شناخت آنها، افزون بر تاریخ هنر، به جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، نسخه‌شناسی، مطالعات موزه، تاریخ مجموعه‌داری، تاریخ تجارت، شرق‌شناسی و روابط فرهنگی میان شرق و غرب نیز وابسته است. همین تنوع و گستردگی سبب شده است که قلمرو این رشته بسیار فراتر از آن چیزی باشد که عنوان آن در نگاه اول القا می‌کند.

با این همه، در فضای پژوهشی فارسی‌زبان، بیشتر با دستاوردهای این مطالعات آشناییم تا با تاریخ شکل‌گیری خود این دانش. پژوهش‌های ارزشمندی درباره معماری، خوشنویسی، نگارگری، نسخه‌های خطی، سفال و دیگر شاخه‌های هنر ایران و جهان اسلام انجام شده است، اما کمتر به این پرسش‌ها پرداخته‌ایم که مطالعات هنر اسلامی چگونه پدید آمد، چه مسیرهایی را پیمود، چه مجادله‌های فکری را از سر گذراند، چه نهادهایی در گسترش آن سهم داشتند و چگونه به جایگاه کنونی خود رسید. پیامد این وضعیت آن است که بسیاری از دانشجویان و حتی پژوهشگران، با نتایج این مطالعات آشنایند، اما تصویر روشنی از تاریخ این رشته، تحول روش‌های آن و شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری آن در اختیار ندارند.

در چنین فضایی، ترجمه فارسی «اکتشاف هنر اسلامی»، به ویراستاری استیون ورِنُوا، اهمیتی فراتر از انتشار کتابی دیگر درباره تاریخ هنر پیدا می‌کند. این کتاب قرار نیست بار دیگر تاریخ معماری اسلامی، خوشنویسی یا نگارگری را روایت کند. موضوع آن، تاریخ شکل‌گیری «مطالعات هنر اسلامی» است؛ دانشی که طی بیش از دو سده، با مشارکت پژوهشگران، موزه‌ها، مجموعه‌داران، دانشگاه‌ها، کاوش‌های باستان‌شناختی و نمایشگاه‌های جهانی پدید آمد، رشد کرد و پیوسته در پرتو نقد و بازاندیشی دگرگون شد.

عنوان انگلیسی Discovering Islamic Art نیز همین رویکرد را بازتاب می‌دهد. واژه Discovering در اینجا بیش از آن‌که به کشف سرزمینی ناشناخته یا یافتن اثری تازه اشاره کرده باشد، از فرآیند شناخت، بازشناسی و آموختن شیوه‌ای تازه برای دیدن سخن می‌گوید. کتاب تاریخ هنر اسلامی را از زاویه تاریخ شناخت آن روایت می‌کند و نشان می‌دهد دانشی که امروز «مطالعات هنر اسلامی» نامیده می‌شود، چگونه در گذر زمان شکل گرفت، تحول یافت و به یکی از شاخه‌های اثرگذار علوم انسانی بدل شد.

کتاب، به جای آن‌که مستقیماً به آثار هنری بپردازد، توجه خود را به تاریخ شناخت آن آثار معطوف می‌کند. نویسندگان می‌پرسند آنچه امروز «مطالعات هنر اسلامی» می‌نامیم چگونه پدید آمد، چه کسانی در تکوین آن سهم داشتند و تحولات فکری و سیاسی دو سده اخیر چگونه شیوه نگاه ما به هنر سرزمین‌های اسلامی را دگرگون کرد. همین جابه‌جایی زاویه دید، مهم‌ترین ویژگی و دستاورد کتاب است.

آنچه خواننده در صفحات آغازین کتاب درمی‌یابد، این است که آثار هنری نیز مانند خودِ دانش، تاریخی دارند که همیشه در برابر چشم ما نیست. هر مسجد، نسخه خطی، قالی، ظرف سفالی یا قطعه‌ای خوشنویسی، گذشته از تاریخ آفرینش، تاریخ دیگری نیز با خود حمل می‌کند؛ تاریخ دیده شدن، گردآوری، مطالعه، تفسیر و بازخوانی. اکتشاف هنر اسلامی دروازه ورود به همین تاریخ کمتر دیده‌شده است؛ تاریخی که بدون شناخت آن، بخش مهمی از دانسته‌های امروز ما درباره هنر سرزمین‌های اسلامی نیز قابل فهم نخواهد بود. اگر تاریخ مطالعات هنر اسلامی را تنها در قالب نام کتاب‌ها، پژوهشگران یا تاریخ تأسیس موزه‌ها روایت کنیم، حاصل کار صرفاً گزارشی از رویدادها خواهد بود. «اکتشاف هنر اسلامی» مسیر دیگری را برمی‌گزیند و نشان می‌دهد این رشته چگونه از دل گفت‌وگوهای علمی، اختلاف نظرها، تجربه‌های میدانی، جابه‌جایی آثار و تحول روش‌های پژوهش شکل گرفته است. از این منظر، تاریخ مطالعات هنر اسلامی بیش از آن‌که تاریخ انباشته شدن اطلاعات باشد، تاریخ دگرگونی شیوه‌های اندیشیدن است.

از همان فصل‌های نخست، روشن می‌شود که شناخت هنر سرزمین‌های اسلامی هرگز تنها در کتابخانه‌ها شکل نگرفته است. سفرهای اکتشافی، مناسبات قدرت و استعمار، کاوش‌های باستان‌شناختی، بازار آثار هنری، نمایشگاه‌های جهانی، مجموعه‌های خصوصی، موزه‌ها و دانشگاه‌ها، همگی در این فرآیند سهم داشته‌اند.

بسیاری از آثاری که امروز در کتاب‌های تاریخ هنر می‌شناسیم، اول در چنین بسترهایی دیده، گردآوری، طبقه‌بندی و مطالعه شدند. در نتیجه، اثر هنری همواره در پیوند با محیط تاریخی و نهادی خود معنا پیدا می‌کند و همین پیوند، نگاه خواننده را نیز دگرگون می‌سازد. یکی از جنبه‌های تأمل‌برانگیز کتاب، توجه به نقش نهادها در شکل‌گیری دانش است. موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی، نمایشگاه‌های جهانی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، تنها محل نگهداری یا نمایش آثار نبوده‌اند؛ هر یک در شکل دادن به شیوه‌های مطالعه، ارزش‌گذاری و تفسیر هنر اسلامی سهم داشته‌اند. اگر امکان گردآوری آثار، عکاسی، انتشار تصاویر و آموزش دانشگاهی فراهم نمی‌شد، مطالعات هنر اسلامی نیز به صورت امروزی آن پدید نمی‌آمد. کتاب از خلال نمونه‌های فراوان نشان می‌دهد که هر دانشی در بستری از نهادها، امکانات و تعاملات علمی رشد می‌کند.

در کنار این نهادها، کتاب خواننده را با شماری از اثرگذارترین پژوهشگران این حوزه نیز آشنا می‌کند. ارزش این بخش‌ها در معرفی زندگی‌نامه چند چهره شناخته‌شده خلاصه نمی‌شود؛ اهمیت آنها در نشان دادن پرسش‌هایی است که هر نسل از پژوهشگران به این رشته افزوده است. از همین رهگذر، خواننده درمی‌یابد که تاریخ یک دانش را باید از خلال تحول پرسش‌های آن نیز خواند، نه فقط از راه انباشته شدن پاسخ‌ها. کتاب در عین حال از روایت‌های ساده‌انگارانه فاصله می‌گیرد. در بحث نسبت شرق‌شناسی و مطالعات هنر اسلامی، نه به ستایش بی‌چون‌وچرای شرق‌شناسان می‌رسد و نه میراث آنان را یکسره کنار می‌گذارد. نویسندگان می‌کوشند هر دوره را در متن زمانه خود بفهمند و سهم هر پژوهشگر و هر جریان فکری را با توجه به امکانات و محدودیت‌های همان زمان بسنجند. همین خویشتنداری روش‌شناختی، یکی از مهم‌ترین دلایل اعتبار علمی کتاب است و خواننده را به داوری مستقل فرامی‌خواند. در همین‌جا افق کتاب از مرزهای متعارف تاریخ هنر فراتر می‌رود. خواننده به تدریج درمی‌یابد که سخن تنها از معماری، خوشنویسی، هنرهای صناعی یا نگارگری نیست. هر اثر هنری در شبکه‌ای از روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فکری جای دارد و فهم آن، بدون شناخت این شبکه، ناقص می‌ماند. همین پیوند، مطالعات هنر اسلامی را به بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی نزدیک کرده است. پژوهش درباره یک مسجد تاریخی می‌تواند به تحول شهرها و جغرافیای تاریخی بینجامد؛ بررسی نسخه‌ای مصور، مسیر انتقال متون، جابه‌جایی هنرمندان و ارتباط مراکز فرهنگی را آشکار کند؛ مطالعه یک قالی یا ظرف سفالی نیز راه را به تاریخ تجارت، اقتصاد هنر، مجموعه‌داری، موزه‌ها و سیاست‌های حفاظت از میراث فرهنگی بگشاید. در این نگاه، اثر هنری هم‌زمان سندی برای تاریخ فرهنگ، گردش اندیشه‌ها، انتقال فناوری‌ها و دگرگونی سلیقه‌های هنری است. این تحول، تصویر پیشین از این رشته را نیز دگرگون کرده است. کسی که گمان می‌کند مطالعات هنر اسلامی هنوز به شناخت کاشی‌ها، کتیبه‌ها، گنبدها یا نسخه‌های مصور محدود می‌شود، احتمالاً با تصویری متعلق به چند دهه پیش روبه‌روست. امروز این رشته در نقطه تلاقی تاریخ فرهنگ، تاریخ اندیشه، جغرافیای تاریخی، مطالعات موزه، تاریخ مجموعه‌داری، شرق‌شناسی، مطالعات استعمار و پسااستعمار، میراث فرهنگی، گردش اشیا و حافظه تاریخی قرار دارد و هر یک از این حوزه‌ها افقی تازه برای فهم آثار هنری می‌گشایند.

البته «اکتشاف هنر اسلامی» قصد ندارد همه این مباحث را به صورت مستقل بررسی کند. اهمیت کتاب از چشم‌اندازی برمی‌آید که پیش روی خواننده می‌گشاید. نویسندگان با روایت تاریخ شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی و بررسی نقش پژوهشگران، موزه‌ها، مجموعه‌داران، نمایشگاه‌های جهانی، دانشگاه‌ها و تحول رویکردهای پژوهشی، نشان می‌دهند که چرا این پرسش‌های تازه در این رشته پدید آمده‌اند و چگونه به بخشی از دستور کار علوم انسانی معاصر تبدیل شده‌اند.

اهمیت ترجمه فارسی کتاب نیز از همین جا روشن می‌شود. خواننده فارسی‌زبان با اثری روبه‌رو می‌شود که به جای افزودن کتابی دیگر به انبوه نوشته‌های موجود درباره آثار هنری، تاریخ سنت پژوهشی‌ای را معرفی می‌کند که بسیاری از همین دانسته‌ها درون آن شکل گرفته‌اند. چنین آشنایی‌ای برای دانشجویان و پژوهشگران تاریخ هنر اهمیت مستقیم دارد، اما دامنه آن به این حوزه محدود نمی‌ماند و می‌تواند برای علاقه‌مندان تاریخ فرهنگ، موزه، شرق‌شناسی و تاریخ اندیشه نیز سودمند باشد.

شاید ارزش اصلی «اکتشاف هنر اسلامی» را بتوان در همین تغییر زاویه دید خلاصه کرد. خواننده پس از بستن کتاب، تصویری روشن‌تر از تاریخ شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی در اختیار دارد و این حوزه را عرصه‌ای گسترده برای طرح پرسش‌هایی درباره فرهنگ، جغرافیای تاریخی، موزه و تاریخ اندیشه می‌بیند. از این منظر، «اکتشاف هنر اسلامی» هم مدخلی ارزشمند برای شناخت هنر سرزمین‌های اسلامی است و هم دریچه‌ای به یکی از پویاترین جریان‌های علوم انسانی معاصر؛ زیرا هنر، گذشته از آثاری که از گذشته بر جای مانده‌اند، تاریخ شیوه‌هایی را نیز در خود دارد که انسان‌ها در دوره‌های مختلف از طریق آنها آموخته‌اند چگونه ببینند، تفسیر کنند و به یاد بسپارند.

irannewspaper.ir

دوشنبه • ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۹۹
• اذان ظهر ۱۲/۰۸ • اذان مغرب ۱۹/۱۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۵۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۲۵

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
شرافت ادب، ارجمندتر از شرافت نَسَب است.
غررالحکم، ج ۳، ص ۴۰۱، ح ۴۸۹۳

نقل قول

علی حاتمی هر فیلمش را مثل یک فرش می‌بافت

علی حاتمی می‌گفت برخی من را فیلمساز نمی‌دانند و می‌گویند شاعر و تابلونگار است. او خودش را در شمایل فرشباف و قالی‌باف می‌دید و معتقد بود هر فیلمی که می‌سازد، یک فرش می‌بافد و این را جوهره ذات هنر ایرانی و قواعد و اسلوب‌های فرش بافتن و طراحی نقوش را بسیار با اهمیت و قابل عرضه در سطح جهان می‌دانست. او تا آخرین لحظه اعتقاد داشت این اتفاق نیفتاده و دنیا متوجه اهمیت این هنر در سرزمین ما نشده است. همه واقف هستیم که علی حاتمی در زمینه دیالوگ منحصربه‌فرد بود و ایشان قواعد کاری مخصوص به خودش را داشت. در باب تصویر هم باید بگویم جوهره تصویرپردازی و تصویرنگاری در اندیشه و روح ایشان بود و به واقع هیجان غریبی برای من به وجود می‌آورد که در اولین دهه ورودم به سینما با او کار کردم؛ به‌طوری که گاهی اوقات مرا به فکر فرو می‌برد که چگونه او می‌تواند این هارمونی‌ها را از نظر رنگ و تناسب با همدیگر به وجود بیاورد.

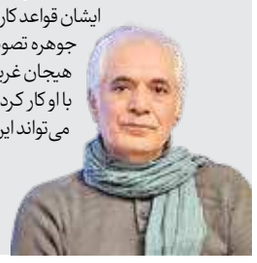

صحبت‌های محمود کلاری، مدیر فیلمبرداری و کارگردان سینمای ایران در برنامه «کلاسیک‌های کانون» موزه سینما

مراسم یادبود «حسین خواجه‌امیری»

مراسم یادبود زنده‌یاد حسین (ایرج) خواجه‌امیری خواننده پیشکسوت موسیقی سنتی سه‌شنبه (۲۷ مردادماه) ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌شود. این مراسم به همت خانواده زنده‌یاد خواجه‌امیری برگزار می‌شود.
حسین (ایرج) خواجه امیری خواننده پیشکسوت موسیقی سنتی ملقب به «پهلوان آواز» ۲۱ مردادماه پس از دوره‌ای بیماری در ۹۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. /**ایرنا**

آغاز پخش «هزار داستان» با اجرای «حسین پاکدل»

پخش برنامه از پنجشنبه هفته گذشته آغاز شد و «هزار داستان» چهار قسمت در هفته از سه‌شنبه تا جمعه ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه نسیم می‌رود. حسین پاکدل نویسنده، کارگردان تئاتر و بازیگر با «هزار داستان» بعد از ۳۳ سال به اجرا در قاب تلویزیون بازگشته است. این برنامه با مشارکت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تولید شده و در فصل جدید به حوزه سلامت زندگی و اصلاح سبک زندگی مردم می‌پردازد. کارگردان فصل جدید «هزار داستان» محمدفؤاد صفاریان‌پور است. /**ایران**

«بهنام تشکر» از جمعه با «کارآگاه علوی» به تلویزیون می‌آید

مجموعه «کارآگاه علوی» در فصل سوم خود این بار با حضور بهنام تشکر میزبان مخاطبان خواهد بود.
فصل سوم کارآگاه علوی از جمعه پیش‌رو روانه آنتن شبکه یک سیما می‌شود تا نه تنها خاطره دهه‌های ۷۰ و ۸۰ را جانی دوباره ببخشد که نسل حاضر را به حدود یک قرن پیش و داستان‌های جنایی و پلیسی آن دوران ببرد.
این مجموعه از محصولات جدید و پربازیگر سیما فیلم است. /**ایسنا**

آیین رونمایی از صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

سرمایه در خدمت فرهنگ؛ صندوقی برای جان‌گرفتن اقتصاد خلاق

گزارش

گروه فرهنگی

مراسم رونمایی از صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسین افشین، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس جمهور، اصغر نورالله‌زاده، رئیس هیأت عامل صندوق نوآوری و شکوفایی و جمعی از مدیران و نمایندگان بخش دولتی و خصوصی برگزار شد. این صندوق با هدف ایجاد یک زیرساخت مالی تخصصی برای حوزه فرهنگ، هنر، رسانه و صنایع خلاق شکل گرفته است تا با استفاده از ابزارهایی مانند تسهیلات، ضمانتنامه و سرمایه‌گذاری خطرپذیر، فاصله میان ایده، سرمایه و بازار را کاهش دهد.

مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر؛ طراح رویکرد جدید تأمین مالی

سیدصادق پژمان، مدیرعامل مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر، در این مراسم با تشریح رویکرد جدید این مؤسسه گفت: «بر اساس سند راهبردی، نگاه مجموعه از یک نهاد اجرایی و تصدی‌گرایانه به یک مؤسسه پلتفرمی تغییر کرده است؛ نهادی که بتواند میان حاکمیت، بخش خصوصی و زیست‌بوم فرهنگ، هنر و رسانه نقش واسطه و تسهیل‌گر داشته باشد.»
به گفته پژمان، یکی از مهم‌ترین مسائل شناسایی‌شده در بررسی نظام مسائل فرهنگ و هنر، موضوع تأمین مالی است. اقتصاد فرهنگ و صنایع خلاق برای توسعه، سرمایه‌گذاری، تولید، تجاری‌سازی و ورود به بازار به ابزارهای مالی متناسب با ماهیت خود نیاز دارند؛ در حالی که ساختارهای مالی سنتی کشور عمدتاً بر دارایی‌های فیزیکی و قابل لمس استوار هستند.
او با اشاره به اهمیت دارایی‌های نامشهود تأکید کرد: «مالکیت فکری، محتوا، نرم‌افزار، برند و سایر دارایی‌های ذهنی باید در نظام مالی کشور شناسایی و ارزش‌گذاری شوند تا امکان تأمین مالی بر مبنای این دارایی‌ها فراهم شود. از همین منظر، ایجاد یک صندوق تخصصی می‌تواند میان ماهیت متفاوت کسب‌وکارهای فرهنگی و ساختار مالی کشور ارتباط مؤثرتری برقرار کند.»

حرکت از حمایت مستقیم به سمت سرمایه‌گذاری

پژمان همچنین بر ضرورت تغییر الگوی حمایت دولت از فرهنگ و هنر تأکید کرد. به گفته او، کمک‌های بلاعوض همچنان یکی از ابزارهای حمایت از فرهنگ در جهان است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای اقتصاد فرهنگ و هنر باشد. در مدل جدید، دولت باید از تأمین‌کننده مستقیم اعتبار به طراح زیست‌بوم و نظام مالی تبدیل شود.
هدف این رویکرد، ایجاد منابعی پایدار و بازگشت‌پذیر است؛ به این معنا که منابع به‌جای آنکه یک‌بار توزیع و مصرف شوند، در قالب تسهیلات، ضمانتنامه یا سرمایه‌گذاری وارد چرخه اقتصادی شده و پس از بازگشت، دوباره برای حمایت از کسب‌وکارهای فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند.
صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر نیز بر همین مبنا طراحی شده است. دولت و بخش خصوصی منابع خود را در صندوق تجهیز می‌کنند و این منابع می‌تواند در قالب تسهیلات، صدور ضمانتنامه و سرمایه‌گذاری خطرپذیر در اختیار فعالان زیست‌بوم فرهنگ و هنر قرار گیرد.
یکی از کارکردهای مهم صندوق، پوشش بخشی از ریسک کسب‌وکارهای فرهنگی از طریق صدور ضمانتنامه است. همچنین سرمایه‌گذاری خطرپذیر می‌تواند به ایده‌ها و دارایی‌های فکری کمک کند تا مسیر تجاری‌سازی را طی کرده و به محصولات و خدمات اقتصادی تبدیل شوند.

تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر نگاه شبکه‌ای به صنایع خلاق

سیدعباس صالحی، صنایع خلاق را حوزه‌ای راهبردی برای اقتصاد کشور دانست و تأمین مالی پایدار را یکی از اهرم‌های اصلی توسعه این حوزه عنوان کرد. به گفته او، صنایع خلاق از نظر تولید، اشتغال، گردش مالی، صادرات و درآمد ملی اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌اند و ایران نیز به دلیل ظرفیت‌های تاریخی، تمدنی و فرهنگی، از مزیت‌های قابل‌توجهی در این زمینه برخوردار است.
صالحی با اشاره به پیوند اقتصاد فرهنگ و هنر با موضوعاتی مانند سبک زندگی و هویت گفت: «توسعه صنایع خلاق می‌تواند علاوه بر آثار اقتصادی، به تقویت جایگاه فرهنگی و تمدنی ایران نیز کمک کند.»
او تأکید کرد: «مسائل صنایع خلاق نباید به‌صورت جداگانه بررسی شوند.» به گفته وزیر فرهنگ، دست‌کم ۱۰ مسأله اساسی در این حوزه وجود دارد که باید به‌صورت شبکه‌ای و هماهنگ مورد توجه قرار گیرد.
تأمین مالی پایدار یکی از این مسائل است، اما اگر سایر اجزای زیست‌بوم مانند بازار، تجاری‌سازی، صادرات، زیرساخت و سیاست‌گذاری همزمان تقویت نشوند، ممکن است حتی پروژه‌های دارای سرمایه نیز در میانه مسیر با مشکل مواجه شوند.
صالحی پیشنهاد کرد به جای تمرکز صرف بر مطالعات، برای مسائل اصلی صنایع خلاق پروژه‌های راهبردی و عملیاتی تعریف شود. او همچنین تأکید کرد منابع حمایتی باید تا حد امکان از مدل توزیع مستقیم فاصله گرفته و به سمت سرمایه‌گذاری حرکت کنند.

> راه‌اندازی صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر را می‌توان تلاشی برای تغییر الگوی تأمین مالی فرهنگ از «حمایت مستقیم» به سمت «سرمایه‌گذاری، ضمانت و تأمین مالی پایدار» دانست

نقش بخش خصوصی و ظرفیت صندوق نوآوری

حسین افشین، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس جمهور، ظرفیت‌های صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر را برای توسعه اقتصاد خلاق مهم دانست و تأکید کرد بخش خصوصی باید نقش اصلی را در توسعه صندوق بر عهده بگیرد.
او اعلام کرد: «صندوق نوآوری و شکوفایی می‌تواند در چارچوب عاملیت مالی، منابعی تا چند برابر منابع اختصاص‌یافته توسط صندوق فرهنگ و هنر را در اختیار آن قرار دهد. در مدل پیشنهادی یک به پنج، امکان اهرم‌کردن منابع صندوق و افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود. همچنین صندوق نوآوری آمادگی دارد در برخی طرح‌ها به‌صورت هم‌سرمایه‌گذاری وارد شود و بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر را بپذیرد.»
افشین تأکید کرد: «حضور معاونت علمی در ترکیب سهامداران، با هدف کمک به راه‌اندازی و تثبیت صندوق است و در صورت رسیدن صندوق به مرحله بلوغ، امکان خروج معاونت از ترکیب سهامداران وجود خواهد داشت.»

لزوم تعریف شاخص‌های عملکرد

حسین انتظامی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تأمین مالی را بخش مهمی از تحول نظام حمایت از فرهنگ و هنر دانست و بر استفاده از ظرفیت بخش خصوصی تأکید کرد. او مفهوم «فرهنگ‌بنیان» را نیز قابل طرح در کنار مفهوم «دانش‌بنیان» دانست و گفت ساختارهای دولتی باید از الگوهای سنتی فاصله گرفته و نقش خود را به تسهیلگری محدود کنند.
انتظامی در عین حال هشدار داد که فعالیت صندوق نباید به مراسم رونمایی محدود شود. به گفته او، باید برای صندوق شاخص‌های کلیدی عملکرد تعریف شود؛ از جمله میزان تأمین مالی، تعداد فعالان فرهنگی بهره‌مند از خدمات صندوق و میزان اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها.

تقویت زنجیره تأمین مالی و توسعه بازار

عبدالحسن بهرامی، رئیس مرکز راهبری ستادهای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، نیز تأمین مالی را یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری اقتصاد خلاق دانست و بر حمایت همزمان از شرکت‌های خلاق و سرمایه‌گذاران تأکید کرد. به گفته او، بخشی از منابع حمایتی فرهنگی می‌تواند به ایجاد بازار پایدار برای محصولات خلاق اختصاص یابد.
اصغر نورالله‌زاده، رئیس هیأت عامل صندوق نوآوری و شکوفایی، نیز تأکید کرد: «وجود نهادهای مالی تخصصی می‌تواند زنجیره تأمین مالی فناوری‌های فرهنگی، بازی‌های رایانه‌ای و سایر صنایع خلاق را تقویت کند.» او از آمادگی صندوق نوآوری برای اختصاص عاملیت مالی و مشارکت در هم‌سرمایه‌گذاری خبر داد و تأکید کرد میزان حمایت‌ها باید بر اساس عملکرد و اثربخشی صندوق افزایش یابد.
در بخش خصوصی نیز محمدعلی یوسفی‌زاده، مدیرعامل آسیاتک، حضور این شرکت در صندوق را در راستای توسعه زیست‌بوم محتوایی و تحول دیجیتال دانست. سعید حسینی، نایب‌رئیس هیأت‌مدیره شتاب‌دهنده کارآفرینی اجتماعی، نیز تأکید کرد: «صندوق نباید صرفاً شکل جدیدی از حمایت‌های بلاعوض گذشته باشد، بلکه باید بر کسب‌وکارهایی تمرکز کند که ظرفیت فعالیت اقتصادی و بازپرداخت منابع را دارند.»
در مجموع، راه‌اندازی صندوق پژوهش و فناوری توسعه فرهنگ و هنر را می‌توان تلاشی برای تغییر الگوی تأمین مالی فرهنگ از «حمایت مستقیم» به سمت «سرمایه‌گذاری، ضمانت و تأمین مالی پایدار» دانست. موفقیت این صندوق به میزان توانایی آن در جذب منابع خصوصی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، حمایت از تجاری‌سازی، توسعه بازار و صادرات محصولات فرهنگی و خلاق وابسته خواهد بود. در صورت تحقق این اهداف، صندوق می‌تواند به یکی از اجزای مهم زیست‌بوم جدید اقتصاد فرهنگ و هنر تبدیل شود و منابع محدود حمایتی را به سرمایه‌ای چرخشی و پایدار برای رشد صنایع خلاق تبدیل کند.

درباره جایگاه هنری زنده‌یاد حسین خواجه امیری

صدای ایرج، معیار آواز

یادداشت

علیرضا سپهوند
آهنگساز و پژوهشگر موسیقی

حسین خواجه‌امیری، معروف به «ایرج»، از میان ما رفت اما درباره بعضی صداها نمی‌توان از «پایان» سخن گفت. برخی صداها بخشی از حافظه یک ملت می‌شوند و تا وقتی انسانی در این سرزمین به موسیقی، آواز و خاطره‌های جمعی خود گوش می‌دهد، زنده می‌مانند. ایرج از همین صداها بود. صدایی که بیش از هفت دهه در سپهر موسیقی ایران حضور داشت و سرانجام به ابدیت پیوست تا جاودانگی‌اش را به دست همان چیزی بسپارد که عمرش را وقف آن کرد؛ آواز.
ایرج تنها یک خواننده صاحب‌نام نبود، او یک پدیده آوازی بود. محمدرضا شجریان در مراسم بزرگداشت ایرج در سال ۱۳۹۲ درباره او گفت: «صدای ایرج در تاریخ آوازخوانی ما یک مترو معیار است» و تأکید کرد هرگاه قرار باشد بالاترین حد توانایی حنجره را مثال بزنند، صدایی شبیه صدای ایرج را مثال خواهند زد. همین نگاه از سوی یکی از بزرگ‌ترین خوانندگان تاریخ موسیقی ایران، شاید دقیق‌ترین توصیف از جایگاه ایرج باشد؛ خواننده‌ای که به «پهلوان آواز» شهرت یافت و این عنوان، بیش از آنکه یک لقب تبلیغاتی باشد، توصیفی از ابعاد توانایی و منش او بود. ایرج از نظر نوع، رنگ، جنس، بافت و قدرت تحریر، بی‌نظیر بود. در آواز ایرانی، صدا فقط «بلندی» یا «وسعت» نیست. رنگ صدا، کیفیت طنین، توانایی کنترل، وضوح بیان، قدرت مانور در مناطق مختلف صوتی و مهم‌تر از همه، نسبت میان تکنیک و موسیقی، مجموعه‌ای را می‌سازند که از یک خواننده، یک خواننده بزرگ می‌سازد. ایرج در همه این مؤلفه‌ها صاحب ویژگی‌هایی بود که کمتر می‌توان نمونه‌ای هم‌تراز برای آنها پیدا کرد.
با ظهور ایرج در سپهر خوانندگی، ساحتی از قدرت آواز ایرانی به نمایش درآمد که پیش از آن، در این مقیاس و با این کیفیت ندیده بودیم. اهمیت این اتفاق زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم او در دوره‌ای ظهور کرد که آواز ایران خود مملو از قله‌های بزرگ بود. تاج اصفهانی در اوج اقتدار می‌خواند، بنان در اوج لطافت، ظرافت و درک موسیقایی قرار داشت و نام‌هایی چون ادیب خوانساری، طاهرزاده و ظلی هر یک نماینده بخشی از تاریخ پرافتخار آواز ایرانی بودند. در چنین منظومه‌ای، دیگر صرفاً خوب خواندن کافی نبود. برای اینکه خواننده‌ای بتواند میان این غول‌های آواز سر برآورد، باید چیزی فراتر از استعداد معمول داشته باشد.
آن «چیز» در ایرج، حنجره‌ای استثنایی بود؛ حنجره‌ای که قدرت را با سهولت همراه می‌کرد. یکی از شگفتی‌های آواز ایرج این بود که تحریرهای او در کوک‌های بالا، چنان روان، راحت و طبیعی به گوش می‌رسید که شنونده تصور می‌کرد اجرای آنها کاری آسان است. اما کافی بود یک خواننده حرفه‌ای تلاش کند حتی ماکتی بسیار ضعیف‌تر از همان جمله را اجرا کند تا تازه معلوم شود ایرج چه قدرتی در اختیار داشته است. این همان نقطه‌ای است که فاصله میان «خواننده خوب» و «صاحب حنجره تاریخی» آشکار می‌شود. آنچه برای ایرج به شکل طبیعی و سهل‌الوصول شنیده می‌شد، برای بسیاری از خوانندگان دیگر مرز توانایی‌های صوتی محسوب می‌شد.

> شجریان، که خود بعدها به یکی از مهم‌ترین قله‌های آواز ایرانی تبدیل شد، درباره ایرج با عبارتی سخن گفت که شاید بهترین پایان برای هر روایت درباره او باشد؛ صدای ایرج «مترو معیار» است

اکبر گلپایگانی نیز درباره ایرج بر شفافیت صدا و تحریرهای منحصربه‌فرد او تأکید کرده بود و از او به عنوان خواننده‌ای با توانایی‌های کم‌نظیر یاد می‌کرد. این شهادت‌ها از سوی هم‌نسلان و بزرگان آواز اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که ارزش واقعی یک خواننده را گاهی بهتر از هر منتقدی، کسانی می‌فهمند که خود در همان میدان ایستاده‌اند.
اما ایرج فقط صاحب یک حنجره قدرتمند نبود. بخش مهمی از شخصیت هنری او را باید در انتخابی جست‌وجو کرد که شاید در نگاه اول برای بسیاری از اهالی موسیقی محل پرسش بود: اینکه چرا خواننده‌ای با چنین ظرفیت فنی و آوازی، بخش مهمی از عمر هنری خود را به خوانندگی در سینما، آثار عامه‌پسند و ترانه‌هایی اختصاص داد که شاید با تصویری که از یک خواننده کلاسیک و فاخر انتظار می‌رود، همخوان نباشد.
بسیاری از موسیقیدانان بزرگ حسرت می‌خوردند که ای‌کاش ایرج تنها آثار ناب و فاخر کلاسیک ایرانی را می‌خواند و به خوانندگی در فیلم‌ها و اجرای آثار پاپیولار «نه» می‌گفت. اما شاید این نگاه، یک ویژگی مهم شخصیت ایرج را نادیده می‌گرفت؛ تواضع. ایرج نمی‌خواست خواننده‌ای خاص برای گروهی خاص باشد. او می‌خواست صدایش را همه مردم بشنوند. از مردم کوچه و بازار تا اهل موسیقی و نخبگان. می‌خواست خواننده همه مردم باشد، نه فقط خواننده جمعی محدود از مخاطبان موسیقی جدی.
این انتخاب، اگرچه ممکن است از منظر تاریخ‌نگاری موسیقی خسارت‌هایی به همراه داشته باشد، اما از منظر رابطه هنرمند و جامعه، یکی از بزرگ‌ترین دلایل ماندگاری اوست. امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم، شاید بهتر بتوانیم ارزش این انتخاب را بفهمیم. اگر ایرج تنها به اجرای آثار کلاسیک و فاخر موسیقی ایرانی می‌پرداخت، کدام خواننده می‌توانست آن همه نغمه و آواز ماندگار و نوستالژیک را که بر بازی‌های زنده‌یاد محمدعلی فردین نشست، برای نسل‌های مختلف ایرانی به یادگار بگذارد؟ صدای ایرج در سینمای ایران، فقط صدای یک خواننده نبود؛ بلکه بخشی از شخصیت صوتی یک دوران شد. نسلی از ایرانیان، خاطره سینما، جوانی، عشق، قهرمانی، رفاقت و حتی تصویر فردین را با صدای ایرج به یاد می‌آورد.
این همان تناقض شیرین و مهم زندگی هنری اوست: خواننده‌ای که می‌توانست یکی از محدودترین و تخصصی‌ترین چهره‌های آواز کلاسیک ایران باشد، انتخاب کرد که یکی از عمومی‌ترین و محبوب‌ترین صداهای ایران نیز باشد. ایرج از نسل هنرمندانی بود که فاصله میان «هنر» و «مردم» را چندان جدی نمی‌گرفتند. برای او آواز قرار نبود فقط در محافل تخصصی شنیده شود. آواز باید به خانه مردم می‌رفت، وارد سینما می‌شد، در خاطره‌ها می‌ماند و در زندگی روزمره جاری می‌شد. شاید همین نگاه بود که موجب شد لقب «پهلوان آواز» بیش از یک عنوان، به بخشی از هویت او تبدیل شود.
او البته ریشه‌ای عمیق در سنت آواز ایرانی داشت. آموزش‌های اولین را از پدرش، نعمت‌الله خواجه‌امیری، آغاز کرد و بعدها با ابوالحسن صبا ارتباط پیدا کرد. مسیر حرفه‌ای او نیز با رادیو و سپس برنامه «گل‌ها» گره خورد و از همان سال‌ها توانایی‌های صوتی و تکنیکی‌اش بیش از پیش آشکار شد. اما آنچه در نهایت از ایرج باقی می‌ماند، نه فقط فهرست برنامه‌ها، نه فقط نام آهنگسازانی که با آنها همکاری کرد و نه فقط شمار ترانه‌ها و آوازهایی که خواند بلکه «صدایی» است که در تاریخ موسیقی ایران یک معیار شد.
شجریان، که خود بعدها به یکی از مهم‌ترین قله‌های آواز ایرانی تبدیل شد، درباره ایرج با عبارتی سخن گفت که شاید بهترین پایان برای هر روایت درباره او باشد؛ صدای ایرج «مترو معیار» است.

برش

صدای جاودانه

حالا که ایرج رفته است، حنجره‌ای خاموش شده، اما صدایی از میان نرفته است. صدای او در ضبط‌های قدیمی، در برنامه‌های «گل‌ها»، در ترانه‌های سینمایی، در خاطره نسل‌هایی که با او زندگی کرده‌اند و در گوش کسانی که هنوز می‌خواهند معنای قدرت حنجره را در آواز ایرانی بفهمند، ادامه خواهد داشت. ایرج به ابدیت پیوست؛ اما ابدیت برای هنرمندی از جنس او، جایی بیرون از تاریخ نیست. ابدیت همان جایی است که صدا دیگر متعلق به صاحب صدا نیست و به حافظه یک ملت تعلق پیدا می‌کند.
ایرج از این پس دیگر فقط حسین خواجه‌امیری نیست؛ او بخشی از حافظه شنیداری ایران است. پهلوانی که میدانش آواز بود، سلاحش حنجره و میراث او صدایی که هنوز می‌تواند از دل یک ضبط قدیمی برخیزد و به ما یادآوری کند که در تاریخ آواز ایران، زمانی مردی خواند که قدرت حنجره‌اش را کمتر کسی توانست تکرار کند؛ مردی که نامش «ایرج» بود و صدایش، جاودانه شد.